

بِسْمِ اللَّهِ  
الرَّحْمَنِ  
الرَّحِيمِ



.....  
عنوان گزارش: تحولات جمعیتی و پیامدهای آن بر بازار مصرف با نگاه به ایران

تهیه شده در: معاونت اقتصادی اتاق ایران - مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی

ناظر طرح: محمدرضا دوست محمدی

مجری طرح: طه نورالهی

پاییز ۱۳۹۶

.....



## فهرست مطالب

۹	پیشگفتار	
۱۱	مقدمه	
۱۵	<b>فصل اول: توزیع و تغییر جمعیت</b>	
۱۶	مساحت	۱-۱
۱۶	تراکم جمعیت	۲-۱
۱۷	تعداد جمعیت و رشد آن	۳-۱
۲۱	نرخ رشد جمعیت	۴-۱
۲۱	رشد طبیعی جمعیت	۱-۴-۱
۲۲	رشد واقعی جمعیت	۲-۴-۱
۲۴	جمع‌بندی	
۲۷	<b>فصل دوم: جمعیت شهری</b>	
۳۰	حجم و رشد جمعیت نقاط شهری کشور	۱-۲
۳۰	میزان شهرنشینی	۲-۲
۳۴	طبقات جمعیتی شهرهای کشور و تحولات آن	۳-۲
۴۱	پراکندگی عمودی جمعیت	۴-۲
۴۲	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	
۴۵	<b>فصل سوم: جمعیت روستایی</b>	
۴۷	تغییرات تعداد آبادی‌های کشور	۱-۳
۴۹	حجم و رشد جمعیت روستایی کشور	۲-۳
۵۱	تحول جمعیت روستاها به تفکیک طبقات جمعیتی	۳-۳
۵۴	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	
۵۵	<b>فصل چهارم: تحولات تعداد و بُعد خانوار</b>	
۶۱	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	

۶۳	<b>فصل پنجم: ترکیب جنسی و ساختار سنی</b>	
۶۵	ترکیب جنسی جمعیت	۱-۵
۶۶	ساختار سنی	۲-۵
۶۷	روند تغییرات هرم‌های سنی در ایران (از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵)	۳-۵
۷۲	گروه‌های عمده سنی	۴-۵
۷۵	میانه سنی	۵-۵
۷۶	میانگین سنی	۶-۵
۷۷	پنجره جمعیتی	۷-۵
۷۸	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	

۸۳	<b>فصل ششم: مرگ‌ومیر در ایران</b>	
۸۵	میزان خام مرگ‌ومیر	۱-۶
۸۶	میزان مرگ‌ومیر اختصاصی	۲-۶
۸۶	میزان مرگ‌ومیر ویژه سنی	۳-۶
۸۷	میزان مرگ‌ومیر کودکان کمتر از یکساله	۴-۶
۸۸	میزان مرگ‌ومیر کودکان ۰-۴ ساله	۵-۶
۸۹	مرگ‌ومیر مادری	۶-۶
۹۰	میزان‌های مرگ برحسب علت	۷-۶
۹۱	امید زندگی در بدو تولد	۸-۶
۹۲	الگوی سنی و جنسی مرگ	۹-۶

۹۵	<b>فصل هفتم: باروری در ایران</b>	
۹۷	میزان خام مولید	۱-۷
۹۸	میزان باروری ویژه سنی	۲-۷
۱۰۱	میزان باروری کل	۳-۷
۱۰۲	سطح جانشینی	۴-۷

۱۰۳	تغییر در الگوی باروری	۵-۷
۱۰۵	میانگین سن فرزندزایی	۶-۷
۱۰۵	جمع‌بندی	
<b>فصل هشتم</b>		
۱۰۷	<b>مهاجرت و باز توزیع جمعیت</b>	
۱۰۹	مهاجرت‌های داخلی	۱-۸
۱۱۰	مهاجرت‌های دوره‌ای	۲-۸
۱۱۲	ویژگی‌های عمده مهاجرت‌های داخلی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰	۳-۸
۱۱۴	ساختار سنی و جنسی مهاجرین	۴-۸
۱۱۶	مهاجرت بین استانی	۵-۸
۱۱۷	علل مهاجرت	۶-۸
۱۱۹	مهاجرت‌های بین‌المللی	۷-۸
۱۲۰	بررسی جمعیت اتباع غیرایرانی (مهاجران خارجی) براساس نتایج سرشماری‌ها	۸-۸
۱۲۲	جمع‌بندی	۹-۸
<b>فصل نهم:</b>		
۱۲۳	<b>پیش‌بینی جمعیت ایران تا سال ۱۴۳۰</b>	
۱۲۵	داده‌های اولیه لازم برای پیش‌بینی‌های جمعیتی	۱-۹
۱۲۶	پیش‌فرض‌ها و نتایج پیش‌بینی‌های جمعیت کشور	۲-۹
۱۳۶	جمع‌بندی	
<b>فصل نهم:</b>		
۱۳۷	<b>خلاصه، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری</b>	
۱۳۹	خلاصه	
۱۴۳	نتیجه‌گیری	
<b>منابع و مأخذ مورد استفاده</b>		
۱۴۶		





## پیشگفتار

یکی از مأموریت‌های اصلی مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی اتاق ایران که از زمان تأسیس آن در سال ۱۳۹۴، همواره مورد تأکید قرار گرفته، ارائه تحلیل‌های آماری در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور است که با هدف تحقق اجرای وظیفه مهم اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران در ارائه مشورت به قوای سه‌گانه و مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در کشور صورت می‌پذیرد. در همین راستا، این مرکز تلاش نموده است تا در سال ۱۳۹۶، بسترهای لازم برای تهیه و ارائه گزارش‌های تحلیلی خود را با استناد به آمار و اطلاعات رسمی و مورد تأیید نظام آماری کشور و تنها براساس استفاده از ابزارهای تجزیه و تحلیل آماری فراهم آورد. نشریه حاضر که حاصل اولین مطالعه تحلیلی انجام شده توسط مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی اتاق ایران است براساس بررسی اطلاعات منتشر شده از نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن کشور از سال ۱۳۳۵ تا آخرین آن در سال ۱۳۹۵ و با انجام تحلیل‌های آماری در خصوص ساختار و ویژگی‌های جمعیتی کشور در طول سال‌های گذشته و پیش‌بینی روند آن در سال‌های آینده و اثر آن بر بازار مصرف حال و آینده کشور صورت پذیرفته است. امید است نتایج بررسی انجام‌شده که در گزارش حاضر ارائه گردیده است، مورد استقبال و استفاده فعالان اقتصادی، پژوهشگران و برنامه‌ریزان کشور قرار گرفته و صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی، با ابراز نظرها، پیشنهادهای و انتقادهای سازنده خود، مارا در ادامه این راه یاری نمایند.

## مرکز آمار و اطلاعات اقتصادی اتاق ایران



## مقدمه

امروزه توجه به جمعیت و مسائل جمعیتی به عنوان یک ضرورت مطرح است. داده‌های مرتبط با ویژگی‌های جمعیتی کاربرد وسیعی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی، اقتصادی، جمعیتی و فرهنگی دارد. شناخت ویژگی‌های جمعیتی از جمله تعداد، رشد جمعیت، ترکیب سنی و جنسی جمعیت، توزیع جغرافیایی جمعیت و همچنین تعداد، نوع و بعد خانوار می‌تواند برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را در رسیدن به اهدافشان یاری کند. بعد از جنگ جهانی دوم، برنامه‌ریزی‌های اقتصادی-اجتماعی به دلیل تلاطم تغییرات جمعیتی آغاز شد و جمعیت به عنوان یک عامل زیربنایی و اساسی مورد توجه قرار گرفت. در نتیجه، پیش نیاز یک برنامه‌ریزی صحیح، دسترسی به اطلاعات جمعیتی قابل اعتماد است. یکی از جامع‌ترین منابع اطلاعاتی در زمینه ویژگی‌های جمعیتی، داده‌های سرشماری جمعیتی هر کشور به شمار می‌آیند. سرشماری‌های جمعیتی و مسکن به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع اطلاعات، در ایران از سال ۱۳۳۵ هر ۱۰ سال یکبار انجام و نتایج آن در دسترس عموم کاربران قرار گرفته است. در این مطالعه با تأکید بر داده‌های سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ و سرشماری سال‌های قبل، به بررسی و تحلیل ویژگی‌های جمعیتی کشور، مناطق شهری و روستایی پرداخته شده است. از اهداف عمده این تحقیق، مطالعه تغییرات و تحولات ویژگی‌های جمعیت کشور و تأثیرات احتمالی آن بر بازار و تجارت است. بر این اساس، توصیف و تبیین ویژگی‌های جمعیتی کشور، می‌تواند برنامه‌ریزان حوزه بازار و فعالیت‌های اتاق را در تنظیم سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی و همچنین در تدوین برنامه‌های توسعه ملی و منطقه‌ای یاری کند. آگاهی از ویژگی‌های جمعیتی به تفکیک مناطق شهری و روستایی بر مبنای سن و جنس، از جمله زمینه‌هایی است که نیازهای اطلاعاتی برنامه‌ریزان و از منظر اقتصادی نیازهای سرمایه‌گذاران را تأمین می‌کند.

سرمایه‌گذاری مبتنی بر تغییرات جمعیتی (سرمایه‌گذاری مبتنی بر جمعیت‌شناسی)، و همچنین استخدام و حفظ بهترین نیروهای کار (مدیریت منابع انسانی مبتنی بر جمعیت‌شناسی) می‌تواند بیشترین سود را عاید سرمایه‌گذاران کند. در تمام این موارد، جمعیت‌شناسی می‌تواند یکی از عوامل کلیدی ایجاد سود بیشتر باشد. سرعت تغییرات فن‌آوری به علاوه اقتصاد جهانی بی‌ثبات، و ظهور خریداران آگاه و پرتوقع، همگی با هم وضعیت نامشخص حاکم بر موقعیت کنونی را ایجاد کرده است. پیتر دراگر مرشد فقید تجارت هشدار داد که دست و پنجه نرم

کردن با بی‌ثباتی در برنامه‌ریزی تجاری، به چیزی بیش از حدس و گمان نیاز دارد. به گفته دراکر، آنچه تا به حال اتفاق افتاده است، آینده را رقم خواهد زد. نخستین جایی که باید به آن نگاه کرد، جمعیت‌شناسی است. به این ترتیب، مشخص می‌شود که می‌توان از جمعیت‌شناسی و مباحث آن در حوزه اقتصادی استفاده کرد و بر اساس آن، احتمال موفقیت در این زمینه را افزایش داد. بازارهای تجاری تولیدات و خدمات را با مقاصد خاصی و برای گروه‌های متفاوتی از جمعیت ارایه می‌کنند. جمعیت‌شناسی ابزارهای آماری برای بازاریابی است که برای تشخیص بخش‌های جمعیت با ویژگی‌های متمایز مورد استفاده قرار می‌گیرد. تجارت‌ها اعم از بزرگ یا کوچک، به رویکرد هدفمند برای مشتریان نیاز دارند. ویژگی‌های جمعیتی تمام انتخاب‌ها یک مالک تجاری را در طرح‌های توسعه‌ای بازاریابی تحت تأثیر قرار می‌دهد. استفاده از ویژگی‌های جمعیتی، به افراد یک نقطه شروع برای درک اولیه بازارهایشان ارایه می‌دهد.

جمعیت‌شناسی می‌تواند به سرمایه‌گذاران و تاجران و صاحبان مشاغل بزرگ کمک کند تا از اشتباهات هزینه‌بردار در برنامه‌ریزی بازاریابی‌شان اجتناب کنند. جمعیت‌شناسی همچنین می‌تواند مشخص سازد که برای مثال، قرار دادن پروانه در شیشه جلوی اتومبیل، بهترین طرح بازاریابی و تبلیغ برای مشاغلی نیست که گروه‌های هدف کوچک و مالکان منفرد را هدف گرفته‌اند. یک مطالعه می‌تواند اطلاعاتی در مورد اجرای اعضای سالن ژیمناستیک ارایه دهد که تصویری در بیشتر مشتریان را بازخورد نماید. می‌توان ویژگی‌های جمعیت‌شناختی را برای تشخیص متعهدان به بزرگترین روزنامه شهر را به کار گرفت همانگونه که بازار مشتریان ایده‌آل برای مجله جدید را می‌توان تشخیص داد. یک بررسی در مورد مشتریان قالبی‌شویی ممکن است نشان دهد که بیشتر مشتریان ابتدا اینترنت را برای یافتن خدمات محلی مورد جستجو قرار می‌دهند. تعداد مالکان خانه در یک جامعه، تصمیم در مورد اینکه کجا باید مغازه لوازم سخت‌افزاری را بنا کرد، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در اینجا تمرکز بر بخش‌بندی جمعیت‌شناختی است که به طور کلی بازار را به زیرگروه‌هایی بر مبنای متغیرهای جمعیتی از قبیل اشتغال، سن، مذهب، ملیت، جنسیت، درآمد، نژاد، بعد یا اندازه خانوار، و تحصیلات تقسیم می‌کند. بیشتر بازاری‌ها تمایل دارند که بازار را بر اساس متغیرهای جمعیتی تقسیم‌بندی کنند؛ عمدتاً به خاطر این واقعیت که ترجیحات مشتریان تا اندازه زیادی وابسته به چنین متغیرهایی می‌باشد. رویکردهای متنوعی است که می‌توان برای

بخش‌بندی یک بازار و توسعه بهترین استراتژی برای دریافت هر چه بیشتر مشتری از بازار به کار گرفت. با این حال، پیشنهاد می‌شود که چند استراتژی برای بخش‌بندی بازار برای به دست آوردن بهترین نتیجه مورد استفاده قرار گیرد. با این مقدمه مختصر، اهمیت جمعیت‌شناسی برای بازاریابی و تجارت را در زمینه جمعیت‌شناختی ایران به بحث گذاشته و موارد لازم و ضروری در این باره را یادآوری خواهیم کرد.





## ۱-۱- مساحت

از مهم‌ترین عواملی که می‌توان آن را در بررسی‌های جمعیتی به تعداد جمعیت پیوند داد، گستردگی نقاطی است که جمعیت در آن پراکنده است. یک کشور وسیع می‌تواند پاسخگوی نیازهای جمعیت بیشتری باشد و یک کشور کوچک ممکن است به برخی از امکانات اقتصادی، به ویژه به معادن و فراورده‌های کشاورزی کشورهای دیگر نیازمند باشد. در رابطه با جمعیت و مساحت، برخی معتقدند به جای کل سطح سرزمین، تنها باید مساحت زمین‌های قابل کشت را در نظر داشت. گرچه این نگرش در حال حاضر چندان مطرح نیست با این همه باید گفت که سطح اراضی کره زمین (با احتساب مساحت دریاچه‌های داخلی ۱۴۸/۶ میلیون و بدون احتساب آن‌ها کمی بیش از ۱۳۳ میلیون کیلومتر مربع است) که برای سهولت مقایسه آن را ۱۵۰ میلیون کیلومتر مربع محسوب می‌دارند.

وسیع‌ترین قاره‌ها، آسیا است که بیش از ۴۴/۵ میلیون کیلومترمربع و کم‌وسعت‌ترین آن‌ها اقیانوسیه است که ۳/۱ میلیون کیلومترمربع وسعت دارد. مساحت سایر قاره‌ها به ترتیب آفریقا ۳۰/۰۶ میلیون کیلومتر مربع، آمریکای شمالی ۲۴/۴، آمریکای جنوبی ۱۷/۸ و اروپا ۹/۹ میلیون کیلومترمربع می‌باشند.

وسیع‌ترین کشور جهان، روسیه با ۱۶/۹ میلیون کیلومترمربع مساحت است و پس از آن به ترتیب کانادا ۹/۹، ایالات متحده ۹/۶، چین ۹/۵، و برزیل ۸/۵ میلیون کیلومترمربع مساحت دارند. از کم‌وسعت‌ترین کشورهای جهان می‌توان واتیکان را نام برد که تنها ۱ کیلومترمربع و ماکائو که ۲ کیلومتر مربع وسعت دارد.

ایران با وسعت ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع، هفدهمین کشور جهان از نظر مساحت محسوب می‌شود. در سال ۱۳۹۵ از نظر استانی، وسیع‌ترین استان کشور، سیستان و بلوچستان با ۱۸۱۷۸۵ کیلومترمربع و کم‌وسعت‌ترین استان قم بوده است که ۱۱۵۲۶ کیلومتر مربع وسعت داشته است.

## ۲-۱- تراکم جمعیت

در مطالعات جمعیتی داشتن رقم کل جمعیت یک کشور به طور مطلق هر چند لازم است ولی کافی و وافی به مقصود نیست و باید ارتباط بین این رقم و بعضی عوامل دیگر از جمله مساحتی که جمعیت مورد نظر روی آن زندگی می‌کنند و یا نسبت جمعیت به مساحت زیر



کشت و سایر عوامل و... تحلیل شود؛ تا فشار جمعیت بر روی زمین و امکانات اقتصادی مشخص و ظرفیت آن مورد مطالعه و سنجش قرار گیرد. برای نیل به این ضرورت، معمولاً از شاخصی به نام "تراکم نسبی جمعیت"، که به طور اختصار "تراکم جمعیت" نامیده‌اند، استفاده می‌شود. تراکم جمعیت عبارت از نسبت جمعیت یک منطقه به مساحت آن منطقه می‌باشد. این شاخص، در حقیقت بیانگر تعداد جمعیت در هر کیلومتر مربع است. برای آنکه این معیار دقیق‌تر باشد، گاه به جای مساحت کل اراضی، از مساحت زمین‌های زیر کشت نیز استفاده می‌شود که در این حالت به آن تراکم زیستی می‌گویند. در مقیاس تعریف معمولی تراکم جمعیت، اندازه آن در سال ۱۳۹۵ در جهان ۵۰ نفر در کیلومتر مربع بوده است. قاره‌ها از این نظر تفاوت‌های آشکاری با هم داشته‌اند. پرتراکم‌ترین آن‌ها، آسیا ۱۳۲ نفر در هر کیلومتر مربع و کم‌تراکم‌ترین آن‌ها اقیانوسیه ۴ نفر در هر کیلومتر مربع جمعیت داشته است. این شاخص در اروپا ۳۲ نفر، در آفریقا ۶۳ نفر و در آمریکا ۲۲ نفر بوده است. کشورهای جهان از نظر تراکم جمعیت نیز وضع متفاوتی دارند. سنگاپور با ۷۵۶۵ و هنگ‌کنگ با ۶۴۸۸ نفر در هر کیلومتر مربع، از پرآزدحام‌ترین کشورهای جهان محسوب می‌شوند. ایران نیز در سال ۱۳۹۵ با دارا بودن تراکم نسبی ۴۹ نفر در هر کیلومتر مربع مرتبه صد و پنجاه و هفتم را در میان کشورهای جهان دارا بوده است.

### ۱-۳- تعداد جمعیت و رشد آن

نتایج حاصل از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، از مهم‌ترین راه‌های شناخت ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی و اقتصادی هر کشوری محسوب شده و مطالعاتی که براساس آن‌ها انجام می‌شود، مورد استفاده برنامه‌ریزان و سیاستگذاران قرار می‌گیرد. امروزه در اغلب کشورهای جهان، سرشماری‌های نفوس به فاصله‌ی ۵ یا ۱۰ سال به مرحله‌ی اجرا در می‌آید. در ایران نیز سرشماری عمومی نفوس و مسکن مطابق ماده‌ی ۴ قانون مرکز آمار ایران، هر ده سال یک بار با فرمان رئیس‌جمهوری اجرا می‌شود که هفتمین سرشماری کشور با فاصله پنج سال در سال ۱۳۹۰ انجام یافته است. آخرین سرشماری دهساله کشور در سال ۱۳۹۵ اجرا شده است. سابقه‌ی سرشماری عمومی نفوس و مسکن در ایران مربوطه به سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ است و آخرین آن‌ها در مهر و آبان ماه سال ۱۳۹۵ به انجام رسیده است.

ایران هفدهمین کشور پرجمعیت جهان است. جمعیت کشور در سال ۱۳۹۵ در حدود ۸۰ میلیون نفر بوده است. جمعیت ایران در آستانه قرن ۱۴ هجری شمسی حدود ۱۱ میلیون نفر بوده است. این تعداد جمعیت در طول زمان روندی افزایشی داشته است. حدود ۴۰ سال طول کشید تا تعداد جمعیت ایران به دو برابر یعنی ۲۲ میلیون نفر در سال ۱۳۴۰ رسید. از این سال به بعد روند افزایشی جمعیت شتاب بیشتری به خود گرفت. به طوری که در فاصله نیم قرن حدود ۵۸ میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه شد و طبق نتایج سرشماری ۱۳۹۵ جمعیت کشور به ۷۹ میلیون و ۹۲۶ هزار و ۶۷۰ نفر افزایش یافت. به عبارت دیگر تلاطم تغییرات تعداد و حجم جمعیت ایران طی سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ حاکی از آن است که طی این مدت (۶۰ سال) حدود ۶۱ میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه شده است در حالی که طی پنجاه سال قبل از آن فقط ۸,۷ میلیون نفر به جمعیت اضافه شده بود. این افزایش ۶۱ میلیون نفری که در نیمه دوم قرن اتفاق افتاده است، واقعیتی است که عمدتاً معلول کاهش مرگ‌ومیر به ویژه مرگ‌ومیر کودکان و تغییر نگرش خانواده‌ها به بقای فرزندان بوده است.

جدول ۱-۱- جمعیت کشور به تفکیک نقاط شهری و روستایی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

شرح	کل کشور	شهری	روستایی	درصد شهرنشینی
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۶۰۰۲۶۲۱	۱۲۹۵۲۱۸۳	۳۱/۷
۱۳۴۵	۲۵۷۸۸۷۲۲	۹۷۹۵۸۱۰	۱۵۹۹۲۹۱۲	۳۸/۰
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۵۸۵۴۶۸۰	۱۷۸۵۴۰۶۴	۴۷/۰
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۲۶۸۴۴۵۶۱	۲۲۶۰۰۴۴۹	۵۴/۳
۱۳۷۰	۵۵۸۳۷۱۶۳	۳۱۸۳۶۵۹۸	۲۴۰۰۰۵۶۵	۵۷/۰
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۲۸۸	۳۶۸۱۷۷۸۹	۲۳۲۳۷۶۹۹	۶۱/۳
۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۴۸۲۵۹۹۶۴	۲۲۲۳۵۸۱۸	۶۸/۵
۱۳۹۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	۵۳۶۴۶۶۱	۲۱۵۰۳۰۰۸	۷۱/۴
۱۳۹۵	۷۹۹۲۶۲۷۰	۵۹۱۴۶۸۴۷	۲۰۷۳۰۶۲۵	۷۴/۰

منبع: پردازش بر اساس نتایج سرشماری‌های جمعیتی کشور ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵  
جمعیت متحرک و غیر ساکن در سال‌های سرشماری در کل لحاظ شده است.

از ابتدای نیمه‌ی دوم قرن بیستم، جمعیت کشور نزدیک چهار برابر شده و میزان رشد سالانه‌ی قریب ۲/۶۶ درصد داشته است. میزان رشد جمعیت کشور طی دوره‌های سرشماری یکسان نبوده (جدول ۱-۴) و در دوره دهساله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به نزدیک ۴ درصد رسیده که در تاریخ کشور بی‌سابقه بوده است.

همانطور که جداول ۱-۱ و ۱-۲ نشان می‌دهند، جمعیت کشور در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ حدود چهار برابر افزایش یافته است. بیشترین افزایش تعداد جمعیت، مربوط به دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ بوده است. در این دوره جمعیت ایران افزایش ۴۶/۷ درصدی را تجربه کرده است.

جدول ۱-۲- تغییرات جمعیت ایران بر اساس سرشماری‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

سال	جمعیت	افزایش بین دوره	
		مطلق	نسبی
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	-	-
۱۳۴۵	۲۵۷۸۸۷۲۲	۶۸۳۴۰۱۸	۳۶/۱
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۷۹۲۰۰۲۲	۳۰/۷
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۱۵۷۳۶۲۶۶	۴۶/۷
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۱۰۶۱۰۴۷۸	۲۱/۵
۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱۰۴۴۰۲۹۴	۱۷/۴
۱۳۹۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	۴۶۵۳۸۸۷	۶/۶
۱۳۹۵	۷۹۹۲۶۶۷۰	۴۷۷۷۰۰۱	۶/۴

منبع: پردازش بر اساس نتایج سرشماری‌های جمعیتی کشور ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵  
 • افزایش مطلق و نسبی جمعیت در تمام دوره‌ها به غیر از سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ که ۵ ساله بوده، ۱۰ سال می‌باشد.

در فاصله زمانی ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ جمعیت مناطق شهری ایران ۹ برابر افزایش داشته است، این در حالی است که در همین مدت، جمعیت مناطق روستایی ۱/۶ برابر افزایش یافته است. نکته



قابل توجه اینکه از سال ۱۳۷۵ به بعد، جمعیت مناطق روستایی کشور روند کاهشی به خود گرفته است (جدول ۱-۳).

جدول ۱-۳- تغییرات جمعیت شهری و روستایی ایران بر اساس سرشماری‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

سال	جمعیت شهری		جمعیت روستایی	
	تعداد		تعداد	
	افزایش بین دوره	نسبی	افزایش بین دوره	نسبی
۱۳۳۵	۶۰۰۲۶۲۱	-	۱۲۹۵۲۱۸۲	-
۱۳۴۵	۸۱۰۵۹۷۹	۳۷۹۱۶۲۵	۹۹۲۹۱۲۵۱	۳۰۴۰۷۳۰
۱۳۵۵	۱۵۸۵۴۶۸۰	۶۰۵۸۸۷۰	۶۴۰۵۴۱۷۸	۱۸۶۱۱۵۲
۱۳۶۵	۱۴۴۵۶۸۶۲	۱۰۹۸۹۸۸۱	۲۲۶۰۰۴۴۹	۴۷۴۶۳۸۵
۱۳۷۵	۳۶۸۱۷۷۸۹	۹۹۷۳۲۲۸	۹۹۶۲۳۲۳۷	۶۳۷۲۵۰
۱۳۸۵	۴۸۲۵۹۹۶۴	۱۱۴۴۲۱۷۵	۲۲۲۳۵۸۱۸	-۱۰۰۱۸۸۱
۱۳۹۰	۵۳۶۴۶۶۶۱	۵۳۸۶۶۹۷	۲۱۵۰۳۰۰۸	-۷۳۲۸۱۰
۱۳۹۵	۵۹۱۴۶۸۴۷	۵۵۰۰۱۸۶	۲۰۷۳۰۶۲۵	-۷۷۲۳۸۳

منبع: پردازش بر اساس نتایج سرشماری‌های جمعیتی کشور ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

- افزایش مطلق و نسبی جمعیت در تمام دوره‌ها به غیر از سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ که ۵ ساله بوده، ۱۰ سال می‌باشد.
- در سال‌های سرشماری جمعیت متحرک و غیر ساکن به جمعیت مناطق روستایی اضافه شده است.

در همه دوره‌های زمانی رشد جمعیت در مناطق شهری بطور قابل توجهی بیشتر از مناطق روستایی بوده است. همچنین در دو دهه اخیر، مناطق روستایی رشد منفی داشته است. نتایج سرشماری ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که در پنج سال اخیر، متوسط رشد جمعیت شهری کشور برابر با ۱/۹۷ درصد و متوسط رشد جمعیت نقاط روستایی ۰/۶۸- درصد بوده است. کاهش جمعیت روستایی کشور، علاوه بر کاهش باروری، عمدتاً ناشی از جریان مهاجرت‌های روستا-شهری، تبدیل مناطق روستایی پرجمعیت به شهر، و ادغام روستاهای پیرامون شهرها به محدوده شهری بوده است.



جدول ۱-۴- متوسط رشد سالانه جمعیت کشور به تفکیک نقاط شهری و روستایی از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

متوسط دوره ۶۰ساله	۹۵-۹۰	۹۰-۸۵	۸۵-۷۵	۷۵-۷۰	۷۰-۶۵	۶۵-۵۵	۵۵-۴۵	۴۵-۳۵	شرح
۲/۴۳	۱/۲۴	۱/۲۹	۱/۶۲	۱/۴۷	۲/۵۰	۳/۹۱	۲/۷۱	۳/۱۳	کل کشور
۳/۸۹	۱/۹۷	۲/۱۴	۲/۷۴	۲/۹۵	۳/۴۷	۵/۴۱	۴/۹۳	۵/۰۲	شهری
۰/۷۹	-۰/۶۸	-۰/۶۷	-۰/۴۴	-۰/۶۴	۱/۱۴	۲/۲۷	۱/۱۱	۲/۰۹	روستایی

#### ۱-۴- نرخ رشد جمعیت

سرعت و شتاب تحولات جمعیتی ایران در طول قرن اخیر را می‌توان بر اساس نرخ رشد جمعیت اندازه‌گیری کرد. در این زمینه رشد جمعیت به دو شکل رشد طبیعی جمعیت (از تفاوت موالید و مرگ‌ومیر) و رشد واقعی جمعیت (رشد طبیعی همراه با رشد ناشی از مهاجرت) مطرح است که در ادامه، به بررسی روند تحولات آن پرداخته می‌شود.

#### ۱-۴-۱- رشد طبیعی جمعیت

تحولات رشد طبیعی جمعیت ایران در طول قرن اخیر را می‌توان در چارچوب مدل گذار جمعیتی و فازهای مختلف آن نشان داد. گذار جمعیتی به عنوان یک مدل تئوریک، به تبیین تحولات جمعیتی در طول زمان در قالب گذار از میزان‌های بالای موالید و مرگ به میزان‌های پایین موالید و مرگ در بستر توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع می‌پردازد.

کاهش مرگ‌ومیر، عامل اصلی تحولات جمعیتی ایران در قرن چهاردهم هجری شمسی بوده است. روند کاهش مرگ‌ومیر در ایران از اوایل قرن اخیر شروع شد. میزان خام مرگ در آغاز قرن حدود ۳۳ در هزار برآورده شده است. این میزان در طول قرن حاضر و به ویژه از سال ۱۳۵۳ به بعد به تدریج کاهش یافته و به ۵/۶ در هزار در سال ۱۳۹۵ رسیده است.

فاز دوم گذار جمعیتی، با گذار باروری همراه است. کشور ایران در نیم قرن اخیر تحولات چشمگیری را در سطوح و الگوهای باروری تجربه کرده است؛ میزان موالید تا دهه ۱۳۳۰ نسبتاً ثابت و حدود ۴۰ در هزار بوده است. در دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ این میزان افزایش یافته و به حدود ۴۴ در هزار رسیده است؛ اما از نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ تا نیمه دهه ۱۳۵۰ و با شروع



و اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده، میزان مولید تاحدودی کاهش پیدا کرد. با وقوع انقلاب اسلامی میزان مولید برای مدت یک دهه افزایش یافت و به حدود ۴۵ در هزار رسید. اما از اواسط دهه بعدی، میزان مولید با آهنگی پرشتاب کاهش یافته و در سال ۱۳۹۵ به ۱۸/۴ در هزار رسیده است.

فاصله و تفاوت بین میزان‌های مولید و مرگ، "رشد طبیعی جمعیت" است. در مراحل آغازین و پایانی گذار جمعیتی، رشد جمعیت پایین می‌باشد و در مرحله گذار است که رشد جمعیت افزایش سریع و شتابان دارد. بالاترین نرخ رشد طبیعی جمعیت در دوره ۵۰ ساله ۱۳۲۰ تا ۱۳۷۰ به ویژه دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ بوده است. در سال‌های اخیر به دلیل کاهش باروری، نرخ رشد طبیعی جمعیت کاهش یافته و به حدود ۱/۲۸ درصد در سال رسیده است. متوسط نرخ رشد طبیعی جمعیت در ۵ سال اخیر (۹۵-۱۳۹۰) ۱/۲۶ درصد در سال بوده است.

#### ۱-۴-۲- رشد واقعی جمعیت

مسیر افزایش جمعیت ایران در قرن چهاردهم هجری شمسی از حدود ۱۱ به ۸۰ میلیون نفر از سرعت و شتاب یکسانی برخوردار نبوده و به بیان دیگر، نرخ رشد جمعیت با نوساناتی همراه بوده است. میزان رشد جمعیت در دوره ۱۲۹۰ تا ۱۳۰۰ پایین و در حدود ۰/۷ درصد بوده است، در دوره ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ نرخ رشد به بیش از دو برابر افزایش یافت و به حدود ۱/۵ درصد رسید. متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت در دوره ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۵ رقمی بین ۲ تا ۲/۵ درصد بوده است.

بر اساس نتایج سرشماری‌های جمعیتی در دهه ۴۵-۱۳۳۵ جمعیت ایران با نرخ رشد ۳/۱ درصد افزایش یافت؛ اما این روند افزایشی و صعودی رشد جمعیت از نیمه دهه ۱۳۴۰ به دلیل اعمال برنامه‌های تنظیم خانواده متوقف شد و نرخ رشد جمعیت در دهه ۵۵-۱۳۴۵ به ۲/۷ درصد کاهش یافت. در دهه ۶۵-۱۳۵۵ نه تنها روند کاهشی نرخ رشد جمعیت متوقف شد، بلکه به بالاترین حد خود یعنی ۳/۹ درصد در طول تاریخ تحولات جمعیتی ایران افزایش یافت. از این رو، در برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (۷۲-۱۳۶۸) تعدیل رشد جمعیت در دستور کار قرار گرفت و از سال ۱۳۶۸ به بعد، برنامه تنظیم خانواده در ایران مجدداً به اجرا گذاشته شد و میزان رشد سالانه جمعیت به حدود ۲ درصد در دهه ۷۵-۱۳۶۵ و ۱/۶ درصد در دهه ۸۵-۱۳۷۵ کاهش یافت. کاهش در نرخ رشد جمعیت در

سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ و ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ تداوم یافته و به حدود ۱/۲۹ درصد و ۱/۲۴٪ تنزل یافت.

بدین ترتیب، رشد جمعیت کشور در سال‌های اخیر، به ۱/۲۴ درصد کاهش یافته است. به رغم تجربه باروری زیر سطح جایگزینی، تداوم رشد مثبت جمعیت ایران در چند دهه آینده، عمدتاً ناشی از تأثیرات ساختار سنی جمعیت و گشتاور جمعیتی آن است. کاهش رشد جمعیت طی دهه ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ نسبت به دهه قبل از آن، ناشی از اجرای سیاست‌های کنترل جمعیت بود که به طور رسمی از سال ۱۳۴۶ اعمال شده و اثر آن در کاهش رشد طبیعی جمعیت، به ویژه در نقاط شهری کشور چشمگیر بوده است.

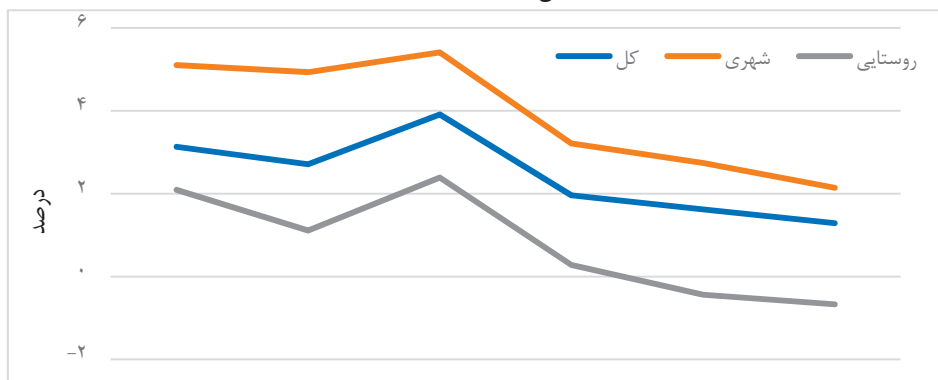
یقیناً عوامل متعددی در افزایش رشد جمعیت کشور در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ دخیل بوده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به تغییرات اعمال شده در سیاست‌های کنترل جمعیت پس از انقلاب اسلامی و اجرای سیاست‌های تشویق مولید اشاره کرد. با انتشار نتایج سرشماری ۱۳۶۵ و مشاهده رشد بالای جمعیت طی دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ دولت متوجه سنگینی بار افزایش جمعیت و نگران تأمین نیازهای مختلف آن در سال‌های آتی شد و به فکر احیای سیاست قدیمی کنترل جمعیت افتاد (که اولین بار در دوره ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۷ به طور رسمی اجرا شده بود). دولت در اواخر ۱۳۶۷، سیاست تعدیل میزان رشد جمعیت را مورد توجه قرار داد و سپس از سال ۱۳۶۸ اجرای سیاست‌های کنترل مولید را آغاز و متعاقب آن برنامه‌های تنظیم خانواده را به مرحله اجرا درآورد. (شکل ۱-۱).

با توفیق اجرای سیاست‌های تنظیم خانواده، روند باروری در دهه‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ و ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ تنزل چشمگیری یافت و رشد سالانه جمعیت کشور را، از ۳/۹ درصد در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، به ۱/۶۱ درصد در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ رسانید و سپس به ۱/۲۴ درصد در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ کاهش داد. ناگفته نماند که حدود ۰/۷ واحد درصد از رشد جمعیتی مشاهده شده بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ مربوط به ورود مهاجران عمدتاً افغانی و عراقی بین آن سال‌ها بوده است. پدیده‌ای که در سال‌های بعد نیز با نوساناتی با شدت به مراتب کمتری، وجود داشته است.

از جمله عوامل اثرگذار بر کاهش رشد جمعیت کشور در دو دهه اخیر، افزایش سطح سواد و تحصیلات به ویژه در بین زنان، گسترش شهرنشینی، صنعتی شدن امور، افزایش هزینه‌های زندگی، تغییر نگرش و تمایل خانواده‌ها به ویژه زوج‌های جوان به داشتن تعداد کم فرزندان،

افزایش سطح بهداشت و کاهش سطح مرگ‌ومیر (به ویژه مرگ‌ومیر نوزادان)، افت نسبت ازدواج و افزایش نسبت طلاق بوده‌است.

شکل ۱-۱- روند تغییرات متوسط رشد سالانه جمعیت کشور برحسب مناطق شهری و روستایی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵



### جمع‌بندی

جغرافیای جمعیت و جمعیت‌شناسی مبتنی بر فضا، عبارت است از تجزیه و تحلیل داده‌های جمعیتی بر اساس محل مردم مورد مطالعه. جمعیت‌شناسی، علمی است ذاتاً مرتبط با فضا؛ زیرا مشابهت‌های فرهنگی منجر به رفتارهای جمعیتی مشابه می‌شود و مردمی که فرهنگ مشابه دارند، اغلب نزدیک به هم زندگی می‌کنند اختراع رایانه‌ها، انقلابی در تجزیه و تحلیل داده‌های جمعیتی عظیم ایجاد کرده و اجازه داده‌است بعد جغرافیا وارد بررسی‌ها شود. بنابراین جایی که افراد زندگی می‌کنند، به لحاظ جمعیت‌شناختی و بازاریابی اهمیت دارد. آن چه از نظر جمعیت‌شناسی اهمیت دارد، می‌تواند از جهت بازاریابی و مصرف هم اهمیت داشته‌باشد.

در تجارت شناخت ویژگی‌های جمعیتی-اجتماعی گروه‌های هدف، دلیلی برای آنکه بتوان آنان را به راحتی پیدا و توجهشان را جلب کرد، در دست نیست. اما بر اساس این واقعیت که جوجهایی که پره‌های مشابه دارند دور هم جمع می‌شوند (که گاهی اوقات از آن به عنوان نخستین قانون جغرافیا یاد می‌شود) محله‌ها را می‌توان بر اساس ویژگی‌های جمعیتی اجتماعی مشترکشان تقسیم‌بندی کرد. این کار، فرایند بازاریابی گروه‌های خاص را تسهیل





می‌کند. به این جهت که جایی که شما زندگی می‌کنید پیشگوی خوبی است برای این که مشخص شود چگونه زندگی می‌کنید. این اصل، ویژگی‌های جمعیتی را با متغیرهای شیوه زندگی ترکیب و به فرد اجازه می‌دهد محصولات خود را در محله‌هایی با بیشترین سوددهی عرضه کند. به منظور لحاظ کردن تغییرات جمعیتی، نیلسون کلاریتس، به موازات رشد محله‌ها، خوشه‌های جدید به سامانه اضافه می‌کند. برای مثال، خوشه آمریکای لاتین در میامی، شیکاگو و جنوب غرب، شامل محله‌هایی است که درصد بالایی از خانواده‌ها در آن لاتینی و از طبقه متوسط هستند. یکی دیگر از رایج‌ترین موارد استفاده از داده‌های جغرافیایی جمعیتی، کمک به تجار برای انتخاب محل کار مناسب است. جمعیت‌شناسی تنها عامل موفقیت در کار نیست. در دسترس و دید بودن محل کار نیز مهم است؛ چون شرکت باید بتواند هم از عهده خرید یا اجاره محل کار برآید و هم سود کند. اما برنامه ریزی جمعیتی، نزدیکی به مشتری و ارباب رجوع، مهمترین عامل موفقیت در بسیاری از کسب و کارهاست.







تعریف شهر و محدوده جغرافیایی آن در کشورهای مختلف، یکسان نیست. در این تعریف‌ها ویژگی‌های مکان شهری و حد و مرز جغرافیایی شهر، از جایی به جای دیگر فرق می‌کند. در جایی شهر بر پایه تعداد جمعیت تعریف می‌شود و در این حالت هم ملاک‌های متفاوتی را در نظر می‌گیرند. مثلاً در کشور دانمارک ۲۵۰ نفر و در یونان ۱۰ هزار نفر، حداقل جمعیت برای تعیین مکان‌های شهری است. در حالی که در بعضی از تعریف‌ها، ویژگی‌های دیگری را چون داشتن جاده‌های سنگ فرش شده، دبیرستان‌ها، نیروی برق یا خودمختاری مدیریتی، از ملاک‌های شهر شدن به حساب می‌آورند. تعریف‌های متفاوت شهر در کشورهای جهان، مشکلاتی را از نظر تعداد و طبقه‌بندی مقایسه‌ای شهرها به وجود آورده است و برای رفع این اشکال، شاخص‌های مقایسه‌ای خاصی را تعریف کرده‌اند.

ملاک‌های جمعیتی برای تعیین مکان‌های شهری در طبقه‌بندی سازمان ملل به شرح زیر است:

۱. شهر بزرگ؛ مکانی است که در آن ۵۰۰ هزار نفر یا بیشتر ساکن باشند.
۲. شهر؛ مکانی است که در آن ۱۰۰ هزار نفر یا بیشتر زندگی کنند.
۳. مکان شهری؛ جایی است که ۲۰ هزار نفر یا بیشتر جمعیت داشته باشد.
۴. مکان روستایی؛ جایی است که کمتر از ۲۰ هزار نفر دارد.

بر این اساس، بعضی از شهرهای جهان مانند سنگاپور و هنگ کنگ، کشور شهر نامیده می‌شوند.

در ایران سابقه تعیین نقاط شهری، بس طولانی است. اما آنچه مسلم است از سال ۱۳۳۵ به بعد اطلاعات آماری نسبتاً وسیعی درباره تعداد و جمعیت شهرهای کشور وجود دارد. اما به دلیل عدم ارائه تعریفی واحد از مفهوم «شهر» در سرشماری‌های مختلف نفوس و مسکن، مقایسه شهرهای کشور چه از نظر تعداد و چه از نظر جمعیت در سال‌های سرشماری خالی از اشکال نیست؛ چون تعریف شهر در هریک از سرشماری‌های کشور با دیگری متفاوت است و این تفاوت در بعضی از موارد، جزئی ولی در موارد دیگری، کلی است که در هر حال، مقایسه و نتیجه‌گیری را با اشکال مواجه می‌سازند.



## ۱-۲- حجم و رشد جمعیت نقاط شهری کشور

علاوه بر کل کشور، بررسی تغییرات جمعیت و رشد آن در مناطق شهری و روستایی، اهمیت زیادی در برنامه‌ریزی‌ها دارد. در این زمینه همانطور که جدول ۱-۲ نشان می‌دهد، جمعیت مناطق شهری کشور از حدود ۶ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ به ۵۹/۳ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته‌است در همین دوره زمانی، جمعیت مناطق روستایی کشور از ۱۳ میلیون نفر به ۲۰/۷ میلیون نفر افزایش یافته‌است. بیشترین میزان افزایش جمعیت هم در مناطق شهری و هم روستایی مربوط به دهه ۵۶-۱۳۵۵ بوده‌است.

تعداد شهرهای کشور در فاصله سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵، بیش از ۶ برابر و جمعیت شهری کشور نیز حدود ۱۰ برابر شده‌است. به عبارتی، تعداد شهرهای کشور از ۲۰۱ شهر در سال ۱۳۳۵ به ۱۲۴۲ شهر در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته‌است و جمعیت شهرنشین نیز در همین مدت، از کمی بیش از ۶ میلیون نفر، بالغ بر ۵۹ میلیون نفر (جدول ۱-۲) رسیده‌است.

جدول ۱-۲- تغییرات جمعیت و تعداد نقاط شهری کشور از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

سال	جمعیت	افزایش هر دوره		شخص افزایش (۱۰۰=سال ۱۳۳۵)	تعداد شهرها	افزایش تعداد شهرها
		نسبی	مطلق			
۱۳۳۵	۶۰۰۲۶۲۱			۱۰۰/۰	۲۰۱	
۱۳۴۵	۹۷۹۵۸۱۰	۶۳/۲	۳۷۹۳۱۸۹	۱۶۳/۲	۲۷۱	۷۲
۱۳۵۵	۱۵۸۵۴۶۸۰	۶۱/۸	۶۰۵۸۸۷۰	۲۲۵/۱	۳۷۳	۱۰۱
۱۳۶۵	۲۶۸۴۴۵۶۱	۶۹/۳	۱۰۹۸۹۸۸۱	۲۹۴/۴	۴۹۶	۱۲۳
۱۳۷۰	۳۱۸۳۶۵۹۸	۱۸/۶	۴۹۹۲۰۳۷	۳۱۳	۵۱۲	۱۶
۱۳۷۵	۳۶۸۱۷۷۸۹	۱۵/۶	۴۹۸۱۱۹۱	۳۲۸/۶	۶۱۲	۱۰۰
۱۳۸۵	۴۸۲۵۹۹۶۴	۳۱/۰	۱۱۴۴۲۱۷۵	۳۵۹/۶	۱۰۱۲	۴۰۰
۱۳۹۰	۵۳۶۴۶۶۶۱	۱۱/۲	۵۳۸۶۶۹۷	۹۰/۱/۱	۱۱۳۹	۱۲۷
۱۳۹۵	۵۹۱۴۶۸۴۷	۱۰/۵	۵۵۰۰۱۸۶	۹۸۵/۴	۱۲۴۲	۱۰۳

## ۲-۲- میزان شهرنشینی

با استقرار انبوهی از جمعیت در یک مرکز سکونتی، شهر ایجاد می‌شود و شهرنشینی را به دنبال می‌آورد. نسبت شهرنشینی در سطح جهان رو به افزایش است و در دهه‌های اخیر،

سرعت بیشتری به خود گرفته است. تا سال ۱۹۰۰ میلادی از هر ۸ نفر، فقط یکی در مناطق شهری زندگی می‌کرد. اما در حال حاضر بیش از نیمی از جمعیت جهان (۵۴ درصد) در شهرها سکونت دارند و تا سال ۲۰۵۰ از هر ۱۰ نفر جمعیت جهان، ۷ نفر ساکن در شهرها خواهند بود. در آن سال، از مجموع ۹/۵ میلیارد نفر ساکنان جهان، حدود ۶/۳ میلیارد نفر را جمعیت شهرها تشکیل خواهند داد. رقمی که در حال حاضر کمی بیش از ۳/۹ میلیارد نفر است.

تمدن صنعتی و توسعه آن در بسیاری از کشورهای غربی، افزایش جمعیت شهرها را به عنوان مراکز عمده کار و فعالیت و خدمات وابسته به آن‌ها توجیه‌پذیر می‌کند؛ اما مهاجرت از روستا به شهر در کشورهای دارای اقتصاد کشاورزی و صادرکننده مواد خام که شهرنشینی لجام گسیخته‌ای نیز دارند، یکی از چالش‌های مهم آن کشورها محسوب می‌شود. مسأله‌ای که در کنار رشد شتابان جمعیت، نسبت شهرنشینی را در آفریقا و آسیا بیش از پیش افزایش خواهد داد و به تکوین و پیدایش شهرهای بزرگ جهانی در این دو قاره خواهد انجامید.

برای اولین بار در سال ۲۰۰۸، نسبت شهرنشینی در جهان به ۵۰ درصد جمعیت رسید که اصطلاحاً از آن به‌عنوان انتقال جمعیتی نام برده می‌شود. در حالی که این رویداد در سال ۱۳۵۹ هجری شمسی در کشور ما رخ داده بود. تعداد جمعیت مناطق شهری کشور از سال ۱۳۵۹ به بعد، نسبت به مناطق روستایی پیشی گرفته است. به عبارت دیگر در حدود ۳۷ سال پیش و در سال ۱۳۵۹ جمعیت شهری و روستایی کشور به نقطه سر به سر رسیده و هر کدام ۵۰ درصد از جمعیت کشور را در خود جای داده‌اند. در حالی که جهان، برابری جمعیت ساکن شهر و روستا، در سال ۱۳۸۶ یعنی ۲۷ سال بعد اتفاق افتاده و جمعیت در جوامع شهری و روستایی جهان به برابری رسیده است. جدول ۲-۲ و شکل ۲-۱ تحولات شهرنشینی و روستانشینی را در ایران، در ۶۰ سال اخیر نشان می‌دهد.

مقایسه نسبت‌های شهرنشینی کشور در سال‌های سرشماری، گویای همین وضع است؛ به گونه‌ای که این نسبت از ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۳۵، به ۷۴ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. نکته قابل توجه این که تا سال ۱۳۵۵ نسبت شهرنشینی کشور، کمتر از ۵۰ درصد جمعیت بوده است در حالی که در سرشماری ۱۳۶۵ به فراتر از ۵۴ درصد رسید و آهنگ شتابان خود را ادامه داد. به نظر می‌رسد روند افزایشی شهرنشینی در ایران همچنان ادامه

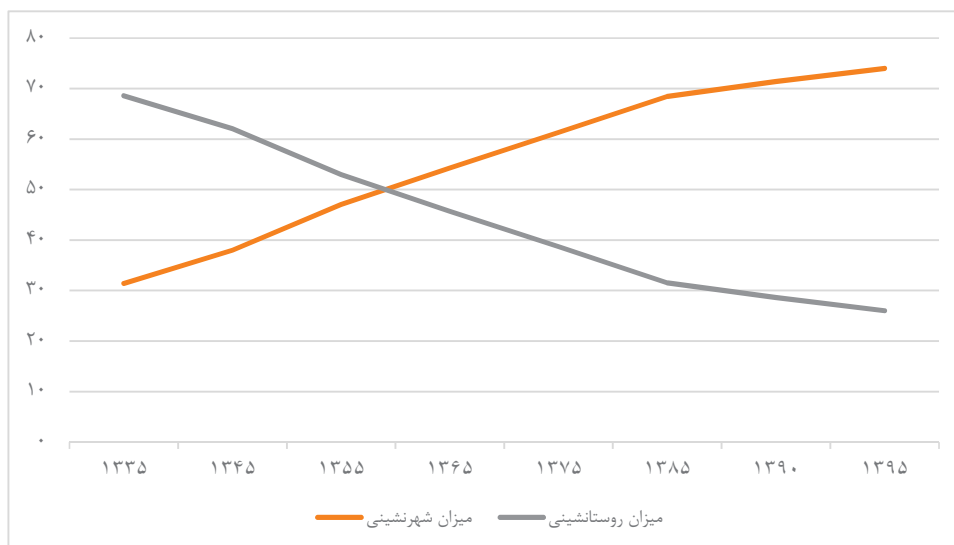


یابد و در پایان قرن حاضر (۱۴۰۰ شمسی) به بیش از ۷۵ درصد برسد (جدول ۲-۲). تغییرات این روند برحسب شهر و روستا، الگوی ضربدری را به تصویر می‌کشد.

جدول ۲-۲- درصد شهرنشینی و روستانشینی در ایران از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

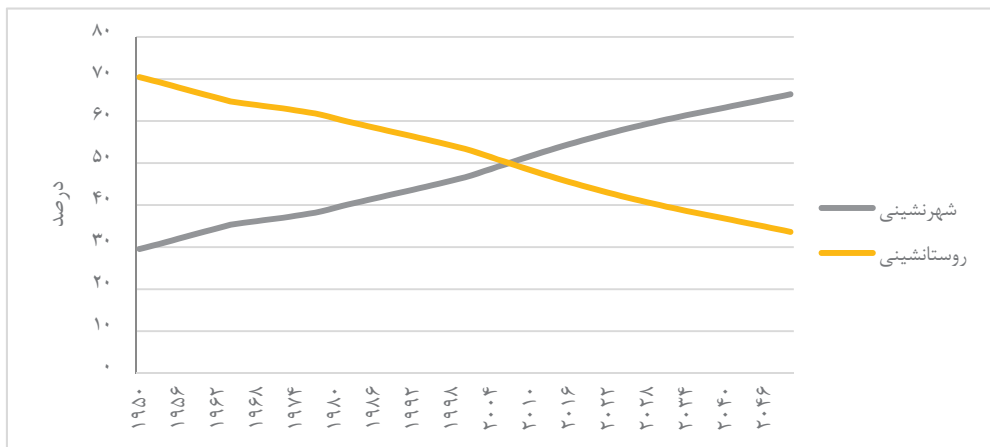
سال	میزان شهرنشینی	میزان روستانشینی
۱۳۳۵	۳۱/۴۱	۶۸/۵۹
۱۳۴۵	۳۷/۹۸	۶۲/۰۲
۱۳۵۵	۴۷/۰۳	۵۲/۹۷
۱۳۶۵	۵۴/۲۹	۴۵/۷۱
۱۳۷۵	۶۱/۳۱	۳۸/۶۹
۱۳۸۵	۶۸/۴۶	۳۱/۵۴
۱۳۹۰	۷۱/۳۹	۲۸/۶۱
۱۳۹۵	۷۴/۰۰	۲۶/۰۰

شکل ۲-۱- نسبت شهرنشینی و روستانشینی در ایران از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵



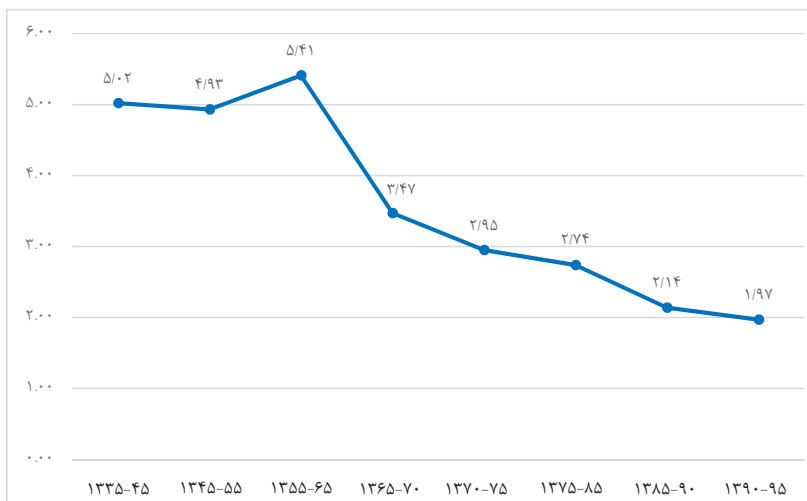


شکل ۲-۲- نسبت شهرنشینی و روستانشینی در جهان از ۱۹۵۰ تا ۲۰۵۰

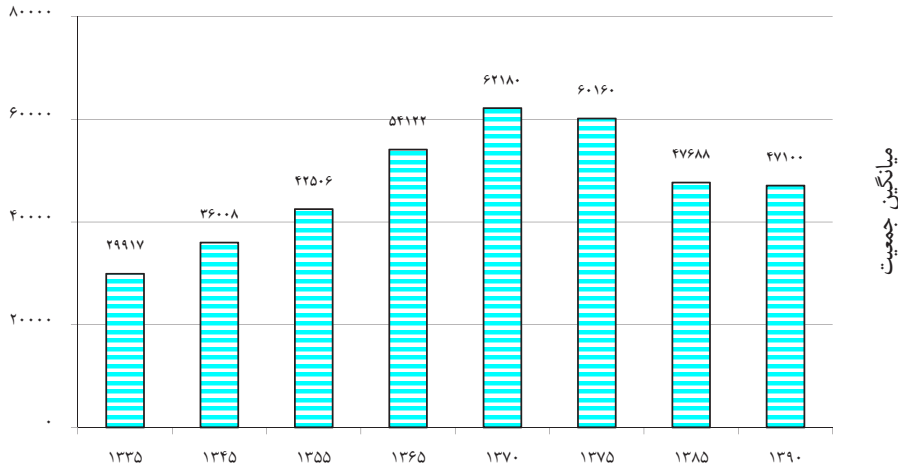


متوسط میزان رشد سالانه جمعیت شهری کشور در فواصل سال‌های سرشماری‌ها، یکسان نبوده‌است. حداکثر میزان رشد سالانه در این مدت، مربوط به سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، با ۵/۴ درصد و حداقل آن مربوط به سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ با ۱/۹۷ درصد بوده است. بدین ترتیب در طول این دوره، میزان رشد سالانه جمعیت شهرهای کشور، از الگوی معینی پیروی نکرده؛ از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ روند افزایشی داشته و از آن به بعد، با سیر نزولی همراه بوده است. (شکل ۲-۳).

شکل ۲-۳- متوسط میزان رشد سالانه جمعیت نقاط شهری کشور از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵



شکل ۲-۴- میانگین جمعیت شهرهای کشور از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰



### ۲-۳- طبقات جمعیتی شهرهای کشور و تحولات آن

یکی از ویژگی‌های شهرنشینی در ایران، وجود تعداد زیادی شهر با جمعیت اندک و تعداد اندکی شهر با جمعیت بسیار است. توزیع نسبی تعداد و جمعیت شهرهای کمتر از ۵۰ هزار نفر در طی نیم قرن اخیر، حاکی از آن است که درصد کل شهرهای کم جمعیت، به تدریج رو به کاهش نهاده و در مقابل، جمعیت آن‌ها نیز در یک دوره ۵۵ ساله از ۳۸/۶ درصد به ۱۸/۹ درصد کل جمعیت شهرنشین کاهش یافته‌است. (جدول ۲-۳ و شکل ۲-۵).

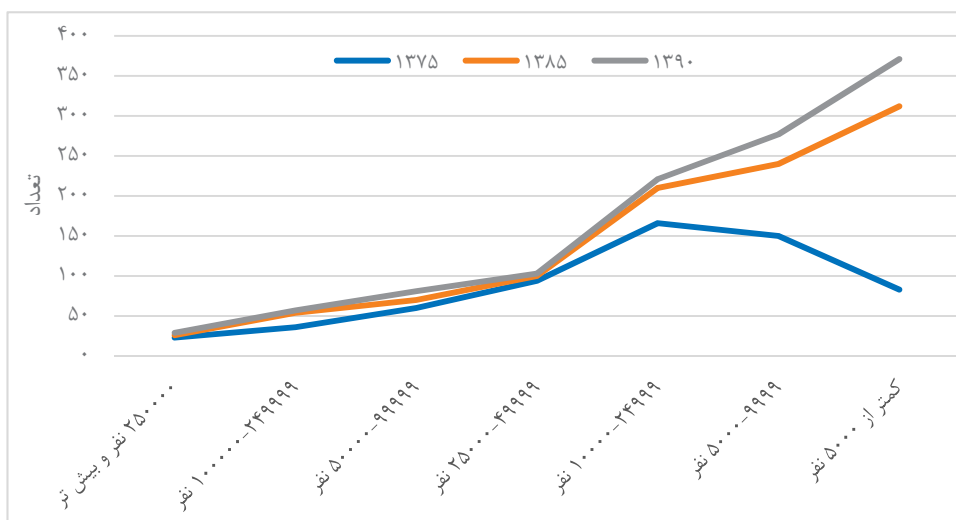
جدول ۲-۳- طبقه‌بندی جمعیت شهرهای کشور ۱۳۷۵-۱۳۹۰

۱۳۹۰		۱۳۸۵		۱۳۷۵		طبقه بندی جمعیتی
تعداد	کل جمعیت	تعداد	کل جمعیت	تعداد	کل جمعیت	
(هزار نفر)	(هزار نفر)	(هزار نفر)	(هزار نفر)	(هزار نفر)	(هزار نفر)	
۵۳۶۴۶	۱۱۳۹	۴۸۲۶۰	۱۰۱۲	۳۶۸۱۸	۶۱۲	جمع
۲۸۷۱۶	۲۹	۲۵۴۷۲	۲۶	۲۰۱۴۷	۲۳	۲۵۰۰۰۰ نفر و بیش تر
۹۱۲۲	۵۷	۸۳۷۳	۵۴	۵۱۳۳	۳۶	۱۰۰۰۰۰-۲۴۹۹۹۹ نفر
۵۶۵۷	۸۱	۴۸۴۰	۷۰	۴۲۶۰	۶۰	۵۰۰۰۰-۹۹۹۹۹ نفر

جدول ۲-۳- طبقه‌بندی جمعیت شهرهای کشور ۱۳۷۵-۱۳۹۰ (دنباله)

۱۳۹۰		۱۳۸۵		۱۳۷۵		طبقه بندی جمعیتی
کل جمعیت (هزار نفر)	تعداد شهر	کل جمعیت (هزار نفر)	تعداد شهر	کل جمعیت (هزار نفر)	تعداد شهر	
۳۶۶۵	۱۰۳	۳۶۵۰	۱۰۰	۳۳۱۰	۹۴	۲۵۰۰۰-۴۹۹۹۹ نفر
۳۴۵۵	۲۲۱	۳۳۲۳	۲۱۰	۲۵۸۷	۱۶۶	۱۰۰۰۰-۲۴۹۹۹ نفر
۱۹۷۵	۲۷۷	۱۷۱۴	۲۴۰	۱۱۰۵	۱۵۰	۵۰۰۰-۹۹۹۹ نفر
۱۰۵۶	۳۷۱	۸۸۸	۳۱۲	۲۸۶	۸۳	کمتر از ۵۰۰۰ نفر

شکل ۲-۵- طبقه‌بندی جمعیت شهرهای کشور از ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰





جدول ۲-۴- توزیع تعداد نقاط شهری و جمعیت شهرهای کمتر از ۵۰ هزار نفر در کشور از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

جمعیت نقاط شهری (هزار نفر)			تعداد نقاط شهری			
کل نقاط شهری	شهرهای کمتر از ۵۰ هزار نفر	درصد به کل نقاط شهری	کل نقاط شهری	شهرهای کمتر از ۵۰ هزار نفر	درصد به کل نقاط شهری	سال
۶۰۰۷	۲۳۲۴	۳۸/۷	۲۰۱	۱۸۳	۹۱/۰	۱۳۳۵
۹۷۹۰	۳۰۵۵	۳۱/۲	۲۷۱	۲۴۲	۸۹/۳	۱۳۴۵
۱۵۸۵۵	۴۳۶۸	۲۷/۵	۳۷۳	۳۲۸	۸۷/۹	۱۳۵۵
۲۶۸۴۵	۵۷۱۱	۲۱/۳	۴۹۶	۴۰۹	۸۲/۵	۱۳۶۵
۳۱۸۳۷	۶۴۶۳	۲۰/۳	۵۱۲	۴۱۰	۸۰/۱	۱۳۷۰
۳۶۸۱۸	۷۲۷۸	۱۹/۸	۶۱۲	۴۹۳	۸۰/۶	۱۳۷۵
۴۸۲۶۰	۹۵۷۵	۱۹/۸	۱۰۱۲	۸۶۲	۸۵/۱	۱۳۸۵
۵۳۶۴۶	۱۰۱۵۱	۱۸/۹	۱۱۳۹	۹۷۲	۸۵/۳	۱۳۹۰

توزیع نامتناسب جمعیت در کشور به علل مختلفی از جمله شرایط متفاوت اقلیمی و جغرافیایی، تمرکز سیاسی و اقتصادی و برنامه‌ریزی‌های نامناسب در گذشته بوده و منجر به تمرکز بیش از حد جمعیت در برخی شهرها از جمله مادر شهر تهران شده‌است. جمعیت شهر تهران در سال‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰ بیش از جمعیت مجموع شهرهای کوچک (شهرهای دارای جمعیت کمتر از ۵۰ هزار نفر) بوده و در سال ۱۳۸۵، هر چند که به کمتر از مجموع جمعیت شهرهای کوچک رسیده؛ ولی با این همه، حدود یک ششم جمعیت شهری کشور را دارا بوده‌است. بررسی جمعیت ۱۳ شهر بزرگ سهم نسبی آن‌ها در جمعیت سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ نشان‌دهنده ناهماهنگی بین اندازه شهرها و تمرکز جمعیت شهری در چند شهر بزرگ است. به طوری که در سال ۱۳۳۵ حدود ۵۱/۳۶ درصد و در سال ۱۳۴۵ معادل ۵۲/۸۷ درصد، در سال ۱۳۵۵ برابر ۵۳/۵ درصد و در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۰، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به ترتیب برابر ۵۰/۰، ۴۷/۹، ۴۶/۳، ۴۳/۱ و ۴۲/۳ درصد کل جمعیت نقاط شهری کشور در این ۱۳ شهر متمرکز بوده‌اند (جدول ۲-۵).

جدول ۲-۵- تعداد جمعیت و درصد شهرنشینی ۱۳ شهر بزرگ کشور در فاصله ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ (در هزار)

نام شهر	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰
جمعیت (۱) درصد (۱)	جمعیت (۱) درصد (۱)	جمعیت (۱) درصد (۱)	جمعیت (۱) درصد (۱)	جمعیت (۱) درصد (۱)	جمعیت (۱) درصد (۱)
تهران	۲۵/۲	۲۷/۲۰	۴۵/۳۰	۶۰/۴۳	۶۴/۷۶
مشهد	۲۴/۲	۴۱/۰	۶۶/۸	۱۴۶/۴	۱۷۵/۹
اصفهان	۲۵/۵	۴۲/۴	۶۶/۲	۹۸/۷	۱۱۲/۷
کرج	۱/۵	۴/۴	۱۳/۸	۲۸/۵	۴۴/۲
تبریز	۲۹/۰	۴۰/۳	۵۹/۸	۹۷/۱	۱۰۸/۹
شیراز	۱۷/۱	۲۷/۰	۴۲/۶	۸۴/۸	۹۶/۵
اهواز	۱۲/۰	۲۰/۶	۲۳/۴	۵۸/۰	۷۲/۵
قم	۱۰/۰	۱۳/۴	۲۴/۷	۵۴/۳	۶۸/۱
کرمانشاه	۱۲/۵	۱۸/۸	۲۹/۱	۵۶/۱	۶۲/۴
ارومیه	۶/۸	۱۱/۱	۱۶/۴	۳۰/۱	۳۵/۷
رشت	۱۰/۹	۱۴/۴	۱۸/۹	۲۹/۱	۳۴/۱
زاهدان	۱۷	۴۰	۹/۴	۲۸/۲	۳۶/۲
کرمان	۶/۲	۸/۵	۱/۴	۲/۹	۳/۱۲
جمع	۳۰۸/۶	۵۱۷/۹	۸۴۸/۲	۱۳۴۱/۳	۱۵۲۶/۰

جدول ۲-۵- تعداد جمعیت و درصد شهرنشینی ۱۳ شهر بزرگ کشور در فاصله ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ (در هزار) (دنباله)

نام شهر	۱۳۷۵		۱۳۸۵		۱۳۹۰	
	جمعیت	درصد (۱)	جمعیت	درصد (۱)	جمعیت	درصد (۱)
تهران	۶۷۸۹	۱۸/۴	۷۸۰۴	۱۹/۲	۸۱۵۴	۱۵/۲
مشهد	۱۸۸۷	۵/۱	۲۴۲۷	۵/۰	۲۷۶۶	۵/۲
اصفهان	۱۲۶۶	۳/۴	۱۶۰۲	۳/۳	۱۷۵۶	۳/۳
کرج	۹۴۱	۲/۶	۱۳۸۶	۲/۹	۱۶۱۵	۳/۰
تبریز	۱۱۹۱	۳/۲	۱۳۹۸	۲/۹	۱۴۹۵	۲/۸
شیراز	۱۰۵۳	۲/۹	۱۲۲۷	۲/۵	۱۴۶۱	۲/۷
اهواز	۸۰۵	۲/۳	۹۸۶	۲/۰	۱۱۱۲	۲/۱
قم	۷۷۸	۲/۱	۹۶۵	۲/۰	۱۰۷۴	۲/۰
کرمانشاه	۶۹۳	۱/۹	۷۹۵	۱/۶	۸۵۱	۱/۶
ارومیه	۴۳۵	۱/۳	۵۸۳	۱/۳	۶۶۷	۱/۳
رشت	۴۱۸	۱/۱	۵۵۷	۱/۳	۶۳۱	۱/۳
زاهدان	۴۲۰	۱/۱	۵۶۷	۱/۳	۵۶۰	۱/۰
کرمان	۳۸۵	۱/۰	۵۱۵	۱/۱	۵۳۴	۱/۰
جمع	۱۷۰۶۱	۴۶/۳	۲۰۸۱۲	۴۳/۱	۲۲۶۷۶	۴۲/۳

(۱) ارقام این ستون نشان می‌دهد که چند درصد از کل جمعیت شهرنشین در هر یک از شهرها متمرکزند.



در سال ۱۳۳۵ در بین شهرهای ایران، تنها شهر تهران دارای جمعیتی بیش از یک میلیون نفر بود. در سال‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ نیز همچنان شهر تهران تنها شهر بیش از یک میلیون نفری بوده‌است. در سال ۱۳۶۵ شهر مشهد نیز جمعیتی بالغ بر یک میلیون نفر را به خود اختصاص داد. در سال ۱۳۷۰ شهرهای اصفهان و تبریز نیز به شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت پیوستند. در سال ۱۳۷۵ شهر شیراز نیز جمعیتی بالغ بر یک میلیون نفر داشت. در سال ۱۳۸۵ شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، کرج و شیراز به عنوان شهرهای بالای یک میلیون نفر جمعیت شمارش شدند و در مجموع ۱۵/۸ میلیون نفر یا ۳۲/۸ درصد از جمعیت شهرنشین کشور را در خود جای دادند. جمعیت این ۶ شهر در سال ۱۳۷۵ در مجموع بالغ بر ۱۳ میلیون نفر و ۳۵/۶ درصد از جمعیت شهرنشین کشور بوده‌است. در سال ۱۳۹۰ شهرهای اهواز و قم به شهرهای بالاتر از یک میلیون نفر پیوسته‌اند. به این ترتیب تعداد کلان شهرهای کشور به تعداد ۸ شهر رسید (جدول ۲-۶).

جدول ۲-۶- وضعیت شهرنشینی در ایران طی نیم قرن اخیر

جمعیت شهرهای بیش از یک میلیون نفر	نسبت شهرنشینی	میانگین تعداد شهرهای هر استان	تعداد شهر	تعداد استان	شرح
۱ شهر (تهران)	۳۱/۴	۱۵/۳	۲۰۱	۱۳	۱۳۳۵
۱ شهر (تهران)	۳۸/۰	۱۳	۲۷۱	۲۱	۱۳۴۵
۱ شهر (تهران)	۴۷/۰	۱۶/۲	۳۷۳	۲۳	۱۳۵۵
۴ شهر (تهران، مشهد، تبریز و اصفهان)	۵۴/۳	۲۰/۷	۴۹۶	۲۴	۱۳۶۵
۵ شهر (تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز)	۶۱/۳	۲۳/۵	۶۱۲	۲۶	۱۳۷۵
۶ شهر (تهران، مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز و کرج)	۶۸/۵	۳۳/۹	۱۰۱۲	۳۰	۱۳۸۵
۸ شهر (تهران، مشهد، اصفهان، کرج، تبریز، شیراز، اهواز و قم)	۷۱/۴	۳۶/۷	۱۱۳۹	۳۱	۱۳۹۰
۸ شهر (تهران، مشهد، اصفهان، کرج، تبریز، شیراز، اهواز و قم)	۷۴/۰	۴۰/۲	۱۲۴۷	۳۱	۱۳۹۵



## ۲-۴- پراکندگی عمودی جمعیت

منظور از پراکندگی عمودی جمعیت، استقرار جمعیت در مناطق جغرافیایی مختلف بر حسب اختلاف از سطح دریا می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد در سطح جهانی تعداد و تراکم جمعیت با افزایش ارتفاع کاهش می‌یابد. این پدیده یک مشکل اساسی در بهره‌برداری از مناطق مرتفع جغرافیایی و عدم سازش و انطباق انسان‌ها با چنین محیط‌هایی می‌باشد. به گفته‌ای ۵۶/۲ درصد از جمعیت جهان در ارتفاعی بین صفر تا ۲۰۰ متر زندگی می‌کنند و این فضا فقط ۲۷/۸ درصد کل سطح خشکی‌ها را تشکیل می‌دهد. عامل ارتفاع خود به تنهایی یک حد نهایی طبیعی برای سکونت انسان‌ها به وجود می‌آورد. به طوری که از جدول ۲-۷ برمی‌آید، شش شهر از کلان‌شهرهای سال ۱۳۹۵ کشور در ارتفاع نزدیک به هزار متر تا هزار و پانصد متر مستقر بوده و از دو کلان‌شهر دیگر اهواز در ارتفاع ۱۸ متری و اصفهان در ارتفاع ۱۵۹۰ متری از سطح دریا جای داشته‌اند (جدول ۲-۷).

جدول ۲-۷- ارتفاع کلان‌شهرها از سطح دریا در سال ۱۳۹۵

ردیف	نام شهر	استان	جمعیت	رتبه در استان	ارتفاع از سطح دریا (متر)
۱	تهران	تهران	۸۱۵۴۰۵۱	۱	۱۱۹۰
۲	مشهد	خراسان رضوی	۲۷۶۶۲۵۸	۱	۹۷۹
۳	اصفهان	اصفهان	۱۷۵۶۱۲۶	۱	۱۵۹۰
۴	تبریز	آذربایجان شرقی	۱۴۹۴۹۹۸	۱	۱۴۵۰
۵	کرج	البرز	۱۶۱۴۶۲۶	۱	۱۳۰۰
۶	شیراز	فارس	۱۴۶۰۶۶۵	۱	۱۴۸۶
۷	اهواز	خوزستان	۱۱۱۲۰۲۱	۱	۱۸
۸	قم	قم	۱۰۷۴۰۳۶	۱	۹۴۰

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مردم نسبت به شهرهایی که در آن زندگی می‌کنند رابطه عاطفی برقرار می‌نمایند. پس به همین خاطر است که مناظره‌های تلویزیونی یا مطبوعاتی در خصوص برنامه‌ریزی، طراحی و حمل‌ونقل مربوط به شهری آنقدر داغ و پر از احساسات شده و به صورتی فراتر از یک اختلاف عقیده صرف وارد بحث و جدل می‌شود. عاطفی بودن شهروندان قابل درک است؛ چرا که مقدار بسیار زیادی برنامه‌ریزی‌های ضعیف و شهرک‌سازی‌های غلط و ناقص، در خلال ۲ دهه رشد از لحظه ورود نسل‌های رشد انفجاری به کار و خانه‌سازی به وجود آمده‌است. یعنی اینکه ساختمان‌های تاریخی ناپدید شدند، مناظر و چشم‌اندازهای طبیعی از بین رفتند، خطوط انتقال سریع در مناطق اشتباه به وجود آمدند و نیازهای رهگذران و دوچرخه‌سواران فراموش شدند. تقریباً همه موافق هستند که شهرهای بزرگی که دارای مرکزیت زنده و بانشاط بوده و موجب آسایش رهگذران هستند، از شهرهای بزرگی که کاملاً در اختیار اتومبیل‌ها و گاراژها قرار گرفته‌اند، برای زندگی مناسب‌ترند. طراحان و معماران به خوبی می‌دانند که اگرچه رشد حومه شهرها اجباراً ضروری هستند؛ اما گسترش بی‌رویه هم لازم نیست و اجباری نمی‌باشد. در مباحث شهرسازی، اکثر اوقات عامل بسیار اساسی فراموش می‌شود و آن شرایط جمعیت‌شناختی است. در واقع، این قبیل بحث‌های داغ شهرسازی و برنامه‌ریزی‌های مربوطه برای رشد توسعه و تکامل شهری، کمتر از خود تغییرات شهرنشینی و ترکیب جمعیت و نیازهای مردم اثر می‌گذارد.

تجربیات اخیر در انگلستان در جاهای دیگر نشان داده‌است که وسایل حمل‌ونقل عمومی، صرفنظر از محدودیت‌های انحصاری دولت و جدا از مساله بوروکراتیک، می‌تواند با بهبودی بخشیدن به کیفیت و خدمات ارایه شده مشتریان، بخش اتومبیل‌های سواری را به خود اختصاص دهد و آن بخش بی‌رونق شود که البته با کشاندن رقابت به صنعت حمل‌ونقل، دولت انگلیس حتی نظرهای جدید ابتکاری نیز مطرح کرد. مثلاً از آنجایی که اتوبوس‌های بزرگ به سبب خلوت بودن حومه‌ها، نمی‌توانند اقتصادی عمل کنند، پس چرا از مینی‌بوس‌های کوچک که مقرون به صرفه هستند استفاده نشود؟ و از آنجایی که اکثر مردم دوست ندارند چندصدمتری از خانه تا ایستگاه ترمینال اتوبوس‌ها پیاده‌روی کنند، چرا نباید با مینی‌بوس‌های مخصوص این مسافران را به ترمینال‌ها رساند؟ و چرا مسافران سرگردان را از بین ایستگاه‌ها جمع‌آوری نکرد؟ از کجا چنین افکار نو و بدیع اجتماعی به بریتانیا ارایه



شده‌است؟ فقط از طریق درک مسایل جمعیتی و مطالعه رفتارهای مردم و نیاز به گرفتن خدمات شهری کارآمدتر. پس با رشد جمعیت، شرکت‌های اتوبوس‌های کوچک سریع به پول رسیدند. این نمونه‌ای از تأثیرات رشد شهرنشینی و افزایش جمعیت شهری و کاربرد آن در بازار و مصرف می‌باشد.







توسعه روستایی یکی از ابعاد اثرگذار بر توسعه عمومی در کشورهایی است که بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت آن‌ها در روستاها زندگی می‌کنند. لازمه پرداختن به این موضوع، داشتن اطلاعات و آماری است که بتواند برنامه‌ریزان را یاری دهد. در ایران، آمارهای عمومی مورد نیاز را مرکز آمار ایران و معمولاً از طریق سرشماری‌ها تولید می‌کند. از دیدگاه مرکز آمار ایران، «آبادی به مجموعه یک یا چند مکان و اراضی به هم پیوسته (اعم از کشاورزی و غیرکشاورزی) گفته می‌شود که خارج از محدوده شهرها واقع شده و دارای محدوده ثبتي یا عرفی مستقل باشد. اگر آبادی در زمان سرشماری محل سکونت خانوار یا خانوارهایی باشد، «دارای سکنه» و در غیر این صورت «خالی از سکنه» تلقی می‌شود. براساس این تعریف، آبادی لزوماً روستا نیست، بلکه علاوه بر آن می‌تواند یک کارگاه صنعتی، یک مرغداری یا گاوداری با هویت مستقل و ... باشد. اما منطقه روستایی به مجموعه‌ای از آبادی‌های واقع در یک محدوده تقسیمات کشوری گفته می‌شود و به همین دلیل، جمعیت روستایی یک منطقه نیز، مجموع جمعیت آبادی‌های واقع در آن منطقه است.

گرچه امروزه تغییرات اساسی در جوامع صنعتی و مدرن سبب کاهش جمعیت روستایی شده است، اما باز هم، جمعیت قابل ملاحظه‌ای در جهان، ساکن نقاط روستایی می‌باشند. در ایران نیز نسبت روستانشینی، طی نیم قرن اخیر به طور قابل ملاحظه‌ای کاسته شده است، لیکن هنوز جمعیت ساکن در آبادی‌ها نقش اساسی در حیات اقتصادی و اجتماعی کشور ایفا می‌کند. در این فصل ویژگی‌های جمعیتی روستایی کشور مورد بحث قرار می‌گیرد.

### ۳-۱- تغییرات تعداد آبادی‌های کشور

برپایه نتایج سرشماری ۱۳۳۵ تعداد آبادی‌های کوچک و بزرگ دارای سکنه کشور ۴۹۰۴۰ آبادی بوده است. در این سرشماری، تعداد زیادی از آبادی‌های کوچک و کم جمعیت، جزو آبادی‌های بزرگ نزدیک خود سرشماری شده‌اند و به همین دلیل، تعداد آبادی‌ها، به مراتب کمتر از سرشماری‌های بعدی بوده و به نظر می‌رسد که آبادی‌های خالی از سکنه نیز، به حساب نیامده‌اند. در سال ۱۳۹۵، در مجموع، ۹۶۵۴۹ آبادی دارای سکنه و خالی از سکنه شمارش شده (جدول ۳-۱) و علاوه بر تغییر تعداد آن‌ها، توزیع نسبی آبادی‌های دارای سکنه کاهش یافته است. تعداد و توزیع نسبی آبادی‌های خالی از سکنه طی سرشماری‌های مختلف، با نوسانات همراه بوده است. (جدول ۳-۱).

جدول ۳-۱- توزیع آبادی‌های کشور به تفکیک دارای سکنه و خالی از سکنه در سرشماری‌ها

سال	کل آبادی‌ها	دارای سکنه		خالی از سکنه	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱۳۳۵	۴۹۰۴۰	۴۹۰۴۰	۱۰۰/۰		
۱۳۴۵	۸۲۳۶۳	۶۶۴۳۸	۸۰/۶۶	۱۵۹۲۵	۱۹/۳۴
۱۳۵۵	۹۲۰۰۷	۶۵۰۵۵	۷۰/۷۱	۲۶۹۵۲	۲۹/۲۹
۱۳۶۵	۱۰۳۹۲۰	۶۵۳۴۹	۶۲/۸۸	۳۸۵۷۱	۳۷/۱۲
۱۳۷۰	۱۲۴۶۱۷	۶۴۶۲۷	۵۱/۸۶	۵۹۹۹۰	۴۸/۱۴
۱۳۷۵	۱۲۵۸۲۷	۶۸۱۲۲	۵۴/۱۵	۵۷۷۰۵	۴۵/۸۶
۱۳۸۵	۹۱۳۱۰	۶۳۹۰۴	۶۹/۹۹	۲۷۴۰۶	۳۰/۰۱
۱۳۹۰	۹۶۵۴۹	۶۱۷۵۰	۶۳/۹۶	۳۴۷۹۹	۳۶/۰۴
۱۳۹۵	۹۷۵۳۸	۶۲۲۸۴	۶۳/۸۶	۳۵۲۵۴	۳۶/۱۴

تعداد آبادی‌های خالی از سکنه سال ۱۳۳۵ مشخص نیست.

در تحلیل این موضوع گرچه می‌توان به مهاجرت روستاییان به مناطق شهری نیز اشاره کرد؛ اما تغییر تعریف آبادی نیز در پدیدآمدن این وضع بی‌تأثیر نبوده‌است. بنا به توصیه‌های سازمان ملل متحد، مرکز آمار ایران آبادی‌های را به دو دسته دارای سکنه و خالی از سکنه تقسیم می‌کند. چنانچه مأمور سرشماری در هر نقطه‌ای خارج از شهر به هر مکانی برسد، آن مکان را ثبت کرده و اگر فردی در آن جا سکونت نداشته‌باشد، به عنوان آبادی خالی از سکنه تلقی می‌کند. در غیر این صورت، آن نقطه را به عنوان آبادی دارای سکنه محسوب می‌دارد. به عنوان مثال در پاره‌ای از نقاط روستایی کشور برای آبیاری اراضی کشاورزی موتور چاه آب تعبیه شده و برای نگهداری این موتورها، کلبه‌ای توسط افراد ساخته شده‌است که معمولاً در آن جا اقامت دائم ندارند و لذا براساس تعریف، این افراد در محل سکونت اصلی خود سرشماری می‌شوند؛ اما آن مکان به عنوان آبادی خالی از سکنه ثبت می‌شود. به همین جهت لازم است کاربران داده‌های نتایج سرشماری، در هنگام بررسی آبادی‌ها و به ویژه تغییر و تحول آبادی‌های دارای سکنه و خالی از سکنه، به این موضوع توجه داشته باشند.



### ۲-۳- حجم و رشد جمعیت روستایی کشور

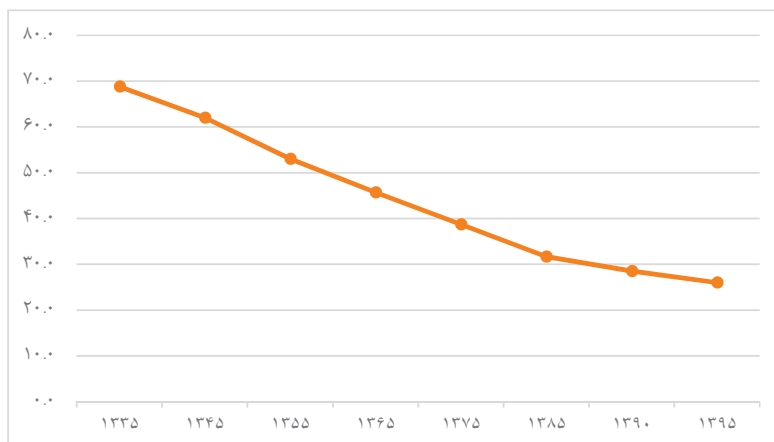
بررسی سری زمانی جمعیت آبادی‌های کشور، نشان‌دهنده افزایش جمعیت آن‌ها از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۷۵ و سپس کاهش آن از سال ۱۳۷۵ به بعد است. به طوری که سهم این جمعیت در سال ۱۳۳۵ از ۶۸/۶ درصد به ۲۶/۰ درصد در سال ۱۳۹۵ تنزل کرده است. جمعیت کل آبادی‌های کشور در سرشماری سال ۱۳۹۵ در حدود ۲۰ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر بوده و در فاصله پنج‌ساله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ حدود ۳ درصد کاسته شده است. (جدول ۳-۲).

جدول ۳-۲- جمعیت کشور و جمعیت مناطق روستایی و سهم نسبی آن از جمعیت کشور از

۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

شرح	کل کشور	نقاط روستایی	سهم جمعیت روستایی
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۱۳۰۰۱۱۴۱	۶۸/۸
۱۳۴۵	۲۵۷۸۸۱۷۲۲	۱۵۹۹۴۴۷۶	۶۲/۰
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۱۷۴۴	۱۷۸۵۴۰۶۴	۵۳/۰
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۲۲۶۰۰۴۴۹	۴۵/۷
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۲۳۲۳۷۶۹۹	۳۸/۷
۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۲۲۲۳۵۸۱۸	۳۱/۷
۱۳۹۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	۲۱۴۴۶۷۸۳	۲۸/۵
۱۳۹۵	۷۹۹۲۶۲۷۰	۲۰۷۷۹۴۲۳	۲۶/۰

شکل ۳-۱- سهم نسبی جمعیت روستایی از کل جمعیت ایران از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵





جمعیت نقاط روستایی کشور طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ از حدود ۱۳ میلیون نفر به بیش از ۲۰/۸ میلیون نفر رسیده است. به عبارتی در این دوره، جمعیت آبادی‌های کشور بیش از ۱/۶ برابر شده است و از متوسط رشد سالانه ۰/۹۱ درصد برخوردار بوده است. نکته قابل توجه در بررسی رشد جمعیت آبادی‌ها، تغییرات و تحولات محدوده‌های جغرافیایی است. (جدول ۳-۳).

جدول ۳-۳- جمعیت مناطق روستایی کشور و متوسط رشد سالانه آن از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

سال	جمعیت	متوسط رشد سالانه	
		دوره	درصد
۱۳۳۵	۱۲۹۵۲۱۸۲	-	-
۱۳۴۵	۱۵۹۹۲۹۱۲	۱۳۳۵-۴۵	۲/۰۹
۱۳۵۵	۱۷۸۵۴۰۶۴	۱۳۴۵-۵۵	۱/۱۱
۱۳۶۵	۲۲۶۰۰۴۴۹	۱۳۵۵-۶۵	۲/۳۹
۱۳۷۵	۲۳۲۳۷۶۹۹	۱۳۶۵-۷۵	۰/۲۸
۱۳۸۵	۲۲۲۳۵۸۱۸	۱۳۷۵-۸۵	-۰/۴۴
۱۳۹۰	۲۱۵۰۳۰۰۸	۱۳۸۵-۹۰	-۰/۶۷
۱۳۹۵	۲۰۷۳۰۶۲۵	۱۳۹۰-۹۵	-۰/۶۸
در کل دوره	-	۱۳۳۵-۹۵	۰/۷۹

جدول ۳-۴- نشان می‌دهد که طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ به تعداد ۱ استان، ۹۳ شهرستان و ۲۳۰ شهر به تقسیمات سرزمینی ایران اضافه شده است. از این رو لازم است که محدوده‌های مورد مطالعه همانند شوند تا مقایسه تغییرات جمعیتی آن‌ها به درستی صورت گیرد (جدول ۳-۴).

جدول ۳-۴- تقسیمات کشوری برحسب تعداد استان، شهرستان و شهر

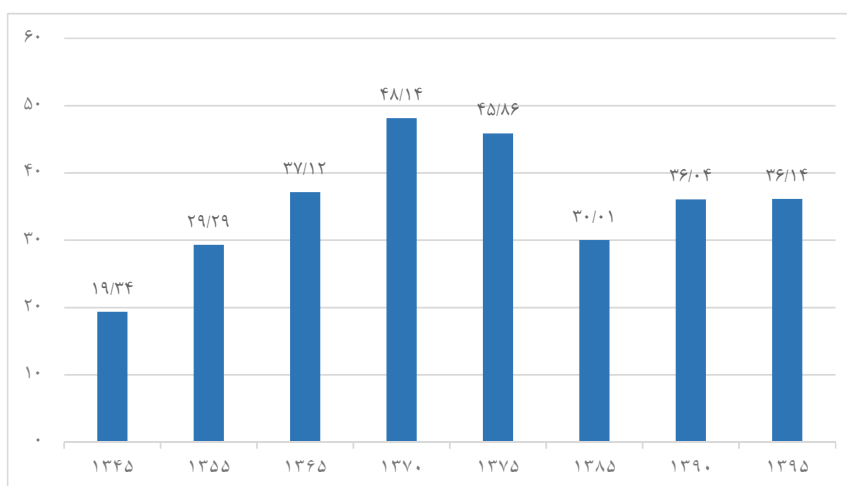
شرح	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
تعداد استان	۳۰	۳۱	۳۱
تعداد شهرستان	۳۳۶	۳۹۷	۴۲۹
تعداد شهرها	۱۰۱۲	۱۱۳۹	۱۲۴۲

\* شهرهای تجریش و ری در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و جزء شهر تهران سرشماری شده‌اند.

### ۳-۳- تحول جمعیت روستاها به تفکیک طبقات جمعیتی

سهم نسبی آبادی‌های خالی از سکنه از مجموع آبادی‌های کشور در سال ۱۳۴۵ برابر ۱۹/۳ درصد بوده که در سال ۱۳۹۰ به ۳۶ درصد افزایش یافته‌است. این نسبت از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۷۰ به طور مرتب رو به افزایش بوده و نشان‌دهنده عدم درک صحیح از این مفهوم بوده‌است و بی‌آنکه توجیه آماری داشته باشد، در سال ۱۳۷۰ نزدیک به نیمی از آبادی‌های کشور را خالی از سکنه اعلام کرده‌اند؛ حال آن که تعداد آبادی‌های دارای سکنه، تفاوت معنی‌داری با سرشماری‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ نداشته‌است. این وضعیت همان‌طور که قبلاً توضیح داده‌شد، به تعاریف و مفاهیم سرشماری و تأکید بر پوشش کامل جمعیت در زمان اجرای سرشماری برمی‌گردد.

شکل ۳-۲- توزیع نسبی آبادی‌های خالی از سکنه در سرشماری‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵





جدول ۳-۵- توزیع نسبی تحول آبادی‌های دارای سکنه و جمعیت روستایی را به تفکیک طبقات جمعیتی نشان می‌دهد. از این نظر آبادی‌های ۱-۲۴ نفره در حال افزایش است. تعداد این طبقه از آبادی‌ها از ۱۰/۷ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۰/۹ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته‌است. با وجود این، همواره کمتر از یک درصد از جمعیت نقاط روستایی در این طبقه از آبادی‌ها مستقر بوده‌اند (جدول ۳-۵).

توزیع آبادی‌های دارای سکنه کشور برحسب طبقات جمعیتی نشان می‌دهد، از سال ۱۳۳۵ به بعد از سهم جمعیتی آبادی‌های کمتر از ۱۰۰ نفره به طور مرتب کاسته شده‌است به طوری که از ۷/۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۴/۶ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده‌است. بیشترین سهم جمعیتی آبادی‌های کشور در سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ متعلق به آبادی‌های ۱۰۰ تا ۵۰۰ نفر جمعیت است. به طوری که در سال ۱۳۳۵، ۴۸/۵ درصد جمعیت روستایی با ۴۹/۸ درصد از آبادی‌های دارای سکنه، در سال ۱۳۴۵، ۴۲/۱ درصد جمعیت روستایی با ۴۱/۲ درصد از آبادی‌های دارای سکنه، سال ۱۳۵۵، ۳۶/۸ درصد جمعیت روستایی با ۴۱/۰ درصد آبادی‌های دارای سکنه و در سال ۱۳۶۵، ۲۷/۶ درصد جمعیت روستایی با ۳۸/۶ درصد از کل آبادی‌های دارای سکنه را در بر می‌گرفت. ولی در سال‌های ۱۳۷۰، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بیشترین سهم جمعیتی آبادی‌های دارای سکنه، متعلق به آبادی‌های ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ نفر جمعیت بوده‌است. بدین ترتیب می‌توان گفت که جمعیت روستایی کشور بیشتر در آبادی‌های ۱۰۰ تا ۲۵۰۰ نفر جمعیت متمرکز هستند که به ترتیب در سال‌های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۰، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ با مقادیر ۸۵/۵، ۸۴/۴، ۷۶/۱، ۷۳/۸، ۷۳/۴، ۷۰/۱ و ۷۳/۴ درصد جمعیت روستایی کشور در آبادی‌های ۱۰۰ تا ۲۵۰۰ نفر زندگی کردند (جدول ۳-۵).



جدول ۳-۵- توزیع نسبی جمعیت و آبادی‌های دارای سکنه کشور به تفکیک طبقه جمعیتی از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

طبقات جمعیتی	۱۳۴۵		۱۳۵۵		۱۳۶۵	
	جمعیت	آبادی	جمعیت	آبادی	جمعیت	آبادی
جمع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
۱-۲۴ نفر	۰/۹	۱۹/۵	۰/۸	۱۷/۹	۰/۶	۱۸/۵
۲۵-۴۹ نفر	۱/۹	۱۱/۹	۱/۶	۱۱/۵	۱/۲	۱۰/۹
۵۰-۹۹ نفر	۵/۰	۱۵/۸	۴/۰	۱۵/۰	۲/۹	۱۳/۷
۱۰۰-۴۹۹ نفر	۴۲/۱	۴۱/۲	۳۶/۸	۴۱/۰	۲۷/۶	۳۸/۶
۵۰۰-۹۹۹ نفر	۲۳/۷	۸/۰	۲۴/۷	۹/۶	۲۲/۲	۱۰/۹
۱۰۰۰-۲۴۹۹ نفر	۱۹/۷	۳/۱	۲۲/۹	۴/۲	۲۶/۳	۶/۰
۲۵۰۰-۴۹۹۹ نفر	۶/۷	۰/۵	۹/۲	۰/۷	۱۱/۴	۱/۲
۵۰۰۰ نفر و بیشتر	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۰/۰	۷/۸	۰/۳

جدول ۳-۵- توزیع نسبی جمعیت و آبادی‌های دارای سکنه کشور به تفکیک طبقه جمعیتی از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ (دنباله)

طبقات جمعیتی	۱۳۷۰		۱۳۷۵		۱۳۸۵		۱۳۹۰	
	جمعیت	آبادی	جمعیت	آبادی	جمعیت	آبادی	جمعیت	آبادی
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱-۲۴ نفر	۰/۵	۱۷/۴	۰,۷	۲۲/۵	۰/۶	۲۰/۵	۰/۶	۲۰/۹
۲۵-۴۹ نفر	۱/۱	۱۰/۸	۱,۲	۱۰/۸	۱/۱	۱۰/۲	۱/۰	۱۰/۱
۵۰-۹۹ نفر	۲/۸	۱۴/۰	۲,۹	۱۳/۳	۲/۹	۱۳/۵	۳/۰	۱۴/۲
۱۰۰-۴۹۹ نفر	۲۵/۸	۳۸/۴	۲۵,۴	۳۵/۴	۲۳/۸	۳۷/۳	۲۵/۴	۳۶/۶
۵۰۰-۹۹۹ نفر	۲۱/۲	۱۱/۱	۲۱,۰	۱۰/۲	۱۹/۶	۱۰/۶	۲۰/۶	۱۰/۱
۱۰۰۰-۲۴۹۹ نفر	۲۶/۸	۶/۵	۲۷,۰	۶/۱	۲۶/۷	۶/۲	۲۷/۴	۶/۳
۲۵۰۰-۴۹۹۹ نفر	۱۲/۵	۱/۴	۱۳,۰	۱/۳	۱۳/۲	۱/۳	۱۴/۲	۱/۵
۵۰۰۰ نفر و بیشتر	۹/۴	۰/۴	۹,۰	۰/۳	۱۲/۱	۰/۳	۷/۷	۰/۳



## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

روند تغییرات جمعیت روستایی تا حد زیادی وابسته به تغییرات شهرنشینی و رشد جمعیت شهری است. در عین حال، جمعیت روستایی نیازهای خاص خود را خواهد داشت و توجه به این نیازها، برای برآوردن آن‌ها و قرار دادن بازارهای هدف ضروری است.









یکی دیگر از ابعاد مورد بررسی در تحولات جمعیتی، تغییرات تعداد و بُعد خانوار می‌باشد. همانطور که جدول ۴-۱ نشان می‌دهد، تعداد خانوارهای کشور از حدود ۴ میلیون خانوار در سال ۱۳۳۵ به ۲۴/۲ میلیون خانوار در سال ۱۳۹۵ رسیده‌است، یعنی به بیش از ۶ برابر افزایش یافته‌است. در این مسیر، بیشترین میزان رشد سالانه تعداد خانوارها، مربوط به ده سال اخیر یعنی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ بوده‌است. تعداد خانوارها در مناطق شهری از ۱/۳ میلیون در سال ۱۳۳۵ به ۱۸/۲ میلیون در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته‌است؛ در واقع، در این مدت زمانی تعداد خانوارهای شهری به بیش از ۱۴ برابر افزایش یافته‌است. در مقایسه، تعداد خانوارهای روستایی در دوره زمانی ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ در حدود ۲/۳ برابر شده و از ۲/۷ میلیون به ۶/۱ میلیون خانوار افزایش یافته‌است.

جدول ۴-۱- تعداد خانوارهای کشور و رشد سالانه آن به تفکیک مناطق شهری و روستایی، ۹۵-۱۳۳۵

متوسط رشد سالانه تعداد خانوارها در کشور				تعداد خانوار			سرشماری
روستایی	شهری	کل	دوره زمانی	روستایی	شهری	کل	
۱/۶۴	۴/۵۱	۲/۶۳	۱۳۳۵-۴۵	۲۷۲۴۱۳۸	۱۲۶۱۳۷۲	۳۹۸۵۵۱۰	۱۳۳۵
				۳۲۰۴۸۷۶	۱۹۶۰۷۰۱	۵۱۶۵۵۷۷	۱۳۴۵
۰/۷۳	۵/۲۳	۲/۶۵	۱۳۴۵-۵۵	۳۴۴۶۱۰۴	۳۲۶۵۵۲۴	۶۷۱۱۶۲۸	۱۳۵۵
۱/۸۶	۵/۴۱	۳/۷۲	۱۳۵۵-۶۵	۴۱۴۵۳۸۹	۵۵۲۸۵۴۲	۹۶۷۳۹۳۱	۱۳۶۵
۰/۷۱	۳/۷۰	۲/۵۱	۱۳۶۵-۷۵	۴۴۴۹۳۱۰	۷۹۴۸۹۲۵	۱۲۳۹۸۲۳۵	۱۳۷۵
۱/۳۷	۴/۵۵	۳/۵۱	۱۳۷۵-۸۵	۵۰۹۶۱۸۷	۱۲۴۰۵۵۸۴	۱۷۵۰۱۷۷۱	۱۳۸۵
۲/۴۷	۴/۴۶	۳/۸۹	۱۳۸۵-۹۰	۵۷۵۷۷۹۹	۱۵۴۲۷۸۴۸	۲۱۱۸۵۶۴۷	۱۳۹۰
۱/۰۶	۳/۲۸	۲/۷۰	۱۳۹۰-۹۵	۶۰۷۰۵۴۷	۱۸۱۲۵۴۸۸	۲۴۱۹۶۰۳۵	۱۳۹۵

منبع: برداش بر اساس نتایج سرشماری‌های جمعیتی کشور ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵  
 خانوار متحرک و غیرساکن، جزء خانوار روستایی محسوب شده است.

بُعد خانوار که از تقسیم تعداد جمعیت به تعداد خانوار به دست می‌آید، بیانگر تغییرات جمعیتی به‌ویژه ازدواج و باروری است. بیشترین بُعد خانوار در سال ۱۳۶۵ با ۵/۱ به ثبت رسیده است. بُعد خانوار با ۵۲ درصد کاهش از ۴/۷ سال ۱۳۳۵ به ۳/۳ در سال ۱۳۹۵ رسیده است. در همین فاصله زمانی، بُعد خانوار مناطق شهری از ۴/۳ به ۳/۳ کاهش یافته است و در مناطق روستایی بُعد خانوار از ۴/۸ به ۳/۴ کاهش یافته است. کاهش باروری در کنار عوامل دیگری نظیر ساختار جوان کشور و افزایش ازدواج‌ها، تغییر شکل خانواده از گسترده به هسته‌ای (زندگی‌های مستقل بعد از ازدواج) دلایلی برای کاهش متوسط بُعد خانوار در کشور در سال‌های اخیر می‌باشند.

جدول ۴-۲- بُعد خانوار کشور، مناطق شهری و روستایی

بُعد خانوار			سرشماری
روستایی	شهری	کل	
۴/۸	۴/۳	۴/۷	۱۳۳۵
۵/۰	۵/۰	۵/۰	۱۳۴۵
۵/۲	۴/۹	۵/۰	۱۳۵۵
۵/۴	۵/۱	۵/۱	۱۳۶۵
۵/۱	۴/۶	۴/۸	۱۳۷۵
۴/۴	۳/۹	۴/۰	۱۳۸۵
۳/۷	۳/۵	۳/۵	۱۳۹۰
۳/۴	۳/۳	۳/۳	۱۳۹۵

در چند سال اخیر، متوسط بُعد خانوار از ۴/۰ در سال ۱۳۸۵ به ۳/۵ در سال ۱۳۹۰ و به ۳/۳ در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. بر این اساس در پنج سال اخیر تعداد خانوارهای پنج نفره و بیشتر به شدت کاهش یافته و از ۳۲ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۲۱ درصد در سال ۱۳۹۰ و ۱۴/۷ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۵ از کل خانوارهای کشور، ۸/۵ درصد خانوارها یک نفره، ۲۰/۷ درصد دو نفره، ۲۸/۵ درصد خانوارها سه نفره، ۲۷/۷ درصد خانوارهای چهار نفره و ۱۴/۷ درصد خانوارهای پنج نفره و بیشتر بوده‌اند.

علاوه بر این، نتایج سرشماری ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که ۱۲/۵ درصد خانوارها، زن سرپرست هستند. در حالی که این نسبت در سال ۱۳۵۵، ۷/۳ درصد بوده است. از اینرو، افزایش تعداد



خانوارهای زن سرپرست، یکی از ابعاد تحول خانواده و خانوار در ایران می‌باشد. از سال ۱۳۶۵ به بعد نسبت زنان سرپرست خانوار در حال افزایش بوده از حدود ۷/۱ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۸/۴ در سال ۱۳۷۵ و به ۹/۵ درصد در سال ۱۳۸۵ و به ۱۲/۱ درصد ۱۳۹۰ و به ۱۲/۵ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است و بخش عمده آن از تغییرات اقتصادی، اجتماعی و بنیادی جامعه ناشی شده؛ بخش اندکی از این افزایش هم به تفاوت در تعریف سرپرست خانوار مربوط بوده است به گونه‌ای که در سرشماری‌های ۱۳۷۵ و قبل از آن: «سرپرست خانوار یکی از اعضای خانوار است که در خانوار به این عنوان شناخته می‌شود. در صورتی که اعضای خانوار قادر به تعیین سرپرست خانوار نباشند، مسن‌ترین عضو خانوار به عنوان سرپرست خانوار تلقی می‌شود. بدیهی است که در خانوار یک نفره، همان شخص، سرپرست خانوار است.» در حالی که در سرشماری‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ سرپرست خانوار عضوی از خانوار است که سایر اعضا او را به این عنوان می‌شناسند. لازم به ذکر است، سرپرست خانوار عضوی از خانوار است که معمولاً مسئولیت تأمین تمام یا بخشی از هزینه‌های خانوار یا تصمیم‌گیری در مورد نحوه هزینه کردن درآمدهای خانوار را برعهده دارد. سرپرست خانوار، لزوماً مسن‌ترین عضو خانوار نیست و می‌تواند زن یا مرد باشد و معمولاً بیشتر از ده سال سن دارد. بدیهی است که در خانوار یک نفره، تنها عضو خانوار، سرپرست خانوار محسوب می‌شود (جدول ۴-۳)

جدول ۴-۳- توزیع نسبی سرپرستان خانوارهای کشور برحسب جنس، از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

شرح	هر دو جنس	مرد	زن	نسبت زن به مرد
۱۳۳۵	۱۰۰/۰	۹۲/۱۶	۷/۸۴	۰/۰۸
۱۳۴۵	۱۰۰/۰	۹۳/۴۶	۶/۵۴	۰/۰۷
۱۳۵۵	۱۰۰/۰	۹۲/۶۹	۷/۳۱	۰/۰۸
۱۳۶۵	۱۰۰/۰	۹۲/۹۱	۷/۰۹	۰/۰۸
۱۳۷۵	۱۰۰/۰	۹۱/۶۳	۸/۳۷	۰/۰۹
۱۳۸۵	۱۰۰/۰	۹۰/۵۴	۹/۴۶	۰/۱۰
۱۳۹۰	۱۰۰/۰	۸۷/۹۳	۱۲/۰۷	۰/۱۴
۱۳۹۵	۱۰۰/۰	۸۷/۵۰	۱۲/۵۰	۰/۱۴

## جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تعداد اعضای خانوار اساساً به این خاطر مد نظر قرار می‌گیرد که تعداد اعضای خانواده به طور مستقیم نرخ استفاده کالاهای مصرفی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این متغیر علاوه بر آن، اندازه بسته‌بندی‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از ابزارهای اندازه‌گیری که برای تشخیص اثر سن در هزینه خانوار مورد استفاده قرار می‌گیرد، برآورد پیامد باروری در طول چرخه زندگی و تعداد نفرات حاضر در خانوار است. به ازای تولد هر فرزند در طول ازدواج، تعداد متوسط افراد در خانوار افزایش می‌یابد و هنگامی که فرزندان خانوار یا خانواده را ترک می‌کنند، سرانجام خانواده خود را تشکیل می‌دهند. بر این اساس، هزینه‌های خانوار شامل نیازهای فرزندان به تناسب افزایش سن آنان، همچنین هزینه انفعال آنان از خانواده خواهد بود. چنین اتفاقی در درجه اول هزینه خانوار را بالا می‌برد و با جدا شدن فرزندان کاهش می‌یابد. بدین ترتیب می‌توان انباشت هزینه‌ها در خانوار را تخمین زد. عامل دیگری که باید مورد مطالعه قرار گیرد، زندگی پدران و مادران سالمند، در کنار فرزندانشان است؛ زیرا روی اندازه خانواده اثرگذار است. زندگی افراد جوان با میانسال در کنار پدران و مادران، خود از کشوری به کشور دیگر متفاوت است ولی در هر حال عاملی است که اندازه خانوار و مصرف والدین را در طول چرخه زندگی تحت تأثیر قرار می‌دهد. معدل تعداد نفرات خانوار در ارتباط با هزینه مصرف خانوار از الگوی کوهانی تبعیت می‌کنند در حالی که اوج سنی سرپرست خانوار در حدود ۴۰ سالگی است.









امروزه مطالعه ترکیب جنسی و سنی جمعیت از اهمیت بسیاری برخوردار است. در ارزیابی درجه توسعه‌یافتگی کشورها، مطالعه ساختارهای جنسی و سنی معیار مهمی محسوب می‌شود. سن و جنس به‌عنوان دو صفت ذاتی جمعیت، از اصلی‌ترین ویژگی‌های افراد بوده و تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قرار دارند. به همین دلیل جمعیت‌شناسان ویژگی‌های جمعیت را اغلب برحسب سن و جنس تحلیل می‌کنند و آن‌ها را دو متغیر کلیدی در جمعیت‌شناسی می‌دانند.

### ۵-۱- ترکیب جنسی جمعیت

ترکیب جنسی جمعیت به منظور اطلاع از شمار مردان و زنان در جامعه و تعیین شاخص نسبت جنسی یکی از ابعاد مهم در مطالعه تحولات جمعیتی و توسعه‌ای است. هر کدام از دوجنس، نیازمندی‌ها و رفتارهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی متفاوتی دارند. هدف از مطالعه ترکیب جنسی جمعیت، اطلاع از تعداد زنان و مردان و تعیین نسبت جنسی در جمعیت مورد مطالعه و بررسی آن در میان سنین مختلف می‌باشد. نسبت جنسی، در غیاب مهاجرت، در سنین مختلف تابع دو عامل زیر است:

۱- نسبت جنسی به هنگام تولد

۲- اختلاف در مرگ‌ومیر مردان و زنان برحسب سن

در اغلب کشورهای جهان میزان مرگ‌ومیر مردان کمی بیشتر از میزان مرگ‌ومیر زنان است. نسبت جنسی در بدو تولد، رقمی بین ۱۰۲ تا ۱۰۵ گزارش شده است. بنابراین با گذشت زمان نسبت جنسی از حدود ۱۰۵ به هنگام ولادت به آهستگی کاهش پیدا می‌کند. مهاجرت نیز نسبت جنسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در مناطقی که مهاجرپذیری مردان بیش از زنان باشد، نسبت جنسی افزایش و در مناطق مهاجرفرست، کاهش می‌یابد. در مجموع نسبت جنسی جمعیت در کشورهای توسعه‌یافته، به دلیل بالا بودن امید زندگی زنان، کم‌تر از کشورهای در حال توسعه است. داده‌های مربوط به سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن معلوم می‌دارد که در ایران همواره تعداد مردان بیش از زنان بوده و نسبت جنسی در مناطق شهری، به دلیل مهاجرت مردان روستایی و وجود خانوارهای موسسه‌ای نظیر پادگان‌ها و زندان‌ها بیشتر از مناطق روستایی است. بررسی نسبت جنسی جمعیت کشور نشان می‌دهد که این شاخص در چند دهه اخیر همواره یک روند کاهشی داشته است و از ۱۰۶ به ۱۰۲



رسیده است. همچنین، یافته‌ها بیانگر بالا بودن نسبت جنسی جمعیت در مناطق شهری است. این وضعیت بیانگر جریان مهاجرتی روستا به شهر با غلبه بر مهاجرت‌های مردان می‌باشد. تنها استثناء در این زمینه در سرشماری سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ می‌باشد که در آن نسبت جنسی در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری بوده است. جدول ۵-۱، روند تحولات نسبت جنسی جمعیت کشور، مناطق شهری و روستایی را نشان می‌دهد.

جدول ۵-۱- نسبت جنسی جمعیت کشور به تفکیک مناطق شهری و روستایی، ۹۵-۱۳۵۵

سال	کل	شهری	روستایی
۱۳۵۵	۱۰۶	۱۱۰	۱۰۳
۱۳۶۵	۱۰۵	۱۰۵	۱۰۴
۱۳۷۵	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۲
۱۳۸۵	۱۰۴	۱۰۴	۱۰۳
۱۳۹۰	۱۰۲	۱۰۱	۱۰۲
۱۳۹۵	۱۰۳	۱۰۲	۱۰۵

منبع: پردازش بر اساس نتایج سرشماری‌های جمعیتی ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵

طبق سرشماری ۱۳۹۵، از تعداد ۷۹۹۲۶۲۷۰ نفر جمعیت کشور، ۵۰/۷ درصد (۴۰۴۹۸۴۴۲ نفر) مرد و ۴۹/۳ درصد (۳۹۴۲۷۸۲۸ نفر) زن هستند. بر این اساس، نسبت جنسی جمعیت کشور حدود ۱۰۳ بوده است. در همین سال از ۵۹۱۴۶۸۴۷ نفر جمعیت مناطق شهری کشور ۵۰/۵ درصد (۲۹۸۴۱۴۴۱ نفر) مرد و ۴۹/۵ درصد (۲۹۳۰۵۴۴۳ نفر) زن بوده که نسبت جنسی برابر ۱۰۲ می‌باشد. در مناطق روستایی از تعداد ۲۰۷۷۹۴۲۳ نفر جمعیت ۵۱/۳ درصد (۱۰۶۵۷۰۰۱ نفر) مرد و ۴۸/۷ درصد (۱۰۱۲۲۴۲۲ نفر) زن بوده که نسبت جنسی در حدود ۱۰۵ بوده است.

## ۵-۲- ساختار سنی

منظور از توزیع سنی جمعیت، بررسی و طبقه‌بندی جمعیت یک جامعه به تفکیک سن است که از روی سال تولد افراد صورت می‌گیرد. توزیع جمعیت برحسب سن را "ساختار سنی جمعیت" می‌گویند. برای مطالعه ساخت سنی جمعیت می‌توان به بررسی هرم سنی، گروه‌های وسیع سنی، میانه و میانگین سنی جمعیت پرداخت.

### ۵-۳- روند تغییرات هرم‌های سنی در ایران (از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵)

یکی از روش‌های نمایش ساختار جنسی و سنی جمعیت، هرم سنی است که در آن، فراوانی افراد در هر یک از سنین یا گروه‌های سنی به صورت سطح (هیستوگرام) نشان داده می‌شود. هرم سنی از دو محور عمود بر هم تشکیل می‌شود که محور عمودی محور سن‌ها و محور افقی محور تعداد نفرات برحسب سن و یا گروه‌های سنی معین است.

شکل هرم سنی یک کشور یا یک منطقه یا ناحیه به سه عامل بستگی دارد:

۱- تعداد موالید در هر یک از نسل‌ها،

۲- تعداد افراد در اثر مرگ‌ومیر و

۳- مهاجرت به کشور و یا مهاجرت از کشور

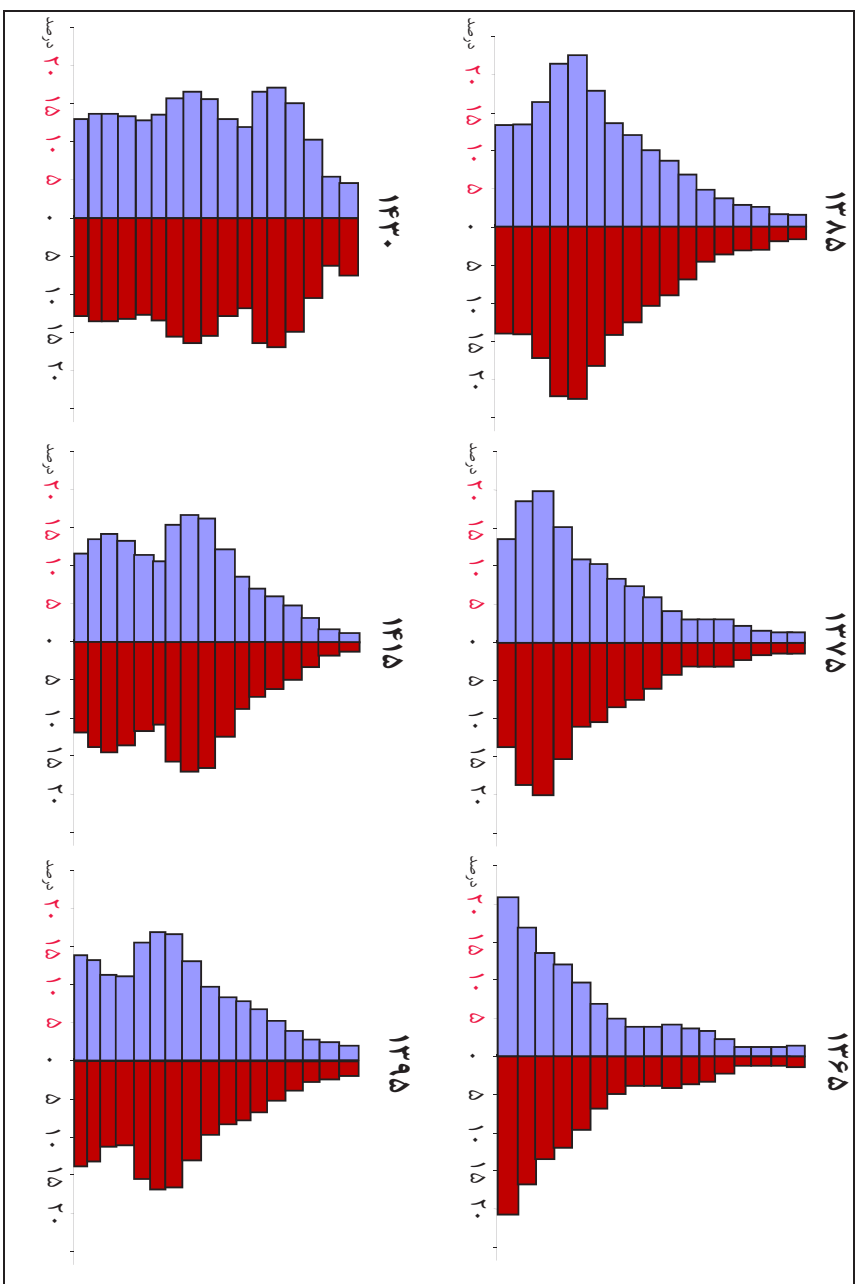
توضیح اینکه ترکیب سنی و جنسی جمعیت در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، تفاوت بارزی با هم دارند. در کشورهای مختلف ساختارهای سنی تابعی از میزان‌های باروری و مرگ‌ومیر و مهاجرت‌های بین‌المللی است. در انتقال ساختار سنی جمعیت مرگ‌ومیر نقش ویژه‌ای دارد. ارتقای سطح بهداشت عمومی و کاهش مرگ‌ومیر در سنین بالا، سبب سالمندی جمعیت می‌شود و چون سطح پایین باروری در آینده ادامه خواهد داشت، همه کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه نیز، در آینده جمعیت سالخورده‌ای خواهند داشت. هرچند که در برخی از کشورهای کمتر توسعه‌یافته، سهم نسبی جمعیت کمتر از ۱۵ ساله هنوز بالا است و ساختار جمعیتی جوانی دارند، لیکن شمار آن‌ها رو به کاهش است و سالخوردگی جمعیت در آینده، رویدادی محتوم برای آن‌ها خواهد بود. از نظر برنامه‌ریزی، جوانی و سالخوردگی جمعیت مسائل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی متفاوتی دارند که باید در نظام برنامه‌ریزی آن کشورها به گونه‌ای متفاوت برای حال و آینده در نظر گرفته شوند.

بررسی هرم‌های سنی جمعیت کشور از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۶۵ نشان‌دهنده جوانی جمعیت کشور بوده و از سال ۱۳۷۵ به بعد، قاعده‌ی هرم سنی روبه جمع شدن گذاشته‌است که نشان‌دهنده اثرگذاری دور دوم سیاست‌های کنترل جمعیت در سال‌های بعد از ۱۳۶۸ است. در هرم سنی سال ۱۳۸۵ افزایش فوق‌العاده جمعیت گروه‌های سنی ۱۵-۱۹ و ۲۰-۲۴ ساله و در هرم سنی سال ۱۳۹۵ افزایش جمعیت در گروه‌های سنی ۲۵-۲۹ و ۳۰-۳۴ (نسل متولدین بعد از انقلاب) کاملاً نمایان است، که نشانه شدت جوانی جمعیت در سال‌های آغازین بعد از انقلاب اسلامی است. این وضعیت باعث شد که کشور در آن زمان با پدیده‌ی



«تورم جوانی» روبرو شود که با گذشت زمان به میانه هرم سنی کشانده شده است و تا زمانی که در سنین فعال باروری قرار داشته باشند می‌توانند تعداد زاد و ولدها را نیز افزایش دهند. این موج در حال حاضر از سنین فعال تر باروری خارج و در آینده اثر کمتری بر افزایش باروری خواهند داشت. اقتصاددانان، تمرکز درصد بالایی از جمعیت در سنین میانسالی را «فرصت طلایی» برای توسعه نامیده‌اند که سهم نیروی انسانی لازم را در سنین کار و فعالیت بالا می‌برد و تأمین نیروی کار را آسانتر می‌کند و در عین حال، می‌تواند بر افزایش زاد و ولد نیز تأثیر گذارد. لیکن در مواردی که کشور توانایی بهره‌وری از آن نیروی کار را نداشته باشد، به افزایش نسبت بیکاری و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می‌انجامد. در یک نگاه کلی، مقایسه هرم‌های سنی جمعیت ایران در دو دهه‌ی اخیر نشان می‌دهد که ساختمان هرم سنی جمعیت ایران در حال تغییر اساسی بوده و جمعیت کشور که در حال حاضر بیشتر در میانه سنی قرار دارد، مراحل اولیه انتقال از جوانی به سالخوردگی را پشت سر گذاشته و در سال‌های آتی به سوی سالمندی سوق خواهد یافت (شکل ۵-۱).

شکل ۱-۵- تصویر گرافیکی هم سنی از تغییرات ساختار سنی جمعیت ایران از ۱۳۶۵ تا ۱۴۳۰



منبع: بر اساس نتایج سرشماری و پیش‌بینی جمعیتی



نگاهی به توزیع نسبی جمعیت کشور در گروه‌های سنی سال‌های ۱۳۳۵ و ۱۳۹۵ (جدول ۵-۲)، چگونگی این تغییر را نشان می‌دهد. تغییری که از شکل هرم‌های سنی نیز کاملاً مشهود است. از نظر برنامه‌ریزی، جوانی و سالخوردگی جمعیت مسائل اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی متفاوتی دارند که باید در نظام برنامه‌ریزی آن کشورها به گونه‌ای متفاوت برای حال و آینده در نظر گرفته شوند.

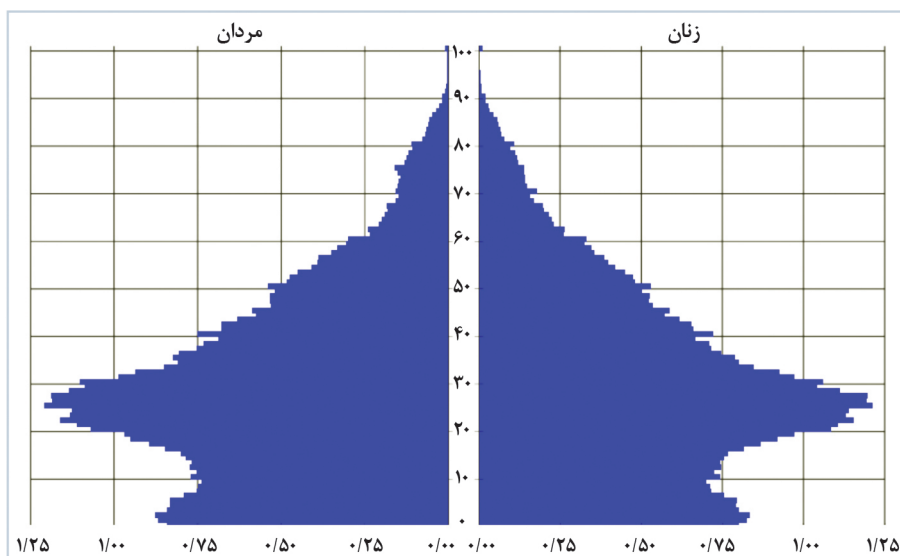
جدول ۵-۲ درصد جمعیت در گروه‌های سنی به تفکیک جنس در سال ۱۳۳۵ و ۱۳۹۵

گروه‌های سنی	۱۳۳۵		۱۳۹۵	
	مردان	زنان	مردان	زنان
۰-۴	۱۶/۲۸	۱۵/۹۳	۹/۰۱	۸/۷۳
۵-۹	۱۵/۷۶	۱۵/۵۴	۸/۱۱	۷/۹۳
۱۰-۱۴	۱۳/۰۱	۱۲/۵۰	۷/۱۹	۷/۰۴
۱۵-۱۹	۱۰/۴۸	۱۰/۹۰	۶/۸۸	۶/۷۸
۲۰-۲۴	۷/۷۳	۸/۸۷	۷/۹۹	۸/۰۰
۲۵-۲۹	۵/۸۲	۶/۷۴	۱۰/۲۳	۱۰/۲۹
۳۰-۳۴	۴/۸۵	۵/۲۹	۱۰/۷۲	۱۰/۸۱
۳۵-۳۹	۴/۷۵	۴/۹۰	۸/۸۲	۸/۷۹
۴۰-۴۴	۵/۱۶	۴/۷۳	۶/۹۵	۶/۸۶
۴۵-۴۹	۴/۳۳	۳/۹۰	۶/۰۶	۶/۰۳
۵۰-۵۴	۴/۲۲	۳/۶۵	۴/۸۸	۴/۹۵
۵۵-۵۹	۲/۲۹	۱/۸۸	۴/۱۲	۴/۲۶
۶۰-۶۴	۱/۷۴	۱/۷۳	۳/۰۹	۳/۲۷
۶۵-۶۹	۱/۰۵	۱/۰۱	۲/۰۰	۲/۲۹
۷۰-۷۴	۱/۱۱	۱/۱۴	۱/۴۱	۱/۵۴
۷۵-۷۹	۰/۶۶	۰/۵۵	۱/۱۱	۱/۱۰
۸۰-۸۴	۰/۴۵	۰/۴۱	۰/۸۵	۰/۷۷
۸۵+	۰/۳۳	۰/۳۲	۰/۵۷	۰/۵۵

با آغاز و تداوم کاهش میزان‌های باروری، تغییرات اساسی در ساختار سنی جمعیت آغاز می‌شود. در این شرایط کاهش در تعداد فرزندان متولد شده اتفاق می‌افتد. این کاهش یک تورم و برآمدگی در ساختار سنی جمعیت ایجاد می‌کند. این تورم توسط همزادهایی (کوهورت‌هایی) که قبل از مرحله کاهش باروری متولد شده بودند، ایجاد می‌شود. در این شرایط هرم کلاسیکی جمعیت، به تدریج تغییراتی را در خود نشان می‌دهد، بدین صورت که پایه‌های هرم سنی باریکتر می‌شود و هرم سنی بطور فزاینده محدبی شکل ۵ می‌گردد (برای مثال هرم‌های سنی ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵) در مدل سنتی و کلاسیک، کاهش در میزان مولید فاز نهایی گذار جمعیتی است. در حالی که، گذار سنی در این مرحله هنوز کامل نشده‌است. دلیل آن ساده است، جمعیتی که یک تورم در ترکیب سنی اش ایجاد شده است این تورم بطور مداوم در طول ساختار سنی حرکت میکند و انتقال می‌یابد.

مرحله دوم گذار ساختار سنی، فاز جوانی است که طی آن تورم به سنین جوانی می‌رسد، سپس تورم به سنین میانسالی منتقل شده و آن فاز سوم یعنی فاز بلوغ یا میانسالی را مشخص خواهد کرد. بعد از آن، یعنی بیش از ۶۰ سال از آغاز کاهش باروری، تورم وارد سنین سالمندی خواهد شد و فاز سالخوردگی جمعیت شکل خواهد گرفت.

شکل ۵-۲- هرم سنی جمعیت ایران در سال ۱۳۹۵





از اینرو، گذار ساختار سنی شامل چهار فاز کودکی (زیر ۱۵ سال)، جوانی (۱۵-۲۹)، میانسالی (۳۰-۶۴) و سالمندی (۶۵ ساله و بالاتر) است. همانطور که شکل ۴-۱ به خوبی نشان می‌دهد، ایران مرحله اول تغییرات ساختار سنی که در آن سهم قابل توجهی از جمعیت به کودکان تعلق دارد را پشت سر گذاشته‌است و از سال ۱۳۷۵ وارد مرحله دوم یعنی جوانی شده است، این مرحله حدود ۱۵ سال به طول انجامید و ایران در سال ۱۳۹۵ وارد فاز سوم گذار سنی جمعیت یعنی مرحله میانسالی شده‌است که در آن سهم جمعیت میانسال افزایش یافته است. پیش بینی می‌شود که فاز سوم تا سال ۱۴۳۰ به طول انجامد و از آن زمان به بعد فاز سالخوردگی جمعیت در ایران آغاز شود.

#### ۵-۴- گروه‌های عمده سنی

برای داشتن تصویری کلی از ساخت سنی جمعیت، می‌توان آن را در سه گروه عمده سنی زیر بررسی کرد:

- جمعیت ۱۴-۰ ساله
- جمعیت ۶۴-۱۵ ساله
- جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر

براساس گروه‌بندی فوق، جمعیت‌شناسان در حالت کلی، به بررسی جوامع مختلف از نظر جوانی، سالمندی و سالخوردگی جمعیت پرداخته‌اند.

ورتهایم (Wertheim) آمارشناس و جمعیت‌شناس هلندی، پس از مطالعاتی که در اندونزی و تعدادی از کشورهای توسعه‌نیافته و کشورهای صنعتی به عمل آورد به این نتیجه رسید که در بیشتر کشورهای توسعه نیافته نسبت افراد کمتر از ۱۵ ساله به کل جمعیت حدود ۴۰ درصد یا بیشتر از آن است. به همین دلیل، از آن به بعد، این شاخص به‌عنوان «تست ورتهایم» معروف شد که به صورت  $P_{14} \geq 40\% P_t$  نمایش داده می‌شود و جمعیتی را که چنین وضعی داشته باشد، جمعیت جوان می‌گویند.

براین اساس جمعیت کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ دارای ساختاری جوان بوده و از سال ۱۳۷۵ به بعد از این مرحله خارج شده است. به بیانی دیگر نسبت جمعیت کمتر از ۱۵ ساله کشور از ۴۲/۲ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۴ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است که کاهشی بیش از ۴۳ درصد را نشان می‌دهد. تغییرات طی سال‌های مورد بحث از الگوی یک‌نواختی پیروی نکرده‌است.





به این ترتیب که طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ افزایش یافته و سپس در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ کاسته شده و دوباره در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ افزایش و پس از آن مجدداً رو به کاهش گذاشته‌است و این کاهش طی سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ بسیار قابل ملاحظه بوده‌است؛ روندی که با تغییرات میزان رشد طبیعی جمعیت کشور در آن سال‌ها نیز سازگاری دارد. نکته حائز اهمیت آنکه در این کاهش سهم گروه‌های سنی ۰-۴ ساله و ۵-۹ ساله هم به کمتر از نصف رسیده و گویای استمرار کاهش باروری در یک دوره طولانی بوده‌است که برگشت سطح باروری به سطوح بالاتر را بسیار مشکل می‌کند.

بررسی تغییرات ساختار سنی جمعیت کشور برحسب نقاط شهری و روستایی نیز نشان می‌دهد که آهنگ تغییرات در نقاط شهری و روستایی با مختصر تفاوتی با تغییرات کل کشور همسو و سرعت آن در شهر کمی بیشتر از روستا بوده‌است.

این نسبت براساس نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن کشور به شرح جدول ۳-۵ برای کشور، مناطق شهری و روستایی بوده‌است.

جدول ۳-۵- اندازه تست ورتهایم (شاخص جوانی جمعیت) از روی سرشماری‌های ایران از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵

شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
کل	۴۲/۲	۴۶/۱	۴۴/۵	۴۵/۵	۳۹/۵	۲۵/۱	۲۳/۴	۲۴/۰
شهری	۴۰/۲	۴۴/۱	۴۱/۰	۴۲/۸	۳۷/۶	۲۳/۷	۲۲/۳	۲۳/۰
روستایی	۴۳/۱	۴۷/۴	۴۷/۷	۴۸/۵	۴۲/۶	۲۸/۰	۲۶/۱	۲۶/۹

روند تغییرات نسبت جمعیت ۱۵ تا ۶۴ ساله نیز در فاصله‌ی سال‌های مورد بحث از آهنگ یکنواختی برخوردار نبوده‌است. افزایش این گروه سنی در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۳۵ (۵۶/۳) تا ۱۳۹۵ (۶۹/۸) بیشتر به دلیل افزایش تعداد موالید دهه ۶۵-۱۳۵۵ بوده که حجم جمعیت واقع در سنین کار و فعالیت را در سال‌های اخیر افزایش داده‌است. بدیهی است نتیجه چنین تغییری، افزایش جمعیت بالقوه فعال است که در صورت بهره‌برداری مناسب از آن می‌توان به سرعت بر ظرفیت توسعه‌ی اقتصادی کشور افزود. اهمیت این موضوع در حدی است که برخی از صاحب‌نظران علوم اجتماعی سال‌هایی را که بعضی از کشورها با حجم زیادی از جمعیت واقع در سن فعالیت روبرو می‌شوند، به‌عنوان «پنجره‌ی جمعیتی فرصت‌ها» نامیده‌اند که در این زمان می‌توان با برنامه‌ریزی مناسب و استفاده‌ی بهینه از نیروی انسانی موجود، به سوی توسعه‌ی و شکوفایی



اقتصادی گام برداشت. بدیهی است که استفاده از این فرصت شرایط ویژه‌ای را می‌طلبد که برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه کنونی فراهم نیست و در نتیجه، نه تنها این فرصت برای آن‌ها به موهبتی تبدیل نمی‌شود؛ بلکه به تشدید مشکلات اقتصادی و اجتماعی آن‌ها نیز می‌پردازد.

در مطالعات جمعیت‌شناختی، سالمندی جمعیت به این معناست که نسبت افراد سالخورده به کل جمعیت در حال افزایش باشد. به عبارت دقیق‌تر، جمعیت رو به سوی سالمندی، جمعیتی است که حد اقل ۸ درصد آن را افراد ۶۰ ساله به بالا تشکیل دهند. با افزایش این نسبت، مراحل سه گانه‌ای برای سالمندی جمعیت عنوان می‌کنند. در برخی از مطالعات جمعیتی به جای جمعیت ۶۰ ساله به بالا جمعیت ۶۵ ساله به بالا را در نظر می‌گیرند. هرچند که اتفاق نظر کاملی در این مورد وجود ندارد. در این جا باید بین دو مفهوم سالخوردگی جمعیت و سالمندی افراد تمایز قایل شد. سالخوردگی جمعیت، یک مفهوم آماری است که ریشه در کاهش مستمر باروری داشته و افزایش امید زندگی در آن نقش کمتری دارد. این مفهوم با دو عامل مشخص می‌شود: در وهله اول میانه و میانگین سنی جمعیت به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش می‌یابد و در وهله دوم، نسبت افراد گروه سنی بالاتر به کل جمعیت افزوده می‌شود. در این میان تغییرات میانه و میانگین سنی شاخص گویاتری از ورود جمعیت به آستانه سالخوردگی است. برای درک بهتر این موضوع باید گفت که در فاصله سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵، میانگین سنی جمعیت ایران از نزدیک ۲۱٫۸ سال به حدود ۳۰ سال افزایش یافته و این افزایش، در مورد میانه سنی هم از ۱۷ سال به حدود ۲۸ سال رسیده که تفاوت ۱۱ ساله‌ای را نشان می‌دهد، در حالی که نسبت جمعیت ۶۵ ساله به بالا در همین مدت، از حدود ۴ درصد به ۶/۱ درصد رسیده‌است که نمی‌تواند به آن شکل گویای تغییرات عمیق ساختاری جمعیت کشور در این دوره باشد. با گذشت زمان، این شاخص نیز می‌تواند در کنار دو شاخص دیگر، تغییر ساختاری جمعیت را به خوبی نشان دهد. مفهوم دوم پیری و یا سالمندی افراد است که یک ویژگی فردی است و مستقیماً هیچ تأثیری از تغییرات سطح باروری نمی‌یابد و متأثر از تغییرات سطح مرگ‌ومیر است. با افزایش امید زندگی بر شمار سالخوردگان افزوده می‌شود و عوامل ژنتیکی و ویژگی‌های قومی و تباری و شرایط جغرافیایی در آن مؤثر می‌افتد. لازم به یادآوری است که در سرشماری‌های کشور همواره سهم جمعیت ۶۵ ساله به بالا در نقاط روستایی بیشتر از سهم آن‌ها نقاط شهری بوده‌است که از دلایل آن می‌توان به مهاجرت جوانان برای ادامه تحصیل و جستجوی کار در نقاط شهری اشاره کرد. با

افزایش سطح بهداشت عمومی و تغییرات اساسی در نگرش و سبک زندگی افراد، همزمان با کاهش سطح باروری، شاخص امید زندگی در بدو تولد برای هر دو جنس افزایش یافته و باعث شده است تا در دهه‌های اخیر، نسبت جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر افزایش یابد. شایان ذکر است برنامه‌ریزی مؤثر برای تأمین نیازهای افراد سالمند که جمعیت آنان در دهه‌های آتی روبه افزایش خواهد بود، ضروری است. با تغییر سبک زندگی و گسترش خانوارهای هسته‌ای، حمایت فرزندان از افراد سالخورده کاهش می‌یابد و به همین دلیل، گسترش و بهبود تأمین اجتماعی و رفع نیازهای اقتصادی، اجتماعی و بهداشت جسمی و روانی افراد سالمند را از اهمیت به سزایی برخوردار می‌سازد.

#### ۵-۵- میان‌سنی

سنی که جمعیت را از نظر تعداد به دو گروه مساوی تقسیم کند، میان‌سنی نامیده می‌شود. یافته‌های سرشماری ۱۳۹۵ در مقایسه با نتایج سرشماری سال‌های قبل، نشان از کاهش جوانی جمعیت دارد. میان‌سنی جمعیت از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۵ از رقمی حدود ۲۰/۲ به ۲۸/۰ سال رسیده است. نسبت مذکور در فاصله‌ی ۶۰ سال اخیر حدود  $\frac{1}{3}$  افزایش یافته است (جدول ۴-۵).

جدول ۴-۵- میان‌سنی جمعیت کشور به تفکیک جنس از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ (سال)

سال	مرد و زن	مرد	زن
۱۳۳۵	۲۰/۲	۲۰/۲	۲۰/۲
۱۳۴۵	۱۶/۶	۱۶/۸	۱۷/۱
۱۳۵۵	۱۷/۴	۱۷/۱	۱۷/۷
۱۳۶۵	۱۷/۰	۱۷/۰	۱۷/۰
۱۳۷۰	۱۷/۶	۱۷/۷	۱۷/۵
۱۳۷۵	۱۹/۴	۱۹/۴	۱۹/۵
۱۳۸۵	۲۴/۷	۲۴/۷	۲۴/۷
۱۳۹۰	۲۷/۰	۲۷/۰	۲۷/۰
۱۳۹۵	۳۰/۰	۳۰/۰	۳۰/۰



پا به پای افزایش میانه و میانگین سنی، سهم جمعیت سنین کمتر از ۵ ساله به کل جمعیت نیز کاهش یافته است که معلول کاهش باروری بوده و جدول ۵-۵ و شکل ۵-۶ به خوبی آن را نشان می‌دهند:

جدول ۵-۵- نسبت جمعیت کمتر از ۵ ساله در کل جمعیت کشور از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ (درصد)

شرح	کمتر از یکساله	۱ ساله	۲ ساله	۳ ساله	۴ ساله	۴-۰ ساله
۱۳۳۵	۲/۹	۳/۱	۴/۲	۳/۹	۳/۶	۱۷/۷
۱۳۴۵	۳/۲	۳/۳	۳/۸	۳/۷	۳/۷	۱۷/۷
۱۳۵۵	۲/۹	۳/۰	۳/۴	۳/۴	۳/۴	۱۶/۱
۱۳۶۵	۳/۶	۳/۷	۳/۹	۳/۶	۳/۵	۱۸/۳
۱۳۷۰	۲/۶	۲/۸	۳/۰	۳/۰	۳/۲	۱۴/۶
۱۳۷۵	۱/۷	۱/۸	۲/۱	۲/۲	۲/۴	۱۰/۳
۱۳۸۵	۱/۶	۱/۵	۱/۵	۱/۵	۱/۵۶	۷/۸
۱۳۹۰	۱/۶	۱/۷	۱/۷	۱/۶	۱/۶	۸/۵
۱۳۹۵	۱/۷	۱/۹	۱/۸	۱/۸	۱/۷	۸/۹

#### ۵-۶- میانگین سنی

میانگین سنی، متوسط سن افراد یک جامعه است و از تقسیم مجموعه حاصل ضرب‌های هر یک از سنین منفرد در فراوانی افراد در آن سن، به کل جمعیت به دست می‌آید. بررسی میانگین سنی جمعیت کشور طی ۵۵ سال اخیر نشان می‌دهد این شاخص از ۲۰/۲ سال در سال ۱۳۳۵ به ۳۰ سال در سال ۱۳۹۵ رسیده است. این نسبت در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ نسبتاً ثابت مانده و از سال ۱۳۷۵ رو به افزایش نهاده است (جدول ۵-۶).

جدول ۵-۶- میانگین سنی جمعیت ایران به تفکیک جنس از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ (سال)

شرح	مرد و زن	مرد	زن
۱۳۳۵	۲۰/۲	۲۰/۲	۲۰/۲
۱۳۴۵	۲۲/۲	۲۲/۴	۲۲/۰
۱۳۵۵	۲۲/۴	۲۲/۶	۲۲/۲
۱۳۶۵	۲۱/۷۶	۲۱/۸۹	۲۱/۶۶
۱۳۷۵	۲۴/۰۳	۲۴/۱۵	۲۳/۹۰
۱۳۸۵	۲۷/۹۷	۲۷/۹۸	۲۷/۹۵
۱۳۹۰	۲۹/۸۰	۲۹/۷۰	۳۰/۰۰
۱۳۹۵	۳۱/۰	۳۱/۰	۳۱/۰

#### ۵-۷- پنجره جمعیتی

پنجره جمعیتی دوره ای است که در آن نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال به کمتر از ۳۰ درصد کل جمعیت برسد و نسبت جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر هنوز کم تر از ۱۵ درصد باشد. کشورهای اروپایی قبل از سال ۱۹۵۰ وارد پنجره جمعیتی شده و اکنون در حال خارج شدن از آن و ورود به دوره ای می باشند که کهنسالان در توزیع جمعیتی برجسته هستند. اغلب کشورهای آفریقایی نیز تا قبل از سال ۲۰۴۵ و بعد از آن وارد پنجره نخواهند شد. نسبت جمعیت در سن کار در کشورهایی که وارد پنجره جمعیتی می شوند نسبتاً بالاست، لذا این کشورها دارای پتانسیل جمعیتی برای رشد اقتصادی بالا هستند (گزارش سازمان ملل متحد، ۲۰۰۴).

نظر به تعاریف ارائه شده از سوی برخی کارشناسان دیگر، پنجره جمعیتی دوره زمانی نسبتاً کوتاهی از تحولات جمعیتی یک کشور است که در آن نسبت جمعیت سنین فعالیت به حداکثر می رسد و نوعی ساختار جمعیتی مطلوب برای شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی مهیا می شود. پنجره جمعیتی در هر کشوری دوره زمانی موقتی است که بهره گیری صحیح از آن می تواند به بهبود شرایط اقتصادی یاری رساند. در عین حال، ضعف مدیریت و اتخاذ سیاست های نادرست می تواند کشور را با چالش ها و تهدیدهایی روبه رو کند. این فرصت در ایران از سال ۱۳۸۵ آغاز شده است و تا سال ۱۴۲۵ ادامه خواهد داشت. در حال حاضر بیکاری و فقدان فرصت های شغلی و سرمایه گذاری کافی، مهم ترین چالش جمعیتی در دوران پنجره جمعیتی کشور است. گسترش فرصت های شغلی، سرمایه گذاری مطلوب، بهبود کیفیت سرمایه انسانی و فراهم کردن فرصت هایی



برای حضور زنان در بازار کار، می‌تواند بسترهایی برای بهره‌برداری از فرصت طلایی جمعیت ایجاد کند.

در شرایط کنونی اقتصاد ایران، به نظر می‌رسد توجه اصلی مدیران و سیاستگذاران به پیامدهای فاز بعدی گذار ساختار سنی یعنی سالخوردگی جمعیت معطوف شده‌است. در حالی که توجه به فاز فعلی جمعیت و اتخاذ سیاست‌هایی برای اشتغال جمعیت در سن کار و بهره‌برداری از پنجره جمعیتی به طور خودکار از آثار منفی دوره سالمندی در آینده جلوگیری خواهد کرد و سالمندی سالم، فعال و موفقیت آمیزی را به دنبال خواهد داشت. توجه صرف به پیامدهای ساختار جمعیتی در آینده، نباید موجب از دست دادن سود جمعیتی در دوره کنونی شود.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

علم جمعیت‌شناسی دامنه وسیعی از اطلاعات خام یا داده‌ها همچون اندازه جمعیت فرضی، میزان تولدها، میزان مهاجرت به خارج و داخل، نسبت شهرنشینی و روستانشینی، تراکم جمعیت و ... را مورد استفاده قرار می‌دهد که همه می‌توانند در بررسی‌های تجاری کاربرد داشته باشند؛ اما به طور قطع برخی عوامل بیش از عوامل دیگر مفید هستند. یکی از مهم‌ترین آنها، ساخت سنی و روند تغییرات آن می‌باشد که تأثیر قاطعی بر روندهای بازار وارد می‌کند. با توجه به پویایی ساخت سنی، دو کلید اصلی برای پیش‌بینی مسایل مربوط به بازار عبارتند از:

۱- تعداد و سهم افراد در محدوده سنی خاص

۲- احتمال مشارکت افراد (بر اساس سلیقه‌های سنی) در مدل‌های رفتاری.

اگر آن تعداد از جمعیت را که کار ویژه‌ای انجام می‌دهند در نظر بگیریم، به راحتی می‌توان درصد شرکت‌کنندگان را در تمام آن جمعیت و برای جامعه به دست آورد. با ضرب کردن تعداد جمعیت در میزان شرکت‌کنندگان، تعداد واقعی مردمی که مثلاً خانه اجاره می‌کنند، یا سکنه قلبی می‌کنند و یا هر کار دیگری که نیاز هست را می‌توان اندازه‌گیری آماری کرد. البته باید به خاطر داشت که میزان مشارکت، صرفاً یک درصد نیست؛ چرا که توسط عوامل دیگر اقتصادی همچون رکود، نرخ بیکاری، سطح درآمدها و ... تحت تأثیر قرار می‌گیرد. همچنین، شرکت‌کنندگان هم با عوامل اجتماعی مثل وضعیت درآمدی و یا وضعیت ازدواجی تحت تأثیر قرار می‌گیرند. اما با این همه، ساخت سنی همیشه بخش مهم قابل پیش‌بینی است زیرا که سن یک عامل قطعی و تغییرات آن بر اساس ریاضیات است. اینکه ۱۰ سال دیگر، احتمالاً برخی صفات مثل ملیت یا

وضعیت استخدامی فرد ثابت بماند یا تغییر کند وجود دارد اما، طی این ۱۰ سال او قطعا ۱۰ سال مسن تر شده است. اکنون این سوال ممکن است که مطرح شود مثلا، آیا فرد ۵۰ ساله سال ۱۴۰۰ مانند فرد ۵۰ ساله سال ۱۳۹۰ رفتار خواهد کرد. احتمال آن کم است و احتمالا برخی از رفتارهای افراد تغییر خواهند یافت. به رغم این، بسیاری از رفتارها و میزان مشارکت افراد در فعالیت‌های اقتصادی در طی زمان بر اساس سن ثابت می‌ماند و این همان نکته‌ای است که باید در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی مد نظر قرار گیرد و جمعیت‌شناسی می‌تواند در این راه کمک‌کننده باشد. در حقیقت، سن افراد بیانگر بسیاری از متغیرهای اقتصادی اجتماعی است که باعث تفکیک افراد از یکدیگر می‌شود. برای مثال، احتمالا افراد ۴۰ ساله درآمد بیشتری نسبت به افراد ۳۰ ساله دارند، همچنین آنها بیش از ۳۰ ساله‌ها اقدام به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری می‌کنند. اکنون ممکن است بخواهیم یک قدم فراتر رفته و علاوه بر سن، ویژگی‌های افراد را نیز در بررسی‌های دخالت دهیم. در واقع، کار تحلیل را تخصصی کنیم و به صورت خاص گروه‌ها را مد نظر قرار دهیم. برای مثال، علاوه بر سن، سطح تحصیلات، سطح درآمد، وضعیت اشتغال و مواردی از این دست را هم در نظر بگیریم. آن وقت در عین پیچیده شدن تحلیل، نکات کاربردی بیشتری به ما ارائه خواهد شد. گفته می‌شود که بودن در مکان مناسب و زمان مناسب و به قیمت مناسب، راز پیشرفت است. علم جمعیت‌شناسی و تحلیل‌های آماری آن، کمک خواهد کرد تا مکان و زمان مناسب نشان داده شود. در این مورد نمونه شرکت دایسلر می‌تواند آموزنده باشد. ماشین مینی‌ون که متعلق به نسل مربوط به زادوولد انفجاری بود، ماشین کرایسلر را تبدیل به بازار سودآور کرد اما زمانی که این ماشین در حال تولید بود، هر سهم سرمایه کرایسلر تنها ۲ دلار ارزش داشت و هیات مدیره آن از دولت تقاضای کمک داشت تا ورشکست نشود. کارخانه در سال ۱۹۸۳ ماشین مجیک‌واگن را وارد بازار کرد و در نتیجه فروش زیاد این ماشین، سهام آن تا اواسط دهه ۱۹۹۰ در حد ۵۰ دلار خرید و فروش می‌شد. این کارخانه با چنین چشم‌اندازی که ناشی از سهم جمعیت زادوولد انفجاری بود، به چنین پیشرفتی نایل آمد. از آنجا که گروه سنی نسل رشد انفجاری بزرگ است، لذا فشار شدید تقاضا به بازار وارد ساختند. دلیل آن هم این بود که آنها افرادی بودند از یک سن نسبتا مشابه و با نیاز نسبتا یکسان که در یک زمان به طور جمعی اعلام نیاز می‌کردند. تغییرات در گروه‌های سنی و توزیع نسبی آنها، اهمیت زیادی دارد، زیرا هر گروه سنی به گونه متفاوتی عمل می‌کند و پیامدهای اقتصادی متفاوتی بر جای می‌گذارد. بزرگسالان نیروی کار و پس‌انداز را تامین می‌کنند و سالخوردگان نیازمند مراقبت‌های بهداشتی و درآمد دوران



بازنشستگی هستند. هنگامی که اندازه نسبی هر کدام از این گروه‌ها در جمعیت تغییر یابد، شدت این رفتارهای اقتصادی هم تغییر خواهد یافت که این موضوع برای چشم‌انداز رشد درآمد یک کشور و نیز سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی اهمیت اساسی دارد.

در جمعیت‌شناسی مفهومی به نام پنجره جمعیتی رایج است که بیانگر تغییرات ساخت سنی می‌باشد. در مرحله پنجره جمعیتی، بخش قابل توجهی از جامعه در سنین فعالیت یعنی ۶۴-۱۵ ساله قرار می‌گیرند که در صورت توجه می‌تواند رشد اقتصادی یک کشور را افزایش دهد. ساختار سنی جمعیت، با توجه به رفتار اقتصادی متفاوت افراد در مسیر و مراحل مختلف زندگی، می‌تواند اثرات قابل توجهی در عملکرد اقتصادی یک جامعه داشته باشد. در هر یک از مراحل انتقال ساختار سنی، با توجه به این‌که کدام یک از گروه‌های سنی در اکثریت باشند، نوع و کم و کیف نیازهای اجتماعی و جمعیتی تغییر می‌کند. دوره‌ها و مراحل مختلف گذار ساختار سنی جمعیت، شرایط، مسائل و فرصت‌های متفاوتی را به همراه خواهد داشت. پنجره جمعیتی در یک کشور می‌تواند در فعالیت‌های اقتصادی هم اثرگذار باشد. در واقع، تمایل به پس‌انداز بین سنین ۶۴-۴۰ ساله بیشتر می‌شود چرا که کمتر احتمال دارد در فرزندانشان سرمایه‌گذاری کنند و به این صورت نیاز برای تدارک دوران بازنشستگی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. بنابراین، هنگامی که تعداد زیادی از افراد دوره افزایش مولید ورود به سن ۴۰ سالگی را آغاز می‌کنند، پس‌انداز ملی افزایش می‌یابد که این خود منبع بالقوه‌ای برای فعالان عرصه اقتصادی است.

این تغییر و تحولات جمعیتی در کشور ما در دهه‌های اخیر به سرعت و شدت رخ داده و پیامدهای اقتصادی زیادی را از جهت تولید و مصرف کالاها به همراه داشته‌است. به طور طبیعی نیازهای گروه‌های مختلف سنی با یکدیگر متفاوت است. انتظار این است که نیازهای یک فرد ۷۰ ساله با نیازهای یک فرد ۳۰ ساله تفاوت چشم‌گیری داشته باشد. در کشور ما نیز سهم گروه‌های مختلف جمعیتی در حال تغییر است و به دنبال آن میزان تقاضا نیز برای محصولات مختلف، تابعی است از این تغییرات. شناخت تغییرات و شناخت نوع و الگوی مصرف این افراد فرصت ایده‌آلی است برای آن دسته از تولیدکنندگانی که علاقمند برنامه‌ریزی طولانی‌مدت و کسب سود و بازار در بلندمدت می‌باشند.

به طور خلاصه، دو متغیر سن و جنس از متغیرهای کلیدی جمعیت‌شناختی مؤثر در تقاضا و مصرف هستند و بازار را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بر اساس متغیر سن می‌توان بازار را بر اساس سن مصرف‌کنندگان تقسیم‌بندی می‌کند. این بدان خاطر است که فرض می‌شود که انواع نیازها





و علایق مصرف‌کنندگان به موازات تغییرات سن، تغییر می‌کند. به هر حال، توجه داشته باشید که یک کودک درخواست اسباب‌بازی دارد در حالی که نوجوان تمایل به همراهی با آخرین مدها و روند تغییرات آن را دارد. علاوه بر این، برخی بخش‌های سنی، قدرت خرید بیشتری نسبت به دیگران دارند. با در نظر گرفتن این مورد، در ایران در سال‌های دهه ۶۰ تعداد بسیار زیادتری از نسل وجود داشت که الان یک گروه بالقوه مهم در بازار و روندهای آن هستند. پس یک تاجر موفق باید این گروه قدرتمند را در نظر بگیرد. اینها یک گروه هدف بسیار مهم هستند. جنس نیز اهمیت زیادی دارد. این متغیر، مصرف‌کنندگان را به دو بخش تقسیم می‌کند: بازار مصرف زنان و مردان. چون علایق، سلایق، آرزوها و نیازهای این دو گروه با هم متفاوت است، بازار هنگام طراحی و پیاده‌سازی استراتژی‌های خود این را به طور جدی مد نظر قرار می‌دهد.









فوت یا به عبارتی مرگ‌ومیر، از عوامل مؤثر در حرکات جمعیتی است و منظور از آن در کاربرد عرفی، همان پایان یافتن حیات انسانی و در جمعیت‌شناسی، مجموعه مرگ‌هایی است که در یک جامعه یا گروه اجتماعی در یک سال معین اتفاق می‌افتد. در مطالعات جمعیت‌شناسی، تعداد واقعه مرگ در زمان‌های معین از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. با استفاده از داده‌های مربوط به فوت، میزان‌های مختلفی محاسبه می‌شوند که می‌توانند مبنای بسیاری از محاسبات دیگر در مطالعات جمعیت‌شناسی به‌ویژه در برآوردها و پیش‌بینی‌های جمعیتی باشند. میزان مرگ‌ومیر، یکی از شاخص‌های عام در مطالعات جمعیت‌شناسی است. این میزان در اغلب کشورهای در حال توسعه، رو به کاهش بوده و در گذشته در سطح بالائی قرار داشته‌است. کشورهای اروپای شمالی و غربی و همچنین کشورهای آمریکای شمالی، در پایین آوردن میزان مرگ‌ومیر پیشگام بوده‌اند. در سایر کشورها نیز با بهبود وضع بهداشت و همگانی شدن واکسیناسیون‌ها، میزان مرگ‌ومیر رو به کاهش گذاشته‌است.

#### ۶-۱- میزان خام مرگ‌ومیر<sup>۱</sup>

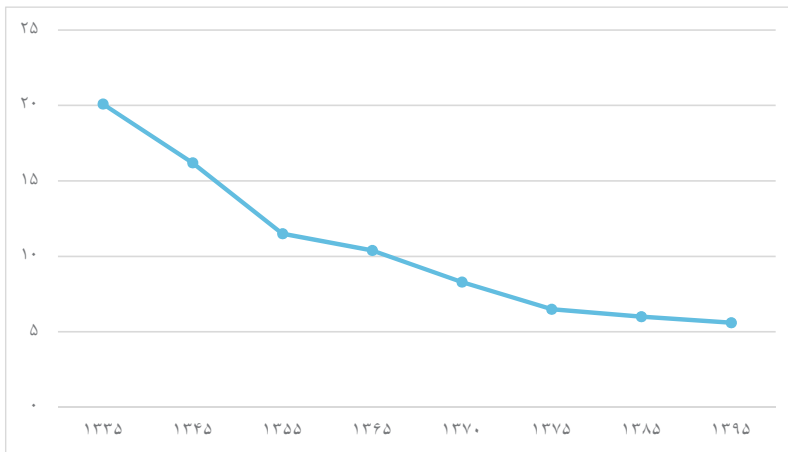
میزان مرگ‌ومیر خام که شدت مرگ یک جامعه را در مدت یکسال نشان می‌دهد از تقسیم تعداد مرگ‌هایی که در جمعیت آن جامعه در یکسال اتفاق می‌افتد، بر تعداد جمعیت آن جامعه در وسط همان سال به‌دست می‌آید و برای سهولت بیان آن را در ۱۰۰۰ ضرب کرده و حاصل را به در هزار می‌خوانند. این میزان بدون در نظر داشتن سن و جنس و سایر خصوصیات فردی فوت‌شدگان محاسبه می‌شود. توضیح اینکه میزان خام مرگ‌ومیر برای اندازه‌گیری رشد طبیعی جمعیت لازم بوده و شاخص خوبی برای مقایسه وضع سلامت و بهداشت در جامعه نمی‌باشد. جدول ۶-۱ و شکل ۶-۱ میزان خام مرگ‌ومیر جمعیت کشور را که با روش‌های غیرمستقیم و با استفاده از داده‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن محاسبه شده، نشان می‌دهد.

جدول ۶-۱- میزان خام مرگ‌ومیر کشور در سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ (در هزار)

شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۵
میزان خام مرگ‌ومیر	۲۰/۱	۱۶/۲	۱۱/۵	۱۰/۴	۸/۳	۶/۵	۶/۰	۵/۶

بدین ترتیب، این میزان در طول زمان، به سرعت روبه کاهش نهاده است ارتقای سطح بهداشت عمومی و جوان تر شدن ساختار سنی جمعیت از عوامل عمده این کاهش بوده است.

شکل ۶-۱- میزان خام مرگومیر کل کشور از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵



### ۲-۶- میزان مرگومیر اختصاصی<sup>۲</sup>

افراد هر جامعه‌ای از تعدادی مرد و زن در سنین مختلف و با وضع اقتصادی و اجتماعی متفاوت تشکیل یافته‌اند که در قبال مقوله‌هایی چون مرگ، تولد، بیماری و غیره تفاوت‌های زیادی با هم دارند و به همین دلیل، میزان‌های خامی که برای کل جمعیت در این جوامع محاسبه شوند، از نظر مقایسه‌ای کاملاً گویا نبوده و بیشتر از تفاوت در ساختار سنی و جنسی جامعه تأثیر می‌پذیرند. برای رفع این اشکال، معمولاً جمعیت را در گروه‌های خاص قابل قیاس، رده‌بندی می‌کنند و به محاسبه میزان‌ها در آن رده‌ها می‌پردازند که آن‌ها را میزان اختصاصی می‌نامند.

### ۳-۶- میزان مرگومیر ویژه سنی<sup>۳</sup>

برای محاسبه این میزان جامعه را به گروه‌های سنی تقسیم کرده تعداد مرگومیرهای سالانه آن گروه‌ها را به میانگین جمعیت آن گروه‌ها در همان سال تقسیم کرده و میزان اختصاصی مرگومیر آن گروه‌ها را به دست می‌آورند. در این گزارش، آن دسته از میزان‌های مرگومیر سنی که در

2. Specific Death Rates  
3. Age Specific Death Rate

ارتباط با وضعیت بهداشتی و سلامت و توسعه‌ای می‌باشند، میزان‌های مربوط به ایران ارایه می‌شوند.

#### ۴-۶- میزان مرگ‌ومیر کودکان کمتر از یکساله<sup>۴</sup>

از شاخص‌هایی که تا حدودی بیانگر وضع بهداشتی کشورها است، میزان مرگ‌ومیر اطفال کمتر از یکساله می‌باشد. این شاخص عبارت است از تعداد سالانه مرگ‌ومیر نوزادان کمتر از یکساله در بین هر هزار مولید زنده به دنیا آمده. این میزان یکی از شاخص‌های مهم توسعه محسوب می‌شود.

طبق برآوردی که در سال ۱۳۳۵ از میزان مرگ‌ومیر کودکان کمتر از یکساله شده، این میزان بیش از ۱۷۰ در هزار بوده و در سال ۱۳۹۵ به ۲۱ در هزار رسیده و طی یک دوره ۶۰ ساله از ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۵، به طور قابل ملاحظه‌ای از آن کاسته شده‌است. جدول و شکل شماره ۶-۲ روند میزان مرگ و میر کودکان کمتر از یکساله کشور را نشان می‌دهد.

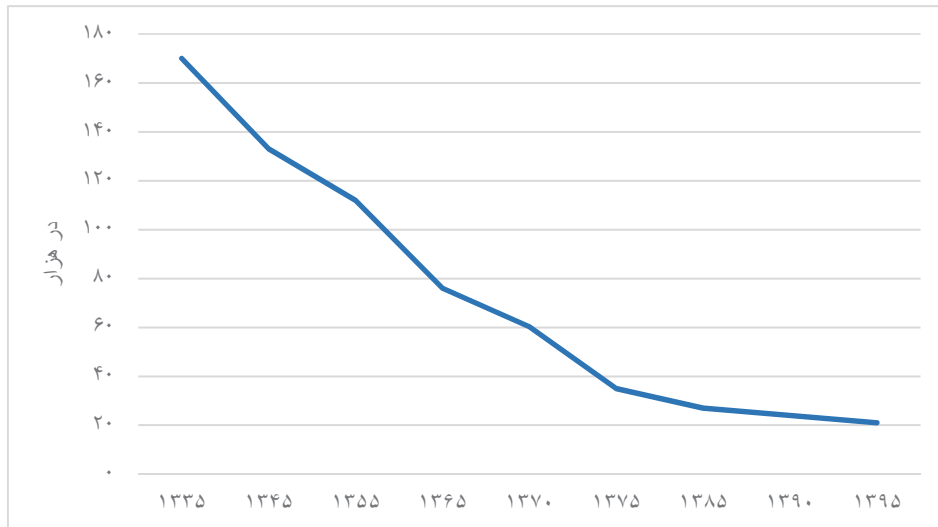
جدول ۶-۲- میزان مرگ‌ومیر کودکان کمتر از یکسال کل کشور از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵<sup>۵</sup> (در هزار)

شرح	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
میزان مرگ‌ومیر اطفال	۱۷۰	۱۳۳	۱۱۲	۷۶	۶۰٫۳	۳۵	۲۷	۲۴	۲۱

#### 4. Infant Mortality Rate

۵. بر اساس نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ با استفاده از روش غیرمستقیم محاسبه شده‌است.

شکل ۶-۲- میزان مرگ‌ومیر کودکان کمتر از یک‌ساله کل کشور از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵



#### ۶-۵- میزان مرگ‌ومیر کودکان ۰-۴ ساله<sup>۶</sup>

این میزان یکی از شاخص‌های مهم توسعه محسوب می‌شود و تغییرات آن، هم متأثر از مجموعه شرایط محیطی (بهداشتی، درمانی، وضع تغذیه، سطح آگاهی و پیشرفت‌های فنی) است. شاخص مرگ‌ومیر کودکان زیر ۵ سال، از جمله شاخص‌های مهم دنیا در حوزه‌های توسعه‌یافتگی و سطح بهداشت به حساب می‌آید که هر سال توسط سازمان‌های مختلفی از جمله سازمان بهداشت جهانی (WHO) و سازمان عملکرد محیط‌زیست (EPI) مورد مطالعه و اندازه‌گیری قرار می‌گیرد. در حال حاضر سالانه حدود ۶/۶ میلیون نفر کودک کمتر از پنج‌ساله در دنیا می‌میرند. سازمان عملکرد محیط‌زیست، در سال ۲۰۱۴، کشورهای دنیا را برحسب شاخص سلامت با احتمال مرگ‌ومیر کودکان زیر ۵ سال رتبه‌بندی کرده است. این رتبه‌بندی براساس مرگ‌ومیر کودکان زیر ۵ سال در هر هزار تولد است. امتیازها در این تحقیق از ۱۰۰ محاسبه می‌شود. در این طبقه‌بندی، ایران در بین ۱۷۸ کشور دنیا با ۶۴/۳۴ امتیاز از ۱۰۰ امتیاز رتبه ۱۰۴ ام جهان را به خود اختصاص داده‌است. به گزارش سازمان جهانی بهداشت، هر سال از هر هزار تولد در ایران، ۱۸ کودک زیر ۵ سال می‌میرند.



به گزارش EPI، اثرات سلامت با احتمال مرگ‌ومیر کودکان یک تا پنج ساله در ۱۰۰۰ کودک اندازه‌گیری می‌شود. در طول این زمان، علل مرگ به شدت تحت تأثیر عوامل محیطی از جمله آلودگی هوا، ذرات معلق در هوا و عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم قرار دارد. اما به هر حال، در رتبه‌بندی این سازمان، ۲۲ کشور دنیا، همزمان رتبه اول در شاخص مرگ‌ومیر کودکان با امتیاز ۱۰۰ را به خود اختصاص داده‌اند. کشورهایی که در بین آن‌ها نام‌های برونئی، اسلوانی، آلمان، پرتغال، انگلیس، فنلاند، کانادا، سنگاپور، استرالیا، ایتالیا و جمهوری چک دیده می‌شود.

رتبه ۲۳ام، یعنی اولین کشور بعد از امتیاز صدی‌ها، بلژیک با امتیاز ۹۹/۶۵ است. بعد از آن ژاپن با ۹۹/۲ امتیاز قرار گرفته است. ایالات متحده آمریکا با امتیاز ۹۵/۳۳ در رتبه ۳۵ از این رده بندی جای داشته‌است.

در شاخص مرگ‌ومیر کودکان زیر ۵ سال، کشورهای عربستان سعودی، قطر، روسیه، چین، عراق، ونزوئلا، ترکیه و پاکستان وضعیت بهتری از ایران داشته‌اند و کشورهایمانند کلمبیا، ویتنام، بنگلادش، هند، پاپوا گینه نو، هند و افغانستان وضعیتشان بدتر از ایران بوده‌است. کشور مالی با ۹/۷ امتیاز در آخرین ردیف این طبقه‌بندی قرار داشته‌است.

## ۶-۶- مرگ‌ومیر مادری<sup>۷</sup>

میلیون‌ها مادر و کودک هر سال به علت حاملگی، زایمان و یا در اوان تولد نوزاد جان خود را از دست می‌دهند. میزان مرگ‌ومیر مادران خطرات ناشی از باروری و زایمان را نشان می‌دهد این میزان، با بالا بردن سطح خدمات بهداشتی مربوط به زنان باردار، به‌طور محسوسی پائین می‌آید. از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی ضرورت توسعه بهداشت مادر و کاهش مرگ‌ومیر مادران، مسئله کلیدی چندین نشست و کنفرانس بین‌المللی بوده‌است. همچنین یکی از هشت هدف توسعه هزاره (MDG) در نشست هزاره سال ۲۰۰۰ نیز به توسعه سطح بهداشت مادر اختصاص داشته است. و در ۲۰۱۵ میزان این شاخص برای ایران در حدود ۳۰ در صد هزار نوزاد زنده گزارش شده‌است.

## ۶-۷- میزان‌های مرگ برحسب علت<sup>۸</sup>

بررسی مرگ‌ومیر برحسب علت پایه و اساس سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های بهداشتی و درمانی است. طبقه‌بندی مرگ‌ها بر مبنای اطلاعات مندرج در گواهی‌نامه‌های فوت صورت می‌گیرد. در گواهی‌نامه‌های فوت، علت‌های متعددی برای مرگ ذکر می‌شود شمار آن‌ها بسیار زیاد است باید آن‌ها را طبقه‌بندی کرد. سازمان بهداشت جهانی طبقه‌بندی استاندارد را، تحت عنوان «فهرست بین‌المللی علت‌های مرگ»، معرفی کرده است. استفاده از این طبقه‌بندی توسط کشورها، آمارهای مرگ را برحسب علت، در سطح بین‌المللی تطبیق‌پذیر می‌سازد. این فهرست مفصل شامل ۹۹۹ طبقه است. واضح است که آشنایی پزشکان با این فهرست به تشخیص علت اصلی مرگ و اعلام روشن آن در گواهی‌نامه‌های فوت کمک می‌کند؛ ولی این فهرست برای استفاده جمعیت‌شناختی باید خلاصه شود. در واقع، سازمان ملل در سالنامه جمعیت، آمارهای مرگ برحسب علت را در طبقه‌بندی خلاصه شده‌ای مشتمل بر ۵۰ طبقه (در ویرایش هشتم) و ۵۵ طبقه (در ویرایش نهم) ارائه داده است.

علاوه بر طبقه‌بندی‌های مزبور، مرگ‌ها را می‌توان در دو طبقه وسیع تحت عنوان مرگ‌های درون‌زا و برون‌زا تقسیم کرد. به نظر شرایاک و سیگل مرگ‌های درون‌زا از ساختمان ژنتیکی فرد و از شرایط زندگی پیش از تولد و فرایند تولد ناشی می‌شوند و نوعاً دارای ویژگی‌های زیست‌شناختی می‌باشند، حال آن‌که مرگ‌های و میره‌های برون‌زا به دلایل محیطی و عوامل بیرونی پیش می‌آیند و بیشتر شامل مرگ‌ومیرهای ناشی از عفونت‌ها، تصادفات و عوارض محیطی هستند. این تقسیم‌بندی قراردادی است و برپایه دانش پزشکی زمان و یافته‌های علمی قابل تغییر است (۱۹۷۱: ۴۰۵).

شاخص‌های مرگ‌ومیر ابزار مناسبی جهت تعیین سلامت و بهداشت جامعه است. با آگاهی از علل مرگ و طبقه‌بندی آن‌ها می‌توان نسبت به کاهش موارد منجر به فوت اقدام و برنامه‌ریزی کرد. در ایران در سال ۱۳۹۱ اولین علت فوت بیماری‌های قلبی و عروقی (۳۷ درصد)، دومین علت سرطان‌ها (۸/۷ درصد) و سومین مورد حوادث غیرعمد (۷/۷ درصد) بوده است. این نسبت‌ها در سال ۱۳۹۲ رو به افزایش بوده است. جدول ۵-۳ توزیع مرگ برحسب علت را در سال ۱۳۹۲ نشان می‌دهد.

جدول ۵-۳- تعداد و سهم نسبی فوت‌های سال ۱۳۹۲ کشور برحسب علت فوت

درصد	تعداد	علت فوت	درصد	تعداد	علت فوت
۱/۴	۴۹۵۷	بیماری‌های دستگاه ادراری و تناسلی	۳۸/۶	۱۳۳۹۱۳	بیماری‌های قلبی و عروقی
۰/۹	۳۲۶۶	بیماری‌های سیستم خون‌ساز ایمنی	۹/۳	۳۲۴۱۵	سرطان‌ها و تومورها
۰/۱	۳۶۹	عوارض حاملگی و زایمان	۷/۳	۲۵۳۸۳	حوادث غیر عمدی
۰/۳	۱۰۱۸	بیماری‌های روانی و اختلال رفتاری	۶/۲	۲۱۵۴۷	بیماری‌های دستگاه تنفسی
۰/۲	۸۱۵	بیماری‌های اسکلتی عضلانی	۳/۲	۱۰۹۵۴	ناهنجاری‌های مادرزادی و کروموزومی
۰/۰	۹۵	بیماری‌های جلد و زیرجلد	۲/۷	۹۴۵۷	بیماری عفونی و انگلی
۱/۰	۳۴۲۸	سایر علت‌ها	۲/۳	۷۹۷۵	بیماری‌های سیستم عصبی
۱۱/۴	۳۹۴۹۹	علائم و حالات بد تعریف شده مبهم	۲/۰	۶۸۳۶	بیماری‌های دوران حول تولد
۹/۷	۳۳۸۲۱	نامعلوم	۱/۸	۶۱۲۸	بیماری‌های دستگاه گوارشی
۱۰۰/۰	۳۴۶۹۳۶	جمع	۱/۵	۵۰۶۰	بیماری‌های تغذیه و متابولیک

مأخذ: سازمان ثبت احوال کشور

### ۶-۸- امید زندگی در بدو تولد<sup>۹</sup>

امید زندگی در بدو تولد، یکی از شاخص‌های مهم جمعیتی در ارزیابی سطح توسعه‌یافتگی بوده و متوسط تعداد سال‌های عمری است که انتظار می‌رود که هر فرد از افراد جامعه از بدو تولد، تحت شرایط عادی مربوط به مرگ‌ومیر مربوط به زمان ولادت خود، زنده بماند. جدول شماره ۶-۴ روند امید زندگی در بدو مردان و زنان کشور را در ۴۰ سال اخیر را نشان می‌دهد.

جدول ۶-۴- امید زندگی در بدو تولد کل کشور، به تفکیک جنس در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵

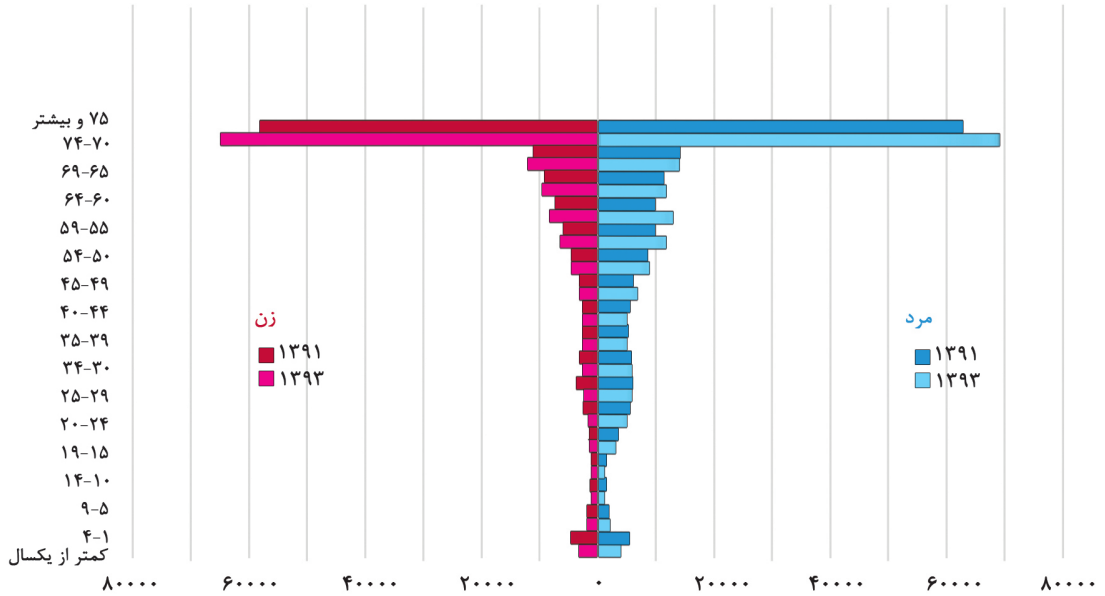
سال	مرد و زن	مرد	زن	تفاوت
۱۳۵۵	۵۴/۴	۵۳/۳	۵۵/۵	۲/۱
۱۳۶۰	۵۸/۰	۵۶/۹	۵۹/۲	۲/۳
۱۳۶۵	۶۱/۴	۶۰/۲	۶۲/۶	۲/۴
۱۳۷۰	۶۴/۵	۶۳/۳	۶۵/۸	۲/۵
۱۳۷۵	۶۷/۳	۶۶/۱	۶۸/۷	۲/۶
۱۳۸۰	۶۵/۵	۶۴/۳	۶۶/۸	۲/۵
۱۳۸۵	۶۹/۰	۶۷/۷	۷۰/۴	۲/۷
۱۳۹۰	۷۲/۰	۷۰/۷	۷۳/۴	۲/۸
۱۳۹۱	۷۲/۵	۷۱/۲	۷۳/۹	۲/۸
۱۳۹۲	۷۳/۱	۷۱/۷	۷۴/۵	۲/۸
۱۳۹۳	۷۳/۶	۷۲/۲	۷۵/۰	۲/۸
۱۳۹۴	۷۴/۱	۷۲/۷	۷۵/۵	۲/۸
۱۳۹۵	۷۴/۶	۷۳/۲	۷۶/۰	۲/۸

مأخذ: طه نوراللهی و دیگران، پژوهشکده آمار.

## ۶-۹- الگوی سنی و جنسی مرگ

توزیع مرگ و میر در کشور بر حسب سن و جنس در نمودار ۵-۳- ارائه شده است. بر اساس این نمودار مرگ و میر زنان در همه سنین کمتر از مرگ و میر مردان بوده است. براساس مطالعه‌ای که در پژوهشکده آمار با عنوان "مدل‌سازی و پیش‌بینی مرگ و میر در ایران: ۱۳۷۵-۱۴۲۰" انجام شده در سال ۱۳۹۰ کم پوششی ثبت فوت مردان ۷/۵ درصد و زنان ۱۸/۷ درصد بوده است. در فاصله سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۴، مرگ و میر جمعیت ۰-۴ ساله برای هر دو جنس کاهش یافته، در مقابل فوت‌های ۵۰ سال و بیشتر برای هر دو جنس افزایش یافته است. در گروه سنی جوان فوت‌ها عمدتاً بدلیل سوانح رانندگی روی می‌دهند و بیشتر در بین مردان جوان است. بنابراین لازم است تدابیر اساسی برای کاهش فوت در اثر سوانح رانندگی اندیشیده شود.

نمودار ۳-۶- هرم سنی فوت شدگان در کشور ایران در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳



مأخذ: سازمان ثبت احوال کشور، سالنامه آمارهای جمعیتی







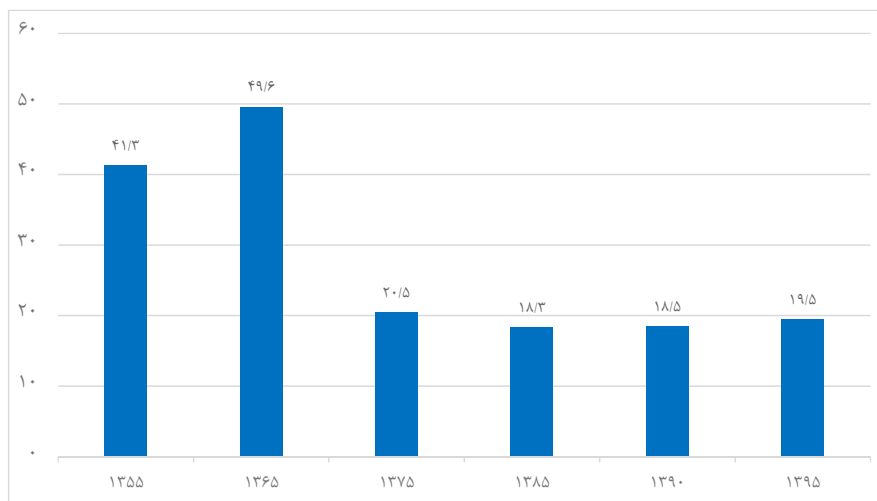


باروری یکی از مباحث عمده جمعیت‌شناسی و تنها عامل افزایش آن در مقیاس جهانی است. این موضوع در جمعیت‌شناسی نه از دید پزشکی و فیزیولوژیک، بلکه بیشتر از دید آماری و تأثیری که بر روی تعداد و ساختار جمعیت می‌گذارد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. باروری مهم‌ترین عامل اثرگذار در تغییر و تحول جمعیت است. کاهش مستمر آن اغلب به کاهش تعداد موالید و در نتیجه کاهش تعداد جمعیت از سنین پایین‌تر و افزایش آن در وهله اول، به گسترش گروه‌های کم سال و سپس همه گروه‌های سنی منجر می‌شود و تغییر تدریجی ساختار جمعیت را به بار می‌آورد.

### ۷-۱- میزان خام موالید<sup>۱۰</sup>

واقعه تولد که برای جمعیت در معرض آن (مادران) واقعه‌ای قابل تکرار محسوب می‌شود، یکی از وقایع محوری و کلیدی و از عناصر مهم رشد جمعیت است. تولد در واقع به معنی به دنیا آمدن یک مولود زنده است و مولود زنده در جمعیت‌شناسی فردی است که پس از تولد یکی از علائم حیات را دارا باشد. میزان موالید فراوانی یا شدت زاد و ولد را نسبت به کل جمعیت می‌سنجد و از تقسیم تعداد موالید زنده تولد شده جامعه در طول یک سال تقویمی، به میانگین جمعیت آن جامعه در همان سال به دست می‌آید. یکی از ویژگی‌های باروری زنان در ایران، کاهش شدید سطح باروری و به تبع آن کاهش میزان موالید در دهه‌های اخیر است. این میزان از حدود ۴۰ در هزار در آغاز سال‌های اولیه انقلاب اسلامی به حدود ۱۹/۵ در هزار در حوالی سال ۱۳۹۵ رسیده و یکی از شدیدترین کاهش‌ها را در میان کشورهای پرجمعیت جهان، آن هم، در یک مدت کوتاه ۲۵ ساله از ۱۳۷۰ به بعد، داشته‌است.

شکل ۷-۱- میزان خام مولید در ایران از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۵ (در هزار)<sup>۱۱</sup>



## ۷-۲- میزان باروری ویژه سنی<sup>۱۲</sup>

اگر تعداد مولید زنده تولد شده سالانه یک گروه سنی از زنان واقع در دوران باروری را به میانگین تعداد زنان همان گروه سنی در همان سال تقسیم کنند، میزان باروری خاص آن گروه سنی به دست می‌آید. با توجه به آنکه دوران باروری از هفت گروه سنی پنج‌ساله منظم تشکیل می‌شود، می‌توان هفت محاسبه جداگانه در این مورد انجام داد. امروزه برای ارزیابی و تنظیم سیاست‌های مربوط به رشد جمعیت نه تنها به اطلاعات مربوط به تعداد مولید، بلکه به سری زمانی بر حسب تعداد، اندازه و سن زنانی که باروری داشته‌اند، نیاز است تا بتوان میزان‌های باروری ویژه سنی را به دست آورد، نتایج این محاسبات در جمعیت زنان کشور، در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۰ مطابق جدول ۷-۱ و شکل ۷-۲ است.

میزان باروری گروه‌های ویژه‌ی سنی در ایران در طی ۳۸ سال اخیر تغییرات قابل ملاحظه‌ای را نشان می‌دهد. این میزان‌ها از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ برای همه‌ی گروه‌های سنی کاهش یافته است. نکته قابل توجه این است که از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۷۵، اوج باروری در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله بوده که در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ به گروه سنی ۲۹-۲۵ سال انتقال یافته است. در این سال‌ها، کاهش میزان باروری عمومی از سنین ۳۵ ساله به بعد، به‌طور محسوسی سرعت یافته است. به نظر می‌رسد که تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی و فرهنگی کشور نقش مهمی در این زمینه

۱۱. بر اساس ارقام محاسبه شده توسط مرکز آمار ایران در سال‌های مختلف سرشماری

داشته‌است اجرای سیاست‌های دور دوم تنظیم خانواده توسط دولت، افزایش سطح سواد و تحصیلات در کشور به ویژه سطح سواد بانوان، بالا رفتن سن ازدواج، گسترش شهرنشینی، افزایش هزینه‌های زندگی در اثر تورم اقتصادی، تمایل بیشتر زنان برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و کار خارج از منزل و بالاخره تغییر نگرش افراد جامعه نسبت به کاهش تعداد فرزند و در مقابل اهمیت یافتن بعد کیفی آموزش و پرورش فرزندان در سال‌های اخیر، می‌توانند از عوامل عمده اثرگذار بر این رویداد باشند.

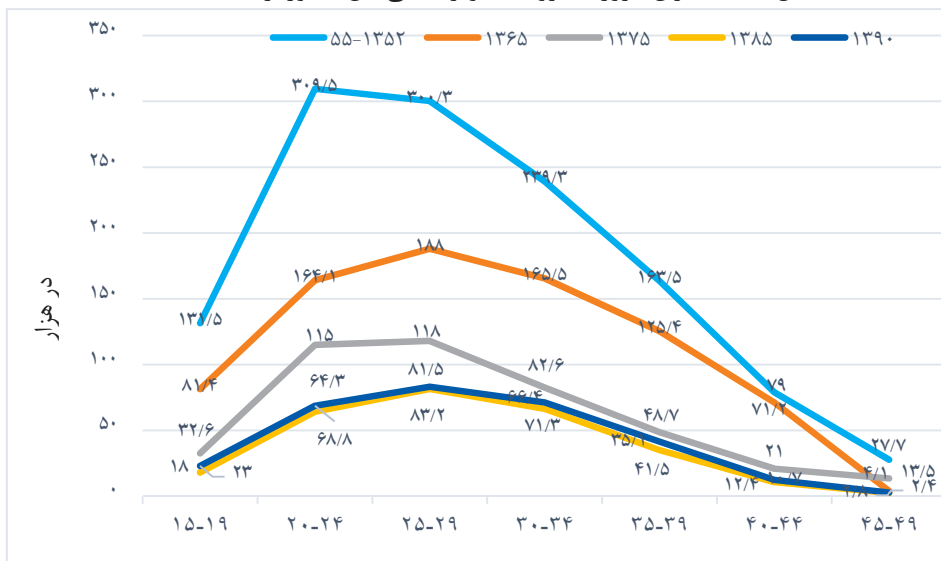
شایان ذکر است که در گذشته، میزان‌های باروری عمومی گروه‌های ویژه‌ی سنی در نقاط شهری و روستایی الگوهای متفاوتی داشته‌اند، به گونه‌ای که باروری زنان در مناطق روستایی بیشتر به الگوی طبیعی نزدیکتر بوده و در جامعه شهری از حالت از الگوی طبیعی به الگوی مالتوسی گرایش داشته است. از حوالی سال‌های ۱۳۸۰ به بعد تفاوت‌ها به تدریج از میان رفته و الگوهای شهری و روستایی به هم نزدیک‌تر شده‌است.

جدول ۷-۱- میزان باروری گروه‌های ویژه سنی، کشور و به تفکیک مناطق شهری و روستایی از ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۰ (در هزار)

شرح	۱۳۵۲-۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
<b>کل کشور</b>					
۱۵-۱۹	۱۳۲	۸۱	۳۳	۱۸	۲۳
۲۰-۲۴	۳۱۰	۱۶۴	۱۱۵	۶۴	۶۹
۲۵-۲۹	۳۰۰	۱۸۸	۱۱۸	۸۲	۸۳
۳۰-۳۴	۲۴۰	۱۶۶	۸۳	۶۶	۷۱
۳۵-۳۹	۱۶۴	۱۲۵	۴۹	۳۵	۴۲
۴۰-۴۴	۷۹	۷۱	۲۱	۱۱	۱۲
۴۵-۴۹	۲۸	۴۱	۱۴	۲	۳
<b>شهری</b>					
۱۵-۱۹	۱۱۱	۷۹	۲۸	۱۴	۱۸
۲۰-۲۴	۲۵۲	۱۷۴	۱۰۴	۵۸	۶۱
۲۵-۲۹	۲۱۷	۱۷۸	۱۰۴	۷۷	۷۸
۳۰-۳۴	۱۴۷	۱۵۴	۷۲	۶۲	۶۸
۳۵-۳۹	۱۰۰	۱۱۴	۴۰	۳۱	۳۸
۴۰-۴۴	۴۶	۶۱	۱۶	۹	۱۱
۴۵-۴۹	۱۲	۱۷	۱۳	۲	۲
<b>روستایی</b>					
۱۵-۱۹	۱۵۰	۸۴	۴۰	۲۵	۳۵
۲۰-۲۴	۳۶۲	۱۵۴	۱۳۲	۷۹	۸۹
۲۵-۲۹	۳۶۸	۲۰۲	۱۴۴	۹۲	۹۷
۳۰-۳۴	۳۱۱	۱۸۰	۱۰۴	۷۸	۸۲
۳۵-۳۹	۲۱۶	۱۳۸	۶۶	۴۵	۵۱
۴۰-۴۴	۱۰۶	۸۲	۳۱	۱۵	۱۷
۴۵-۴۹	۴۱	۳۲	۱۵	۳	۴

۱۳. ارقام دوره ۱۳۵۲-۵۵ بر اساس طرح اندازه‌گیری رشد جمعیت ایران در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵ محاسبه شده است. ارقام مربوط به سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن و ارقام سال ۱۳۷۵ بر اساس نتایج طرح باروری- مرگ و میر ۱۳۷۵ مرکز آمار ایران محاسبه شده است.

شکل ۷-۲- میزان باروری گروه‌های ویژه سنی کل کشور از ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰



### ۷-۳- میزان باروری کل

برای بررسی بعد دیگری از روند تغییرات جمعیت، علاوه بر میزان ولادت می‌توان شاخص دیگری به نام میزان باروری کل را به کار گرفت این میزان میانگین تعداد فرزندان است که یک زن در طول دوران باروری خود (معمولاً از ۱۵ تا ۴۹ سال سن) به دنیا می‌آورد.

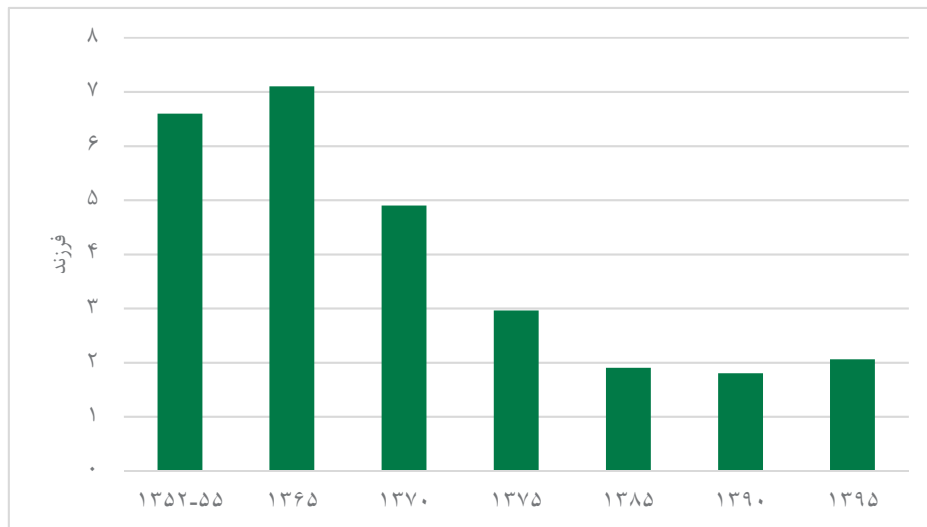
لازم به یادآوری است که ایران در نیمه دوم قرن بیستم تحولات چشمگیری را در زمینه باروری تجربه نموده است. باروری تا دهه ۱۳۴۰ نسبتاً ثابت و درحد بالایی بوده و از نیمه دوم دهه ۱۳۴۰ با شروع دور اول برنامه‌های تنظیم خانواده، در آستانه انتقال قرار گرفت و تا نیمه اول دهه ۱۳۵۰ رو به کاهش گذاشت و در اوان انقلاب اسلامی تا حدودی افزایش یافت؛ اما مجدداً پس از مدت کوتاهی در سال‌های پایانی دهه ۱۳۶۰ شروع به کاهش کرد.

محاسبات مختلف میزان باروری کل زنان را برای سال‌های ۱۳۸۵ به بعد بین ۱/۶ تا ۱/۹ نشان می‌دهد. این تفاوت‌ها ناشی از چگونگی نگرش به آمار و ارقام از یک طرف و روش‌های مورد استفاده برای برآورد باروری از طرف دیگر است و این ارقام در مقایسه با میزان باروری کل برآورد شده برای سال ۱۳۷۵ (۲/۹۶ فرزند)، کاهش محسوسی را نشان می‌دهد. کاهشی که هم منطقه شهری و هم در منطقه روستایی (جدول ۷-۲) پیش آمده‌است.

جدول ۷-۲- میزان باروری کل کشور به تفکیک مناطق شهری و روستایی از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۵<sup>۱۴</sup>

روستایی	شهری	کل	شرح
۸/۱	۴/۵	۶/۶	۱۳۵۲-۵۵
۹/۰	۵/۹	۷/۱	۱۳۶۵
۵/۸	۴/۳	۴/۹	۱۳۷۰
۴/۱۰	۲/۶۰	۲/۹۶	۱۳۷۵
۲/۱	۱/۸	۱/۹	۱۳۸۵
۲/۵۶	۱/۸۹	۲/۰۶	۱۳۹۵

شکل ۷-۳- میزان باروری کل کشور از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۵



#### ۷-۴- سطح جانشینی

سطح جانشینی با تعداد دخترانی که یک زن در طول دوران باروری خود به دنیا می‌آورد، سنجیده می‌شود. این شاخص از حاصلضرب میزان کل باروری در ضریب دخترزایی به دست می‌آید. این ضریب از تقسیم تعداد دختران به کل فرزندان طول عمر یک زن حاصل می‌شود. با نزدیک‌تر شدن سطح جانشینی به یک، میزان رشد طبیعی جمعیت نیز پایین می‌آید و سرانجام به صفر می‌رسد و این بدان معنی است که در امر باروری یک دختر جایگزین یک زن می‌شود. اندازه خام

۱۴. بر اساس ارقام محاسبه شده توسط مرکز آمار ایران در سال‌های مختلف سرشماری

این سطح تقریباً معادل میزان باروری کل ۲/۱ فرزند به هنگام تولدها است؛ لیکن ملاک واقعی باید رسیدن یک دختر به سن تجدید نسل (۲۸ تا ۲۹ سالگی در حوالی سال ۱۳۹۰ در ایران) باشد که عملاً نقش جایگزینی را پیدا می‌کنند و می‌توانند جایگزین مادران در امر باروری باشند.

#### ۷-۵- تغییر در الگوی باروری

برای بررسی تغییر در الگوی باروری می‌توان مقادیر مربوط به میزان‌های باروری کنونی ( $f_i$ ) را در یک دوره‌ی زمانی مورد مقایسه قرار داد. جدول ۷-۴ تغییرات میزان باروری کنونی را برحسب گروه‌های ویژه‌ی سنی زنان واقع در سن باروری به تفکیک نقاط شهری و روستایی در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهد.

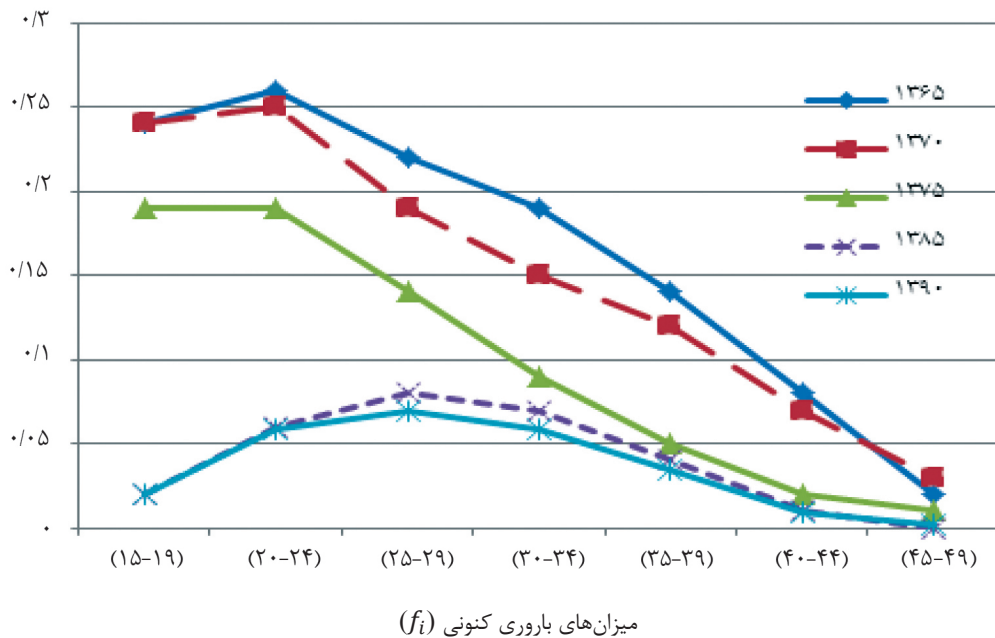
جدول ۷-۳- میزان باروری کنونی زنان واقع در سن باروری برحسب گروه‌های سنی و به تفکیک مناطق شهری و روستایی از ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰<sup>۱۵</sup>

۱۳۹۰		۱۳۸۵		۱۳۷۵		۱۳۷۰		۱۳۶۵		میزان‌های باروری کنونی ( $f_i$ )
روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	
۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۲۰	۰/۱۸	۰/۲۵	۰/۲۳	۰/۲۴	۰/۲۴	(۱۵-۱۹)
۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۰۸	۰/۰۶	۰/۲۳	۰/۱۷	۰/۲۹	۰/۲۱	۰/۲۸	۰/۲۴	(۲۰-۲۴)
۰/۰۸	۰/۰۶	۰/۰۹	۰/۰۸	۰/۱۸	۰/۱۲	۰/۲۵	۰/۱۶	۰/۲۶	۰/۲۰	(۲۵-۲۹)
۰/۰۷	۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۰۷	۰/۱۲	۰/۰۸	۰/۲۱	۰/۱۷	۰/۲۳	۰/۱۶	(۳۰-۳۴)
۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۷	۰/۰۴	۰/۱۷	۰/۰۹	۰/۱۸	۰/۱۲	(۳۵-۳۹)
۰/۰۱	۰/۰۱	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۳	۰/۰۲	۰/۱۰	۰/۰۵	۰/۱۰	۰/۰۶	(۴۰-۴۴)
۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۳	۰/۰۲	(۴۵-۴۹)

۱۵. ارقام سال ۱۳۷۰ بر اساس نتایج طرح آمارگیری جاری جمعیت ایران و ارقام مربوط به سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ بر اساس نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن و ارقام سال ۱۳۷۵ براساس نتایج طرح آمارگیری باروری- مرگ و میر ۱۳۷۵ محاسبه شده است.

از جدول ۳-۷ و شکل ۴-۷ می‌توان چنین نتیجه گرفت که: در فاصله‌ی زمانی ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ میزان باروری کنونی در تمام گروه‌های سنی به مقدار قابل توجه‌ای کاهش یافته‌است. گرچه شدت تغییرات در تمام این دوره‌ها در سنین جوان‌تر ۱۵ تا ۲۴ ساله بوده، اما در سال ۱۳۷۰ و به ویژه در سال ۱۳۷۵ کاهش میزان باروری کنونی از گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله به بالا از شتاب بیشتری برخوردار شده‌است و همان‌طور که شکل ۴-۶ نشان می‌دهد، در سال ۱۳۶۵ منحنی میزان باروری کنونی به شکل محدب بوده، در سال ۱۳۷۰ مقداری از حالت تحدب آن کاسته شده و در سال ۱۳۷۵ به طور کامل از شکل اولیه خارج شده‌است. از این رو می‌توان گفت که در سال ۱۳۶۵، الگوی باروری ایران در وضعیت الگوی باروری طبیعی یا جوامع «غیرمالتوسی» قرار داشته، در سال ۱۳۷۵ به الگوی جوامع «مالتوسی» نزدیک‌تر شده و در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰، به الگوی «مالتوسی» یا جوامع دارای باروری کنترل شده تغییر شکل داده‌است.

شکل ۴-۷- روند تغییرات میزان باروری کنونی، کل کشور از ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰





## ۷-۶- میانگین سن فرزندزایی<sup>۱۶</sup>

شاخصی برای تعیین میانگین سن زنان به هنگام فرزندزایی است و جدول ۷-۴ روند میانگین سن بچه آوری زنان کشور، مناطق شهری و روستایی را نشان می‌دهد.

جدول ۷-۴- میانگین سن فرزندزایی زنان در جمعیت کشور به تفکیک شهری و روستایی در سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰<sup>۱۷</sup>

شرح	کشور	شهری	روستایی
۱۳۶۵	۲۹/۹۷	۲۹/۴۴	۳۰/۴۴
۱۳۷۵	۲۸/۸۶	۲۸/۷۱	۲۹/۱۷
۱۳۸۵	۲۸/۷۹	۲۸/۹۵	۲۶/۲۰
۱۳۹۰	۲۸/۴۵	۲۸/۶۱	۲۸/۲۰

### جمع‌بندی

بارداری و تولد فرزند محرکی برای دستیابی به خدمات بهداشتی و شکل‌گیری تقاضا برای نیازهای دوران بارداری، تولد کودک نیاز به کودکان مانند اسباب‌بازی‌های مختلف کالسکه و صندلی برای استفاده از آن در داخل اتومبیل و غیره است. فضای زندگی برای کودکان در خانواده موجب ایجاد تقاضا برای خانه بزرگتر، اسباب و اثاثیه بیشتر و وسایل رفاهی افزونتر می‌شود. گفتنی است که نیازهای بازار برای تهیه خوراک و غذای کودک و نظایر آن وابسته به میزان مولید است. علاوه بر آن روند باروری روی تقاضا برای کالاهای چون مراقبت از کودک و خدمات آموزشی مؤثر است. این عناصر موجب ظهور بازارهای ویژه اعم از غذای کودک از انواع مختلف لباس، کفش، آموزش و غیره می‌شوند همچنین لزوم تغییر و دگرگونی در نیاز خانه و خانواده و سایر اقلام از جمله حمل و نقل را یادآور می‌شود.

16. Mean Age at Child Bearing

۱۷. بر اساس نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ محاسبه شده است.







مهاجرت و بازتوزیع جمعیت، از پدیده‌های مهم اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. مهاجرت، نقش عمده‌ای در پویایی جمعیت، ویژگی‌های جمعیتی، ترکیب قومی و مذهبی جمعیت و نیز تحولات بازار کار ایفا می‌کند. اهمیت موضوع در حدی است که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران برای اهداف کنترل جمعیت، جهت‌دادن به جابه‌جایی‌های جمعیتی و نیز هدایت جمعیت به سوی قطب‌های مختلف اقتصادی به آن توجه دارند. مهاجرت را می‌توان از ابعاد گوناگون جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مورد مطالعه قرار داد. در جمعیت‌شناسی، آمارهای مهاجرت به ویژه در پیش‌بینی‌های جمعیتی، کاربرد وسیع‌تری دارند. در این گزارش شاخص‌های محاسبه‌شده برای ایران ارائه و تحلیل می‌شوند.

## ۸-۱- مهاجرت‌های داخلی

بررسی‌های جمعیتی نشان می‌دهد که مهاجرت به طور اعم و مهاجرت‌های داخلی به‌طور خاص از ویژگی‌های عمده جمعیتی کشورها است و به اشکال چهارگانه<sup>۱۸</sup> زیر صورت می‌پذیرد:

- از شهر به شهر

- از شهر به روستا

- از روستا به روستا

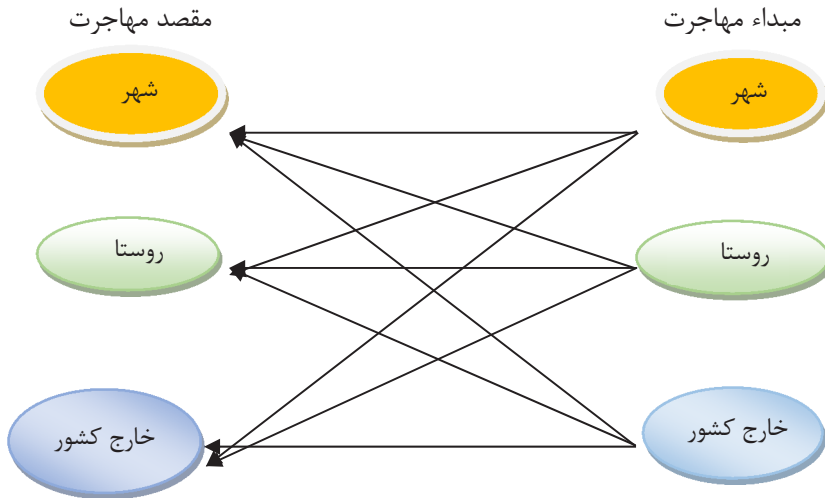
- از روستا به شهر

مهاجرت یکی از اهرم‌های اثرگذار بر بازتوزیع جمعیت در داخل کشور بوده و می‌تواند با توجه به عوامل بر انگیزنده مهاجرت از جمله فرصت‌های شغلی، دستمزدهای بهتر، امکانات تحصیلی و عمران و آبادانی منطقه‌ای جمعیت را به نواحی مورد نظر سوق دهد. در این زمینه قبلاً باید تعداد و ویژگی‌های افراد مهاجر را به درستی شناخت و با استفاده از آن‌ها به بازتوزیع جمعیت پرداخت.

---

۱۸. مهاجرت در ایران پدیده‌ی جدیدی نیست. در واقع طی چهار هزار سال گذشته، ایران میزبان موج‌های بزرگ مهاجرت بوده که آمیزه جمعیت فعلی کشور را شکل داده است.

شکل ۸-۱- مسیرهای مهاجرتی



## ۸-۲- مهاجرت‌های دوره‌ای

مقایسه‌ی تعداد مهاجران در دوره‌های ده ساله نشان می‌دهد که شمار مهاجران از حدود ۵/۸ میلیون نفر در سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ به کمی بیش از ۱۲ میلیون نفر در دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ افزایش یافته و در طول ۳۰ سال ۲/۱ برابر شده است. تعداد مهاجران در دوره‌ی پنج‌ساله‌ی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ هم نزدیک ۵/۵ میلیون نفر بوده است که نشان‌دهنده تشدید آهنگ مهاجرت‌های داخلی در طول دوره ۳۰ ساله مورد بحث و کاهش اندک آن در دوره پنج‌ساله بعدی است. وقوع انقلاب، جنگ تحمیلی، بحران و ناامنی در کشورهای همسایه و روندهای توسعه‌ای از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر افزایش تحرک جمعیت در کشور بوده‌اند.

نسبت تعداد متوسط مهاجران سالانه به جمعیت میان دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، ۱/۵۲ درصد بوده که حاکی از کاهش آهنگ سالانه‌ی جابجایی‌های جمعیت بوده و عوامل مختلفی می‌توانند آن را توجیه کنند که شاید مهم‌ترین آن‌ها رکود اقتصادی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ باشد.

جدول ۸-۱- تعداد مهاجران و میزان مهاجرت در فاصله سرشماری‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰

شرح	۱۳۵۵-۷۵	۱۳۷۵-۸۵	۱۳۸۵-۹۰
جمعیت پایان دوره (نفر)	۴۹۴۴۵۰۱۰	۶۰۰۵۵۴۸۸	۷۰۴۹۵۷۸۲
برآورد جمعیت سال میانه دوره (نفر)	۴۱۵۷۶۸۷۷	۵۴۷۵۰۲۴۹	۶۲۲۷۵۶۳۵
تعداد مهاجران دوره (نفر)	۵۸۲۰۶۲۵	۸۷۱۸۷۷۰	۱۲۱۴۸۱۴۸
متوسط تعداد سالانه مهاجران در طول دوره (نفر)	۵۸۲۰۶۳	۸۷۱۸۷۷	۱۲۱۴۸۱۵
نسبت مهاجران سالانه به جمعیت در سال میانه دوره (درصد)	۱/۴۰	۱/۵۹	۱/۸۶
نسبت مهاجران دوره به جمعیت پایان دوره (درصد)	۱۱/۸	۱۴/۵	۲/۱۷

### ۸-۳- ویژگی‌های عمده مهاجرت‌های داخلی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰

تعداد مهاجران این دوره اعم از مهاجران داخلی و خارجی کمی بیش از ۵/۵ میلیون نفر بوده که ۹۲ درصد آن‌ها را مهاجران داخلی ۱/۹ درصدشان را مهاجران خارجی تشکیل می‌داده‌اند و ۶/۱ درصد نیز محل اقامت قبلی اظهار نشده‌ای داشته‌اند، ۷/۷ درصد از مجموع مهاجران این دوره، به نقاط شهری و بقیه به نقاط روستایی وارد شده‌اند. مقایسه تعداد مهاجران این دوره، با داده‌های سرشماری قبل باید با تأمل صورت گیرد چه علاوه بر تفاوت محدوده‌های زمانی، سهم نسبی مهاجرانی که در سرشماری ۱۳۹۰ محل اقامت قبلی خود را اعلام نکرده‌بودند (جدول ۸-۲) به مراتب بیش از دوره قبل بوده‌است.

جدول ۸-۲- توزیع مهاجران داخلی کشور بر حسب محل اقامت قبلی، به تفکیک نقاط شهری و روستایی در فاصله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰

مهاجران داخلی							شرح
سایر شهرستان‌های استان			شهرستان محل سرشماری			کل	
اظهار نشده	آبادی	شهر	اظهار نشده	آبادی	شهر		
۱۱۸۴۷	۱۱۲۶۶۷	۹۹۵۰۳۷	۱۸۵۲۶	۸۰۲۸۴۲	۱۱۶۲۵۰۸	۵۵۳۴۶۶۶	کل
۱۰۳۰۱	۸۰۸۴۷	۸۱۴۷۶۵	۱۴۵۴۲	۴۸۹۷۹۶	۸۷۱۹۶۱	۴۳۰۲۰۸۶	شهری
۱۵۴۶	۳۱۸۲۰	۱۸۰۲۷۲	۳۹۸۴	۳۱۳۰۴۶	۲۹۰۵۴۷	۱۲۳۲۵۸۰	روستایی

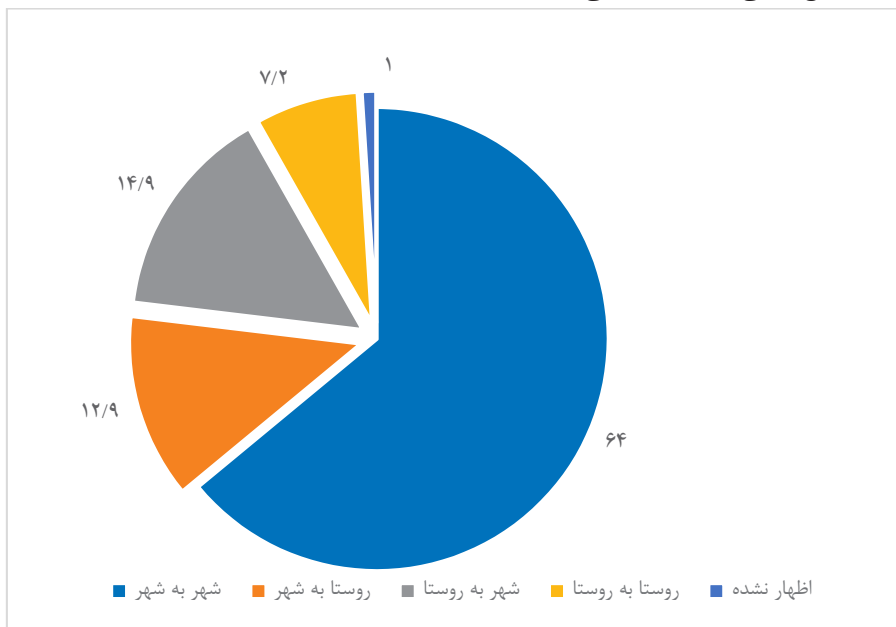
جدول ۸-۳- توزیع مهاجران داخلی کشور بر حسب محل اقامت قبلی، به تفکیک نقاط شهری و روستایی در فاصله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰

اظهار نشده	خارج از کشور	مهاجران داخلی			شرح
		شهرستان‌های سایر استان‌ها			
		اظهار نشده	آبادی	شهر	
۳۴۲۷۹۳	۱۰۲۵۱۹	۲۰۴۳۶	۱۰۸۴۵۰	۱۸۵۷۰۴۱	کل
۲۶۵۹۸۳	۷۸۷۸۹	۱۸۱۸۰	۸۴۶۰۸	۱۵۷۲۳۱۴	شهری
۷۶۸۱۰	۲۳۷۳۰	۲۲۵۶	۲۳۸۴۲	۲۸۴۷۲۷	روستایی

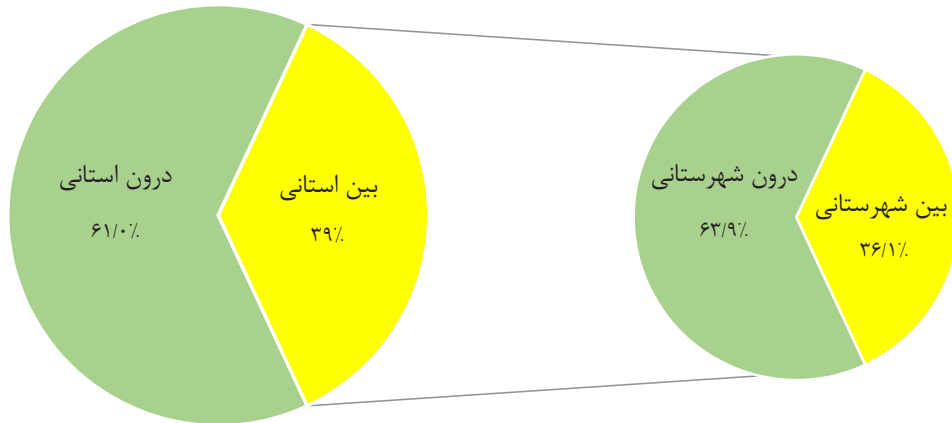


شکل‌های ۲-۸ و ۳-۸ مهاجران جابه‌جا شده در داخل کشور و استان‌ها را برحسب جهت مهاجرت، طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهند. از مجموع مهاجران داخلی این دوره که ۵۰۸۹۳۵۴ نفر بوده‌اند، ۶۴/۰ درصد از شهر به شهر، ۱۲/۹ درصد از روستا به شهر، ۷/۲ درصد از روستا به روستا و ۱۴/۹ درصد از شهر به روستا مهاجرت کرده و ۵۰۸۰۹ نفر (۱/۰ درصد) نیز محل اقامت قبلی اظهار نشده‌ای داشته‌اند. ۳۹ درصد این مهاجران، در بین استان‌های کشور و ۶۱ درصد آن‌ها در داخل استان‌های محل اقامت خود، جابه‌جا شده‌اند.

شکل ۲-۸- توزیع نسبی مهاجران داخلی کشور برحسب جریان مهاجرت در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰



شکل ۸-۳- توزیع نسبی مهاجران داخلی کشور بر حسب تقسیمات کشوری در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰



#### ۸-۴- ساختار سنی و جنسی مهاجرین

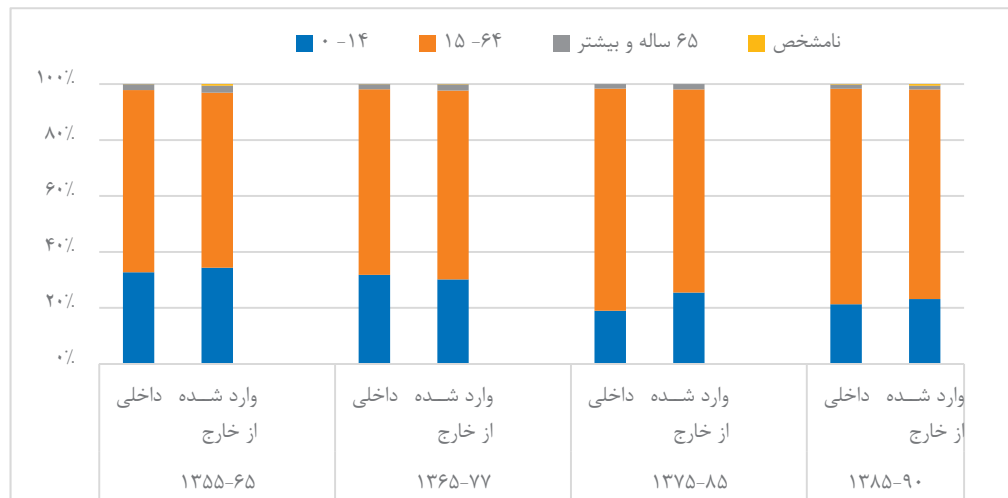
در طی سه دهه گذشته در ساختار سنی مهاجران داخلی و خارجی از نسبت جمعیت کمتر از ۱۵ و بیشتر از ۶۵ ساله کاسته شده و بر نسبت جمعیت ۱۵ تا ۶۵ سال افزوده شده است. (جدول شماره ۸-۴).



جدول ۸-۴- جمعیت مهاجران داخلی و مهاجرین وارد شده از خارج بر حسب گروه‌های عمده سنی در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰

سن	۱۳۸۵ - ۹۰		۱۳۷۵ - ۸۵		۱۳۶۵ - ۷۵		۱۳۵۵ - ۶۵	
	وارد شده از خارج	داخلی	وارد شده از خارج	داخلی	وارد شده از خارج	داخلی	وارد شده از خارج	داخلی
کلیه سنین	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۴-۰	۲۳/۲	۲۱/۳	۲۵/۵	۱۹/۰	۳۰/۲	۳۱/۸	۳۴/۳	۳۲/۷
۶۴-۱۵	۷۵/۰	۷۷/۰	۷۲/۶	۷۹/۴	۶۷/۵	۶۶/۴	۶۲/۵	۶۵/۱
۶۵ ساله و بیشتر	۱/۳	۱/۵	۱/۹	۱/۶	۲/۲	۱/۸	۲/۵	۲/۱
نامشخص	۰/۶	۰/۲	۰/۰	۰/۰	۰/۱۱	۰/۰۵	۰/۶	۰/۰۴

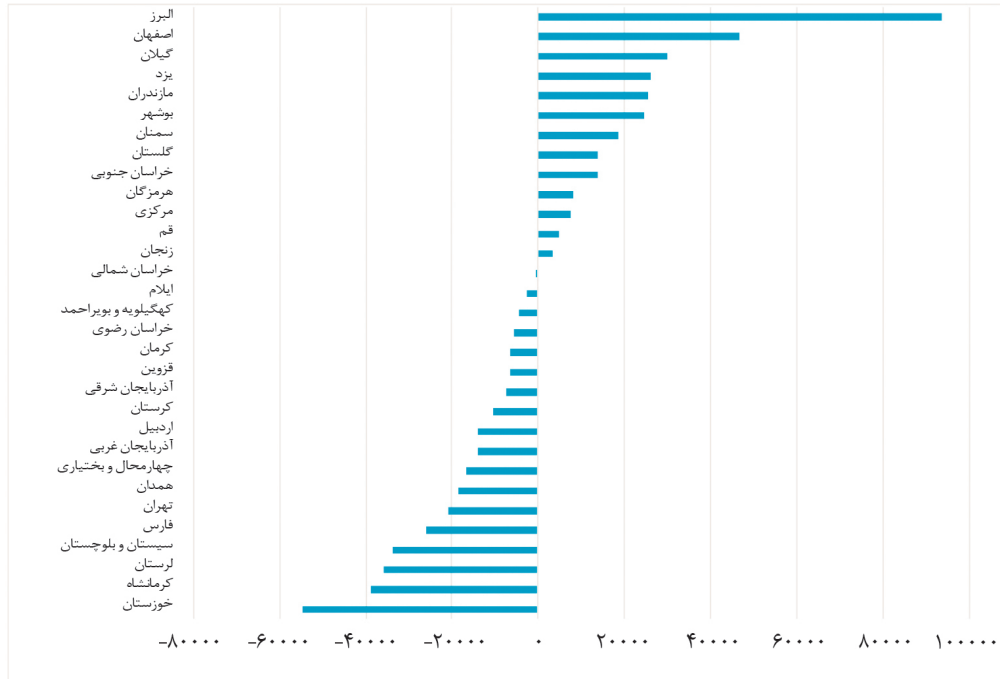
شکل ۸-۴- توزیع نسبی جمعیت مهاجرین داخلی و مهاجرین وارد شده از خارج برحسب گروه‌های عمده سنی در فاصله سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰



### ۸-۵- مهاجرت بین استانی

بررسی استان‌های کشور از نظر مهاجرپذیری و مهاجرفرستی از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که ۱۳ استان از ۳۱ استان کشور مهاجرپذیر و سایر استان‌ها مهاجرفرست بوده‌اند. استان البرز با ۹۳۶۹۳ نفر دارای بیش‌ترین خالص مهاجرت و استان خوزستان با ۵۴۵۳۰- نفر کمترین خالص مهاجرت را داشته‌اند.

شکل ۸-۵- موازنه مهاجرتی بین استان‌ها از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰



### ۸-۶- علل مهاجرت

با توجه به تعریف مهاجرت می‌توان گفت که انواع تحرک‌های جمعیتی به عنوان مهاجرت شناخته نمی‌شوند. مثلاً جابه‌جایی‌های روزانه یا فصلی جمعیت که در آن‌ها محل اقامت معمولی افراد تغییر نمی‌یابند، مهاجرت تلقی نمی‌شوند.

در ایران برای اولین بار در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵، علت مهاجرت در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ پرسیده و معلوم شد که مهم‌ترین دلایل مهاجرت در آن دوره، به ترتیب اهمیت عبارت بودند از پیروی از خانوار (۴۶/۰ درصد)، عوامل مربوط به کار (۱۸/۹ درصد)، عوامل مربوط خدمت وظیفه (۱۰/۳ درصد)، سایر (۱۰/۱ درصد)، عوامل مربوط به تحصیل (۹/۹ درصد)، و دلایل اظهار نشده (۴/۸ درصد). در مجموع سهم دو گروه «سایر» و «اظهارنشده» برابر ۱۴/۹ درصد بوده و این بدان معناست که برای حدود یک هفتم از مهاجران وارد شده، علت مهاجرت روشن و مشخص نبوده‌است.



این سوال در سرشماری سال ۱۳۹۰ نیز با تغییراتی مطرح شد و در آن برخی از دلایل در هم ادغام شد و گزینه جدیدی تحت عنوان مهاجرت به دلیل یافتن مسکن مناسب‌تر افزوده شد. علت مهاجرت در این سرشماری هم (جدول ۸-۵) به ترتیب عبارت بودند از پیروی از خانوار (۴۶/۲ درصد)، عوامل مربوط به کار (۱۴/۹ درصد)، عوامل مربوط به تحصیل (۱۴/۰ درصد)، سایر (۶/۲ درصد)، عوامل مربوط خدمت وظیفه (۵/۸ درصد) و اظهار نشده (۲/۳ درصد). علاوه بر این تفاوت‌های چشمگیری در علل مهاجرت بین دو جنس ملاحظه می‌شود. (جداول شماره ۸-۵ و ۸-۶).

جدول ۸-۵- توزیع فراوانی و نسبی مهاجران وارد شده بر حسب جنس و علت عمده‌ی مهاجرت از ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵

شرح	کل	مرد	زن
جمع	۱۲۱۴۸۱۴۸	۱۰۰	۱۰۰
جستجوی کار	۱۰۶۳۰۳۵	۱۴/۳۵	۱/۷۳
جستجوی کار بهتر	۶۰۹۷۹۱	۸/۲۵	۰/۹۸
انتقال شغلی	۶۲۳۶۰۳	۷/۸۹	۱/۶۸
تحصیل	۱۰۴۰۷۶۷	۸/۵۳	۸/۶۲
پایان تحصیل	۱۵۸۹۵۱	۱/۲۷	۱/۳۶
انجام خدمت وظیفه	۴۵۵۱۷۱	۶/۷۴	۰/۰۰
پایان خدمت وظیفه	۷۹۵۵۴۳	۱۱/۷۸	۰/۰۰
پیروی از خانوار	۵۵۸۹۵۰۸	۲۴/۹۶	۷۲/۳۸
سایر	۱۲۲۷۷۴۶	۱۱/۵۹	۸/۲۴
اظهار نشده	۵۸۴۰۳۳	۴/۶۵	۵/۰۰

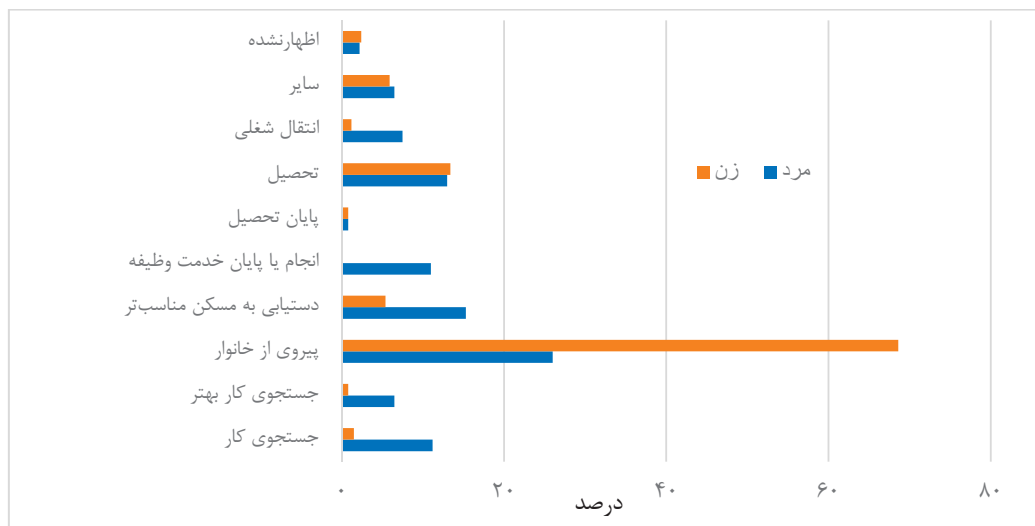
جدول ۸-۶- توزیع فراوانی و نسبی مهاجران وارد شده بر حسب جنس و علت عمده‌ی مهاجرت از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰

شرح	کل	مرد	زن
جمع	۵۵۳۴۶۶۶	۱۰۰	۱۰۰
جستجوی کار	۳۶۴۶۹۶	۱۱/۲	۱/۵
جستجوی کار بهتر	۲۱۰۳۴۱	۶/۵	۰/۸
پیروی از خانوار	۲۵۵۸۰۹۵	۲۶/۰	۶۸/۶
دستیابی به مسکن مناسب‌تر	۵۸۵۹۹۲	۱۵/۳	۵/۴
انجام یا پایان خدمت وظیفه	۳۲۰۸۴۵	۱۱/۰	۰/۰

جدول ۸-۶- توزیع فراوانی و نسبی مهاجران وارد شده برحسب جنس و علت عمدی مهاجرت از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ (دنباله)

شرح	کل	مرد	زن
پایان تحصیل	۴۳۸۳۸	۰/۸	۰/۸
تحصیل	۷۲۸۸۰۷	۱۳/۰	۱۳/۴
انتقال شغلی	۲۵۰۰۸۸	۷/۵	۱/۲
سایر	۳۴۵۸۷۸	۶/۵	۵/۹
اظهارنشده	۱۲۶۰۸۶	۲/۲	۲/۴

شکل ۸-۶- علل مهاجرت به تفکیک جنس در کل کشور از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰



### ۸-۷- مهاجرت‌های بین‌المللی

مهاجران بین‌المللی شامل افرادی می‌شوند که مرزهای سیاسی یک کشور را پشت سر گذاشته و در سرزمین دیگری مستقر شوند.

مهاجرت‌های بین‌المللی در ابعاد زیر صورت می‌پذیرد:

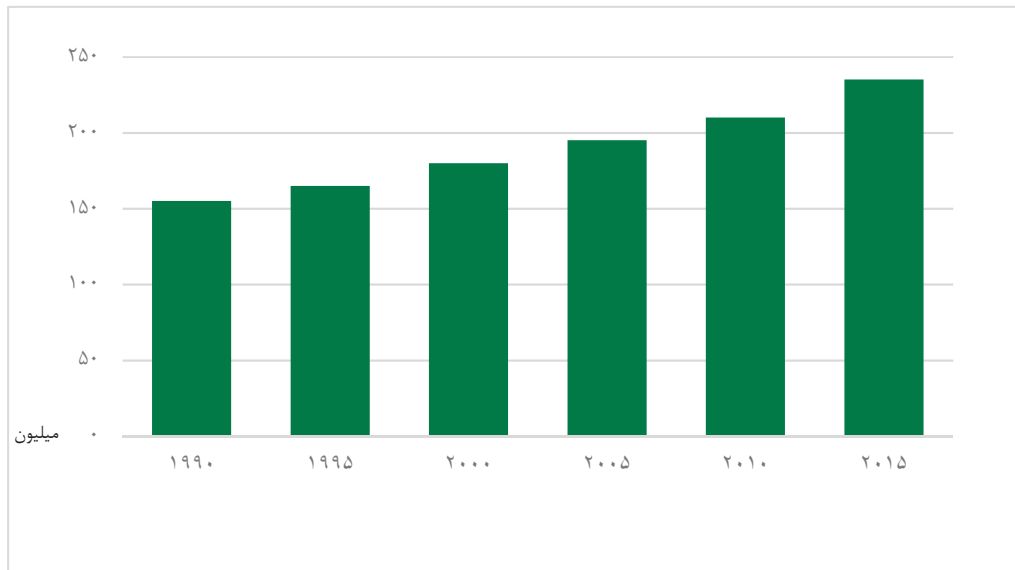
- از داخل کشور به خارج از کشور

- مهاجرت متولدین خارج از کشور، اعم از متولدین ایرانی در خارج از کشور و یا متولدین هر

کشور دیگری به ایران

تعداد مهاجران بین‌المللی در سال ۲۰۱۵ بیش از ۲۳۰ میلیون نفر و مدام رو به افزایش بوده (شکل ۸-۷) ولی به دلیل محدودیت آماری، تنها تعداد و برخی از ویژگی‌های عمده آنان شناخته شده است.

شکل ۸-۷- تعداد و روند مهاجران خارجی در جهان از ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵



**۸-۸- بررسی جمعیت اتباع غیرایرانی (مهاجران خارجی) براساس نتایج سرشماری‌ها**  
 به دلیل فقدان اطلاعات در مورد مهاجران خارجی، تمامی متولدین خارج از کشور اعم از متولدین ایرانی تبار در کشورهای دیگر و یا متولدین سایر کشورها که در زمان سرشماری‌ها در ایران اقامت معمولی داشته‌اند، مهاجر خارجی محسوب شده‌اند. تعداد مهاجران خارجی در ایران از کمی بیش از ۵۷ هزار نفر در سال ۱۳۴۵ به حدود ۱۷۹ هزار نفر در ۱۳۵۵، و به بیش از ۸۵۲ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ رسیده و از آن به بعد نیز با افت‌وخیزهای کمتری به ۸۸۲ هزار نفر در سال ۱۳۸۵ و ۸۳۷ هزار نفر در سال ۱۳۹۰ رسیده‌است (جدول شماره ۸-۷).



جدول ۷-۸- جمعیت متولدین خارج از کشور از ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰

شرح	مرد و زن	مرد	زن	نسبت جنسی
۱۳۴۵	۵۷۱۱۵	۲۸۲۰۷	۲۸۹۰۸	۹۷/۶
۱۳۵۵	۱۷۸۹۱۱	۹۷۳۴۲	۸۱۵۶۹	۱۱۹/۳
۱۳۶۵	۸۵۲۵۰۷	۴۸۱۲۱۹	۳۷۱۲۸۸	۱۲۹/۶
۱۳۷۰	۹۰۶۹۸۸	۵۰۱۴۹۶	۴۰۵۴۹۲	۱۲۳/۷
*۱۳۷۵	-	-	-	-
۱۳۸۵	۸۸۱۵۹۹	۴۹۸۲۸۶	۳۸۳۳۱۳	۱۳۰/۰
۱۳۹۰	۸۳۷۱۸۹	۳۶۴۴۴۱	۳۷۲۷۴۸	۹۷/۷

\* در سرشماری ۱۳۷۵، «محل تولد» پرسش نشده است.

از نظر جنسیتی نیز اغلب مهاجران خارجی را مردان تشکیل داده‌اند. (به غیر از سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۴۵) نسبت جنسی مهاجران خارجی در سال ۱۳۸۵ به حداکثر مقدار خود یعنی ۱۳۰/۰ رسیده و از آن به بعد بی‌آنکه دلیل قانع کننده‌ای برای آن وجود داشته باشد به شدت کاسته شده است (جدول شماره ۸-۸). گرچه در مواردی می‌توان از آمار اتباع بیگانه به حد و حدود مهاجرت‌های خارجی پی برد؛ لیکن در مجموع به دو دلیل زیر این داده‌ها نمی‌توانند اطلاعات دقیق‌تری درباره مهاجران خارجی به دست دهند، زیرا در آن‌ها مبدأ و مقصد مهاجرتی مشخص نبوده و از نظر زمانی هم با هم تفاوت دارند. تعداد اتباع بیگانه اطلاعات آماری طول عمر بوده و تعداد مهاجران خارجی در سرشماری‌ها به یک دوره معین اختصاص دارد. علاوه بر این مدت زمان اقامت اتباع پرسیده نمی‌شود و اطلاعاتی در این زمینه به دست نمی‌آید.

جدول ۸-۸- جمعیت اتباع غیر ایرانی از ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰

شرح	مرد و زن	مرد	زن	نسبت جنسی
۱۳۶۵	۹۳۷۹۳۷	۵۱۴۹۸۴	۴۲۲۹۵۳	۱۲۲
۱۳۷۵	۱۰۰۵۵۲۰	۵۵۲۱۶۳	۴۵۳۳۵۷	۱۲۱
۱۳۸۵	۱۵۹۴۶۲۸	۸۶۴۷۰۹	۷۲۹۹۱۹	۱۱۸
۱۳۹۰	۱۶۸۸۱۹۵	۹۱۴۴۹۸	۷۷۳۶۹۷	۱۱۸



## جمع‌بندی

مهاجرت‌ها حتی گاهی با پای پیاده محرک اقتصادی هستند. در اولین مرحله تقاضا برای حمل و نقل و خدمات اولیه را تشدید می‌کنند. افزون بر آن مهاجرت‌ها میزان تقاضا برای دستیابی به مسکن را بلافاصله و در بدو ورود به مقصد مهاجرت بالا می‌برد در حالی که برخی از مهاجرین سعی می‌کنند با متعلقات خودشان روزگار را سپری کنند، با وجود این مهاجرین موجب رشد تقاضا برای اسباب و اثاث و لوازم معیشتی و سیستم حمل و نقل در مقصد می‌شوند. با افزایش تعداد مراجعین به بازار باید به این نتیجه رسید که مهاجرت عامل رشد تقاضا در طیفی گسترده از کالاها و خدمات مصرفی است. بخشی از اثرات مهاجرت در تقاضاهای کالاها و خدمات را می‌توان ذیل مباحث شهرنشینی پیگیری کرد. قسمتی از روند شهرنشینی در کشور ما ناشی از ورود مهاجران به شهرهاست که پیامدهای مذکور را در پی خواهند داشت.





آگاهی از حجم جمعیت و مشخصه‌های مرتبط با توزیع و ترکیب و پویایی‌شناسی جمعیت همراه با سایر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی، پایه و اساس برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی ملی و منطقه‌ای است. سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران امور برنامه‌ریزی و اجرایی ناگزیر از توجه به روابط متقابل موجود میان متغیرهای مؤثر در رشد و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی هستند. به‌جرات می‌توان گفت مهم‌ترین متغیری که در برنامه‌ریزی به عنوان مبنای محاسبات در نظر گرفته می‌شود جمعیت، دگرگونی ویژگی‌های آن در گذشته و حال و پیش‌بینی تحولات آن در آینده است. از گذشته دور، دولت‌ها به پیش‌بینی‌های جمعیت علاقه داشته‌اند و از آن برای اهداف مالیاتی، نظامی و انتخابات و... سود می‌جستند. در دهه‌های اخیر، دولت‌ها به جهت داشتن مسئولیت در تأمین و بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی مناسب برای مردم خود، از انجام پیش‌بینی‌های جمعیت حمایت کرده‌اند.

تاکنون پیش‌بینی‌های متعددی جمعیت ایران توسط جمعیت‌شناسان و سازمان‌های برنامه‌ریزی صورت گرفته که شرح بسیاری از این مطالعات اخیراً در گزارش پیشینه پیش‌بینی‌های جمعیتی در ایران که توسط پژوهشکده آمار ایران انتشار یافته، ذکر شده‌است و در این جا، نیازی به شرح و تفصیل آنها وجود ندارد. آنچه که تحت عنوان پیش‌بینی جمعیت ایران در این فصل آورده می‌شود، قسمتی‌هایی خلاصه شده‌ای از آخرین آن‌ها است که در سال ۱۳۹۵ برای برنامه‌ریزی درازمدت انجام شده‌است.

## ۹-۱- داده‌های اولیه لازم برای پیش‌بینی‌های جمعیتی

پیش‌بینی‌های جمعیتی را به روش‌های مختلفی می‌توان انجام داد. ساده‌ترین آن‌ها، روش ریاضی و کامل‌ترین آن‌ها روش مؤلفه‌ای-نسلی (روش ترکیبی) است. روش ریاضی برپایه فرمول  $P_2 = P_1(1+r)^t$  انجام می‌شود که در آن  $P_2$  جمعیت مورد انتظار برای زمان مورد نظر،  $P_1$  جمعیت پایه پیش‌بینی که به طور معمول آخرین داده سرشماری‌ها در مورد کل جمعیت یا کل جمعیت مردها و جمعیت زن‌ها است. این داده‌ها موجودند و از روی آن‌ها باید جمعیت آینده را پیش‌بینی کرد. در این رابطه نیاز به شناخت متوسط میزان رشد سالانه جمعیت در دوره پیش‌بینی است و  $t$  فاصله زمانی پیش‌بینی برحسب سال همواره معلوم است. این پیش‌بینی به جز ارقام کلی، اطلاعات جمعیتی دیگری، چون ترکیب سنی، سطح باروری، ضرایب احتمال بقاء و نظایر آنرا تولید نمی‌کند و از نظر جمعیت‌شناسی کاربرد دراز مدتی ندارد چه هر چه مقدار  $t$



افزوده شود برآورد میزان رشد جمعیت یعنی ۲ مشکل‌تر و محاسبات، تقریبی‌تر می‌شود، به همین دلیل از این روش فقط برای فاصله‌های زمانی محدود مثلاً یک تا پنج سال استفاده می‌کنند و چون نتیجه محاسبه نیز به کل جمعیت و یا به زیر مجموعه‌های کلی‌تری چون تعداد زنان و یا تعداد مردان منطقه مورد مطالعه محدود می‌شود، کاربردی در برنامه‌ریزی‌های تفضیلی ندارد. روش کامل‌تری که امروزه برای پیش‌بینی جمعیت به کار برده می‌شود، روش ترکیبی نام دارد. این روش به نام روش ترکیبی (Component Method) هم معروف است. داده‌های لازم برای به‌کار بردن این روش، ترکیب سنی و جنسی جمعیت در گروه‌های سنی ۵ ساله منظم است و برحسب نیاز، باید آن را تا بالاترین سن مورد نظر در پیش‌بینی در اختیار داشت. علاوه بر آن باید داده‌هایی هم در مورد سطح باروری، سطح مرگ‌ومیر و حدود اثرگذاری مهاجرت (در انواع مختلف آن) در دسترس باشند. در این روش، محقق باید حدود اثرگذاری عوامل سه‌گانه فوق را برای دوره پیش‌بینی برآورد کرده و آنها را در چارچوب فرضیه‌های پیش‌بینی ارائه کند. بدیهی است پیش‌بینی تغییرات این عوامل برای آینده کار آسانی نیست و باید روندهای گذشته مطالعه شوند و با توجه به شناخت‌هایی که از روی مطالعات و یافته‌های قبلی به‌دست می‌آید، به تدوین فرضیه‌ها بپردازند. پیش‌بینی‌ها در محدوده‌ای از مجموعه تغییرات عوامل اثرگذار بر تعداد و ترکیب جمعیت محاسبه و تحت عنوان سناریوهای مختلف مطرح می‌شوند. در این مطالعه، پیش‌بینی جمعیت کشور تا سال ۱۴۳۰ در چهار چشم‌انداز (سناریو) مطرح خواهد شد.

## ۹-۲- پیش‌فرض‌ها و نتایج پیش‌بینی‌های جمعیت کشور

یکی از رویکردها و شقوق متصور در آینده‌نگری جمعیت کشور، این است که نرخ رشد جمعیت کشور طی دو نسل آینده به تدریج کاهش می‌یابد و به صفر متمایل شده و سپس منفی شود. بر مبنای این رویکرد، هرچند که هم‌اکنون تعداد موالید کشور بیشتر از تعداد مرگ و میر است؛ اما با افزایش میانگین سن جمعیت کشور و بالا رفتن نسبت سالخوردگان، ممکن است میزان مرگ و میر از میزان موالید پیشی گیرد و در نتیجه، به طور طبیعی نرخ رشدی منفی بر جمعیت حاکم می‌شود. اما حقیقت آن است که هیچ دولتی چنین روندی را بر نمی‌تابد و از طریق اتخاذ سیاست‌های متناسب جمعیتی، جلوی بروز چنین پدیده مخربی را می‌گیرد. در این مطالعه، برای پیش‌بینی جمعیت کشور ۴ فرض را مدنظر قرار داده‌ایم.

در فرض اول، فرض شده که میزان باروری کل در کشور که هم اکنون کمتر از نرخ جایگزینی و برابر ۱/۹ نفر فرزند است در طول سالهای آینده نیز در همین حد ثابت بماند و امیدزندگی نیز در حد متعارف افزایش بیابد. با چنین فرضی جمعیت کشور تا سال ۱۴۳۰ به افزایش خود ادامه خواهد داد؛ اما از آن پس از شمار جمعیت کشور کاسته خواهد شد. به طوری که جمعیت کشور در سال ۱۴۵۰ به حدود ۸۷/۳ میلیون نفر سقوط خواهد کرد. داده‌های اولیه پیش بینی عبارتند از:

### ۱ - جمعیت و ترکیب سنی و جنسی حاصل از سرشماری ۱۳۹۵

علت انتخاب داده‌های جمعیتی سرشماری آن است که احتمال خطا در جمعیت پایه کمتر بتواند نتیجه پیش‌بینی‌ها را از واقعیت دور کند از جمله دلایل انتخاب دو جمعیت پایه در این گزارش این است که بعضی از کاستی‌های سرشماری ۱۳۹۰ نتواند نتیجه را از واقعیت‌های احتمالی دور کند و علاوه بر آن پیش‌بینی قبلی از روی سرشماری ۱۳۸۵ (زنجان و نوراللهی: ۱۳۸۸) نیز نشان داده شده‌است که یافته‌های آن، برای دوره ۸۵-۱۳۹۰ با احتمال بیش از ۹۹/۵ در صد تحقق یافته است و به همین دلیل ادامه آن هم می‌تواند با اطمینان بیشتری پذیرفته شود.

### ۲ - سطح باروری

سطح باروری در پیش‌بینی‌های جمعیتی نقش مهمی دارد زیرا که هر نوع افزایش طبیعی جمعیت به باروری و تغییرات احتمالی آن در آینده مربوط می‌شود به ویژه آن که در پیش‌بینی‌هایی که تا کنون از جمعیت ایران صورت گرفته، فرضیه و یا فرضیه‌هایی برای مهاجرت‌های خارج (مهاجرفرستی از ایران به کشورهای دیگر) مطرح نشده و در همه آن پیش‌بینی‌ها، گفته شده‌است که چون اطلاعی از این مهاجرت‌ها وجود ندارد، پس می‌توان آن‌ها را نادیده انگاشت. حال آن که در شرایط کنونی کشور ما که مهاجرفرستی به خارج یکی از سازنده‌های مهم تعداد و ترکیب جمعیت است، نمی‌توان آن را نادیده گرفت؛ به همین دلیل در این گزارش با دو فرضیه به آن پرداخته شده و در عین حال پیش‌بینی‌های جمعیتی با میزان‌های رشد طبیعی احتمالی نیز در هر سه سناریو محاسبه شده‌است.

گرچه هنوز هم رقمی مشخصی در مورد سطح باروری، که مورد وفاق همه جمعیت‌شناسان باشد، وجود ندارد و یافته‌های مطالعات در مقیاس میزان باروری کل بین ۱/۶ تا ۲/۱۱ فرزند زنده

متولد شده قرار دارد، لیکن در این مطالعه به گونه ای که در پیش بینی جمعیت کشور برای برنامه ششم مطرح شده است در شرایط کنونی، رقمی بین ۱/۸ تا ۱/۹ مولود زنده متولد شده را برای هرزن، در طول دوران باروری آنها به عنوان رقم پایه پذیرفته و در مورد آینده باروری در ایران نیز فرضیه‌هایی به شرح زیر اتخاذ شده است.

افزایش باروری از حدود ۱/۹ در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ به ۲/۱۹ فرزند در پایان دوره (فاصله سال‌های ۱۴۱۵ تا ۱۴۳۰) برای کل کشور (۲/۱۵ برای نقاط شهری و ۲/۳۳ برای نقاط روستایی). رقم نهایی این فرضیه، پائین ترین سطح در بین سه فرضیه باروری در این مطالعه است.

بالاترین سطح باروری نهایی (برای سال ۱۴۳۰) در فرض حداکثر ۳ و در فرض میانی ۲/۷ فرزند است که این دو سطح در فاصله زمانی مورد عمل در نرم افزار (یعنی در وسط آن دوره پنجساله)، در فرض بالا به رقم ۲/۹۱ و در فرض میانی به رقم ۲/۵۷ می‌رسد. ذکر این نکته نیز لازم است در کشورهایی که باروری به سطح پایین تر از حد جانشینی رسیده باشد افزایش آن با محدودیت‌های زیادی مواجه است. در کشور ما نیز تمام عوامل اثر گذار بر سطح باروری در جهت کاهش آن عمل می‌کنند که از آن جمله می‌توان به تنگناهای اقتصادی، بالا رفتن سطح سواد زنان، توسعه معیشت‌های شهری، افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی، کاهش تعداد ازدواج‌ها و افزایش طلاق را نام برد در این میان اصول کلی سیاست‌های جمعیتی روزنه امیدی برای جلوگیری از کاهش سطح باروری و افزایش احتمالی آن می‌باشد که در تدوین فرضیه‌های باروری مد نظر قرار گرفته است.

داده‌های پایه برای محاسبه سطوح باروری، گزارشات سازمان ثبت احوال و نیز جدول‌های باروری و ساختار سنی و جنسی سرشماریهای ۱۳۶۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و مطالعاتی است که از روی مجموعه آنها صورت گرفته است و همه متکی بر مستندات آماری است به ویژه در مورد فرضیه‌های دوم و سوم باروری ارقام ثبت موالید در سالهای ۹۳ و ۱۳۹۴ هم مورد توجه قرار گرفته که افزایش تعداد موالید را نسبت به سال‌های قبل نشان داده است. فرضیه‌های باروری برای آینده در عین حال اصول کلی سیاست‌های جمعیتی کشور را نیز مد نظر دارد که تصور می‌رود در سال‌های اولیه اجرائی شدن مصوبه، به جلوگیری از کاهش سطح باروری و سپس افزایش احتمالی آن می‌انجامد.



جدول ۹-۱- فروض باروری زنان در چهارفرض محتمل

میزان‌های باروری (نفر فرزند برای هر زن)				دوره‌های زمانی
فرض ۴	فرض ۳	فرض ۲	فرض ۱	
۲/۱	۲/۱	۲/۱	۱/۹	۱۳۹۵-۱۴۰۰
۲/۳	۲/۳	۲/۱	۱/۹	۱۴۰۰-۱۴۰۵
۲/۵	۲/۳	۲/۱	۱/۹	۱۴۰۵-۱۴۱۰
۲/۵	۲/۳	۲/۱	۱/۹	۱۴۱۰-۱۴۱۵
۲/۵	۲/۳	۲/۱	۱/۹	۱۴۱۵-۱۴۲۰
۲/۵	۲/۳	۲/۱	۱/۹	۱۴۲۰-۱۴۲۵
۲/۵	۲/۳	۲/۱	۱/۹	۱۴۲۵-۱۴۳۰

### ۳- سطح مرگ و میر

برای شناخت سطح مرگ و میر مطالعات انجام شده در سازمان ثبت احوال کشور، انتشارات وزارت بهداشت و درمان و مرکز آمار ایران مورد استفاده قرار گرفته و از تجربیات جهانی نیز در چگونگی افزایش امید زندگی بدو تولد استفاده شده و علاوه بر آنها، یافته‌های کتاب مرگ‌ومیر در ایران به تفکیک جنس، شهر و روستا نیز به عنوان چگونگی درک تفاوت‌های مرگ‌ومیر در کل کشور و زیر مجموعه‌های آن مورد استفاده قرار گرفته است. بر پایه مجموعه اطلاعات موجود بهبود سطح مرگ‌ومیر در فرضیه‌های مربوطه با افزایش امید زندگی به شرح زیر ملاک پیش بینی‌های جمعیتی واقع شده است.

جدول ۹-۲- فروض امید زندگی مردان و زنان تا سال ۱۴۳۰ (سال)

دوره‌های زمانی	مرد	زن
۱۳۹۵-۱۴۰۰	۷۲/۵	۷۴/۹
۱۴۰۰-۱۴۰۵	۷۳/۳	۷۶/۱
۱۴۰۵-۱۴۱۰	۷۴/۱	۷۷/۱
۱۴۱۰-۱۴۱۵	۷۴/۹	۷۸/۱
۱۴۱۵-۱۴۲۰	۷۵/۷	۷۸/۹
۱۴۲۰-۱۴۲۵	۷۶/۲	۷۹/۷
۱۴۲۵-۱۴۳۰	۷۶/۷	۸۰/۵

جدول ۹-۳- نتایج پیش بینی جمعیت کشور در چهار فرض (هزارنفر)

سال	فرض اول	فرض دوم	فرض سوم	فرض چهارم
۱۳۹۵	۷۹۹۲۶	۷۹۹۲۶	۷۹۹۲۶	۷۹۹۲۶
۱۴۰۰	۸۳۹۸۶	۸۵۷۶۲	۸۵۵۹۳	۸۵۷۶۲
۱۴۰۵	۸۷۲۰۱	۸۹۹۱۲	۹۰۱۵۳	۹۰۵۶۵
۱۴۱۰	۸۹۶۹۳	۹۳۳۰۱	۹۴۳۴۶	۹۵۱۷۷
۱۴۱۵	۹۱۷۸۳	۹۶۴۱۴	۹۸۴۵۷	۹۹۵۰۷
۱۴۲۰	۹۳۵۸۵	۹۹۵۳۱	۱۰۲۴۲۹	۱۰۳۹۱۰
۱۴۲۵	۹۴۸۹۹	۱۰۲۴۳۴	۱۰۶۱۷۶	۱۰۸۲۷۴
۱۴۳۰	۹۵۴۱۴	۱۰۴۶۵۸	۱۰۹۵۷۶	۱۱۲۲۹۷



جدول ۹-۴- پیش بینی نرخ رشد جمعیت کشور در چهار فرض (درصد)

دوره	فرض اول	فرض دوم	فرض سوم	فرض چهارم
۱۳۹۵-۱۴۰۰	۱/۰۰	۱/۴۲	۱/۳۸	۱/۴۲
۱۴۰۰-۱۴۰۵	۰/۷۵	۰/۹۵	۱/۰۴	۱/۱۰
۱۴۰۵-۱۴۱۰	۰/۵۷	۰/۷۴	۰/۹۱	۱/۰۰
۱۴۱۰-۱۴۱۵	۰/۴۶	۰/۶۶	۰/۸۶	۰/۸۹
۱۴۱۵-۱۴۲۰	۰/۳۹	۰/۶۴	۰/۷۹	۰/۸۷
۱۴۲۰-۱۴۲۵	۰/۲۸	۰/۵۸	۰/۷۲	۰/۸۳
۱۴۲۵-۱۴۳۰	۰/۱۱	۰/۴۳	۰/۶۳	۰/۷۳

جدول ۹-۵- توزیع جمعیت کل کشور با فرض دوم پیش بینی در گروه‌های عمده سنی: ۱۳۹۵ تا ۱۴۳۰

سال	جمع	۱۴-۰	۱۵-۶۴	۶۵ ساله و بیشتر
۱۳۹۵	۷۹۹۲۷	۱۹۱۹۳	۵۵۸۶۲	۴۸۷۲
۱۴۰۰	۸۵۷۶۳	۱۹۷۲۶	۶۰۳۹۲	۵۶۴۵
۱۴۰۵	۸۹۹۱۲	۱۹۴۱۷	۶۳۲۸۸	۷۲۰۶
۱۴۱۰	۹۳۳۰۱	۱۸۳۱۵	۶۶۱۰۱	۸۸۸۵
۱۴۱۵	۹۶۴۱۴	۱۷۷۹۶	۶۷۶۹۱	۱۰۹۲۷
۱۴۲۰	۹۹۵۳۱	۱۸۲۱۳	۶۸۲۰۴	۱۳۱۱۴
۱۴۲۵	۱۰۲۴۳۴	۱۹۰۰۱	۶۷۲۹۸	۱۶۱۳۵
۱۴۳۰	۱۰۴۶۵۸	۱۹۴۸۸	۶۵۰۱۸	۲۰۱۵۳



جدول ۹-۶- توزیع نسبی جمعیت کل کشور با فرض دوم پیش بینی در گروه‌های عمده سنی: ۱۳۹۵ تا ۱۴۳۰

سال	جمع	۱۴-۰	۱۵-۶۴	۶۵ساله و بیشتر
۱۳۹۵	۱۰۰	۲۴/۰۱	۶۹/۸۹	۶/۰۹
۱۴۰۰	۱۰۰	۲۳/۰۰	۷۰/۴۲	۶/۵۸
۱۴۰۵	۱۰۰	۲۱/۶۰	۷۰/۳۹	۸/۰۱
۱۴۱۰	۱۰۰	۱۹/۶۳	۷۰/۸۵	۹/۵۲
۱۴۱۵	۱۰۰	۱۸/۴۶	۷۰/۲۱	۱۱/۳۳
۱۴۲۰	۱۰۰	۱۸/۳۰	۶۸/۵۳	۱۳/۱۸
۱۴۲۵	۱۰۰	۱۸/۵۵	۶۵/۷۰	۱۵/۷۵
۱۴۳۰	۱۰۰	۱۸/۶۲	۶۲/۱۲	۱۹/۲۶

جدول ۹-۷- نسبت وابستگی جمعیت کشور با فرض دوم: ۱۳۹۵ تا ۱۴۳۰

سال	نسبت وابستگی کل	نسبت وابستگی کودکان و نوجوانان	نسبت وابستگی سالمندان
۱۳۹۵	۴۳/۰۸	۳۴/۳۶	۸/۷۲
۱۴۰۰	۴۲/۰۱	۳۲/۶۶	۹/۳۵
۱۴۰۵	۴۲/۰۷	۳۰/۶۸	۱۱/۳۹
۱۴۱۰	۴۱/۱۵	۲۷/۷۱	۱۳/۴۴
۱۴۱۵	۴۲/۴۳	۲۶/۲۹	۱۶/۱۴
۱۴۲۰	۴۵/۹۳	۲۶/۷۰	۱۹/۲۳
۱۴۲۵	۵۲/۲۱	۲۸/۲۳	۲۳/۹۸
۱۴۳۰	۶۰/۹۷	۲۹/۹۷	۳۱/۰۰



جدول ۹-۸- توزیع جمعیت کل کشور با فرض سوم پیش بینی در گروه‌های عمده سنی: ۱۳۹۵ تا ۱۴۳۰

سال	جمع	۱۴-۰	۱۵-۶۴	۶۵ساله و بیشتر
۱۳۹۵	۷۹۹۲۷	۱۹۱۹۳	۵۵۸۶۲	۴۸۷۲
۱۴۰۰	۸۵۵۹۳	۱۹۶۸۷	۶۰۲۷۳	۵۶۳۴
۱۴۰۵	۹۰۱۵۳	۱۹۴۶۹	۶۳۴۵۸	۷۲۲۶
۱۴۱۰	۹۴۳۴۶	۱۸۵۲۰	۶۶۸۴۱	۸۹۸۴
۱۴۱۵	۹۸۴۵۷	۱۸۱۷۳	۶۹۱۲۵	۱۱۱۵۸
۱۴۲۰	۱۰۲۴۲۹	۱۸۷۴۳	۷۰۱۹۰	۱۳۴۹۶
۱۴۲۵	۱۰۶۱۷۶	۱۹۶۹۵	۶۹۷۵۶	۱۶۷۲۵
۱۴۳۰	۱۰۹۵۷۶	۲۰۴۰۳	۶۸۰۷۳	۲۱۱۰۰

جدول ۹-۹- توزیع نسبی جمعیت کل کشور با فرض سوم پیش بینی در گروه‌های عمده سنی: ۱۳۹۵ تا ۱۴۳۰

سال	جمع	۱۴-۰	۱۵-۶۴	۶۵ساله و بیشتر
۱۳۹۵	۱۰۰	۲۴/۰۱	۶۹/۸۹	۶/۰۹
۱۴۰۰	۱۰۰	۲۳/۰۰	۷۰/۴۲	۶/۵۸
۱۴۰۵	۱۰۰	۲۱/۶۰	۷۰/۳۹	۸/۰۱
۱۴۱۰	۱۰۰	۱۹/۶۳	۷۰/۸۵	۹/۵۲
۱۴۱۵	۱۰۰	۱۸/۴۶	۷۰/۲۱	۱۱/۳۳
۱۴۲۰	۱۰۰	۱۸/۳۰	۶۸/۵۳	۱۳/۱۸
۱۴۲۵	۱۰۰	۱۸/۵۵	۶۵/۷۰	۱۵/۷۵
۱۴۳۰	۱۰۰	۱۸/۶۲	۶۲/۱۲	۱۹/۲۶

جدول ۹-۱۰- نسبت وابستگی جمعیت کشور با فرض سوم: ۱۳۹۵ تا ۱۴۳۰

سال	نسبت وابستگی کل	نسبت وابستگی کودکان و نوجوانان	نسبت وابستگی سالمندان
۱۳۹۵	۴۳/۰۸	۳۴/۳۶	۸/۷۲
۱۴۰۰	۴۲/۰۱	۳۲/۶۶	۹/۳۵
۱۴۰۵	۴۲/۰۷	۳۰/۶۸	۱۱/۳۹
۱۴۱۰	۴۱/۱۵	۲۷/۷۱	۱۳/۴۴
۱۴۱۵	۴۲/۴۳	۲۶/۲۹	۱۶/۱۴
۱۴۲۰	۴۵/۹۳	۲۶/۷۰	۱۹/۲۳
۱۴۲۵	۵۲/۲۱	۲۸/۲۳	۲۳/۹۸
۱۴۳۰	۶۰/۹۷	۲۹/۹۷	۳۱/۰۰

جدول ۹-۱۱- توزیع جمعیت کل کشور با فرض چهارم پیش بینی در گروه‌های عمده سنی : ۱۳۹۵ تا ۱۴۳۰

سال	جمع	۱۴-۰	۱۵-۶۴	۶۵ ساله و بیشتر
۱۳۹۵	۷۹۹۲۷	۱۹۱۹۳	۵۵۸۶۲	۴۸۷۲
۱۴۰۰	۸۵۷۶۳	۱۹۷۲۶	۶۰۳۹۲	۵۶۴۵
۱۴۰۵	۹۰۵۶۵	۱۹۵۵۸	۶۳۷۴۸	۷۲۵۹
۱۴۱۰	۹۵۱۷۷	۱۸۶۸۳	۶۷۴۳۰	۹۰۶۴
۱۴۱۵	۹۹۵۰۷	۱۸۳۶۷	۶۹۸۶۳	۱۱۲۷۷
۱۴۲۰	۱۰۳۹۱۰	۱۹۰۱۴	۷۱۲۰۵	۱۳۶۹۱
۱۴۲۵	۱۰۸۲۷۴	۲۰۰۸۴	۷۱۱۳۴	۱۷۰۵۵
۱۴۳۰	۱۱۲۲۹۷	۲۰۹۱۰	۶۹۷۶۳	۲۱۶۲۴



جدول ۹-۱۲- توزیع نسبی جمعیت کل کشور با فرض چهارم پیش بینی در گروه‌های عمده سنی: ۱۳۹۵ تا ۱۴۳۰

سال	جمع	۱۴-۰	۱۵-۶۴	۶۵ ساله و بیشتر
۱۳۹۵	۱۰۰	۲۴/۰۱	۶۹/۸۹	۶/۰۹
۱۴۰۰	۱۰۰	۲۳/۰۰	۷۰/۴۲	۶/۵۸
۱۴۰۵	۱۰۰	۲۱/۶۰	۷۰/۳۹	۸/۰۱
۱۴۱۰	۱۰۰	۱۹/۶۳	۷۰/۸۵	۹/۵۲
۱۴۱۵	۱۰۰	۱۸/۴۶	۷۰/۲۱	۱۱/۳۳
۱۴۲۰	۱۰۰	۱۸/۳۰	۶۸/۵۳	۱۳/۱۸
۱۴۲۵	۱۰۰	۱۸/۵۵	۶۵/۷۰	۱۵/۷۵
۱۴۳۰	۱۰۰	۱۸/۶۲	۶۲/۱۲	۱۹/۲۶

جدول ۹-۱۲- نسبت وابستگی جمعیت کشور با فرض چهارم: ۱۳۹۵ تا ۱۴۳۰

سال	نسبت وابستگی کل	نسبت وابستگی کودکان و نوجوانان	نسبت وابستگی سالمندان
۱۳۹۵	۴۳/۰۸	۳۴/۳۶	۸/۷۲
۱۴۰۰	۴۲/۰۱	۳۲/۶۶	۹/۳۵
۱۴۰۵	۴۲/۰۷	۳۰/۶۸	۱۱/۳۹
۱۴۱۰	۴۱/۱۵	۲۷/۷۱	۱۳/۴۴
۱۴۱۵	۴۲/۴۳	۲۶/۲۹	۱۶/۱۴
۱۴۲۰	۴۵/۹۳	۲۶/۷۰	۱۹/۲۳
۱۴۲۵	۵۲/۲۱	۲۸/۲۳	۲۳/۹۸
۱۴۳۰	۶۰/۹۷	۲۹/۹۷	۳۱/۰۰

## جمع‌بندی

نیروی محرکه جمعیت که محصول ساختار سنی موجود است نیرویی است که رشد آینده جمعیت و توزیع سنی آن را تحت تأثیر خود قرار خواهد داد. هر پیش فرضی در خصوص تداوم کاهش باروری ممکن است روی تعداد موالید پیش بینی شده تأثیر بگذارد اما نمی‌تواند روی تعداد قابل توجه زاد و ولدهای که محصول جمعیت‌های میانسال-جوان است تأثیر داشته باشد تعداد نسبتاً پر شمار جمعیت میانسال نه تنها در کشورهایی که درآمدهای بالا دارند بلکه در کشورهای دارای درآمد متوسط نیز اگر عمر متوسط افزایش پیدا نکند منجر به رشد جمعیت مسن تر خواهد شد. پیش‌بینی‌های سازمان ملل هم فرض را بر کاهش موالید و مرگ و میر طی دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۵ می‌گذارند و این در نهایت کاهش میزان رشد طبیعی جمعیت در هر دو گروه از کشورها را در پی خواهد داشت به علاوه این روند کاهش سهم کودکان را نشان خواهد داد بی آنکه رشد جمعیت مسن تر را بتواند جبران کند اما این پیش‌بینی به رشد جمعیت در سن کار در کشورهای کمتر توسعه یافته با نسبت پایین وابستگی اقتصادی منجر خواهد شد.

آنچه روشن به نظر می‌رسد این است که نیروی محرکه جمعیت در طی دوره بیست سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۵ جوامع را با فرصت‌های برآمده از پنجره جمعیتی از یک‌سو و کمبودهای جمعیت شناختی از سوی دیگر به چالش خواهد کشید. مصرف منابع انرژی و پیامدهای حاصل از آن که ناشی از افزایش یک و نیم میلیارد نفر و معادل ۲۳ درصد در سطح جهانی طی ۲۰ سال است، موجب نگرانی است. تغییر و تحولات فناوری که در گذشته اتفاق افتاده در اینکه ظرفیت‌ها و قابلیت‌های تولید و استفاده بهینه از منابع را فراهم ساخته شکی نیست که اثرات مثبت خواهد داشت. جمعیت توانمندتر و مولدتر در کشور ما می‌تواند بازار کالاهای مختلف را رونق بخشد در مقابل طی سالهای آینده جمعیت مسن می‌توانند سطح مصرف خود را در مقایسه با میانسالان که در دهه‌های اخیر بر بازار تسلط داشتند کاهش دهد. کاهش باروری که در گذشته تجربه شده است، می‌تواند سبک‌های اجتماعی آینده را تحت تأثیر قرار دهد. چشم‌اندازهای جمعیت شناختی و بینش‌های ناظر بر رفتار مصرف کننده نیز عامل موثر و مفیدی برای اثرگذاری در چالش‌های آینده در بازار کالا خواهد بود. تغییرات آینده ایران حاکی از آن است که بخش مهمی از جمعیت کشور در آینده سالمند خواهند بود و جمعیت افراد ۶۰ ساله و بیشتر به حدود ۳۰ میلیون نفر می‌رسد که پیامدهای مهمی بر بازار و مصرف کالاهای مختلف خواهد گذاشت. مسلماً نوع مصرف در گروه‌های مختلف جمعیتی و سنی یکسان نیست و این امر باید مد نظر تجار و فعالان اقتصادی قرار گیرد.







## خلاصه

نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که در دو دهه اخیر تغییرات و تحولات چشمگیری در ویژگیهای جمعیتی کشور صورت گرفته است. در این دوره زمانی، روند رشد جمعیت کشور سیر نزولی داشته، میزان جوانی جمعیت کاهش یافته و برنسبت سالخوردگی جمعیت افزوده شده است. بعد از انقلاب اسلامی، برنامه تنظیم خانواده در ایران تقریباً تا یک دهه متوقف ماند. طی این مدت شاخصهای باروری در ایران سیر صعودی به خود گرفت. تغییر و تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی سالهای ابتدایی پس از انقلاب اسلامی تغییرات رفتاری را سبب شد که یکی از نتایج آن بالا رفتن سطح باروری بود. با شروع مجدد برنامه‌های تنظیم خانواده در سال ۱۳۶۸ و با در نظر گرفتن برخی از عوامل، باروری شروع به کاهش نمود. در یک تحلیل نهایی، کاهش باروری در دهه‌های اخیر دست‌آوردی از توسعه اقتصادی و اجتماعی است. وتعدادی از عوامل مؤثر بر کاهش باروری در دوره بعد از انقلاب اسلامی ایران عبارتند از: کاهش مرگ و میر نوزادان و کودکان کمتر از ۵ سال، افزایش میانگین سن در اولین ازدواج، افزایش هزینه فرزندان، افزایش میزان سواد و تحصیلات، افزایش میزان شهرنشینی، آگاهی عمومی در مورد مسایل جمعیتی و تکوین یک برنامه تنظیم خانواده که توسط رهبران مذهبی مشروعیت یافته و مورد حمایت سازمان‌های بین‌المللی نیز قرار گرفته است (میرزایی، ۱۳۸۴). این کاهش سریع باروری در دو دهه اخیر، شاخصهای جمعیتی را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. از جمله این شاخصها به رشد جمعیت، میزان جوانی جمعیت، نسبت سالخوردگی و بعد خانوار می‌توان اشاره کرد.

باروری یکی از مؤلفه‌های تبیین کننده رشد جمعیت است. مسلماً با کاهش باروری، روند رشد جمعیت نیز سیر نزولی خواهد داشت. چنانچه در مورد ایران اشاره شد، متوسط رشد سالانه جمعیت ۲/۹ درصدی دوره ۶۵-۱۳۵۵ به ۱/۹۶ درصد دوره ۷۵-۱۳۶۵ و ۱/۶۲ درصد دوره ۸۵-۱۳۷۵ و دوره ۹۰-۱۳۸۵ به ۱/۲۹ درصد و دوره ۹۵-۱۳۹۰ به ۱/۲۴ درصد کاهش یافته است. هرم سنی جمعیت مستقیماً متأثر از میزان باروری در سطح جامعه است. مقایسه هرم‌های سنی جمعیت کشور در سرشماری‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ همچنین بررسی رقمی و روندی شاخص‌های میزان جوانی، نسبت سالخوردگی و نسبت وابستگی جمعیت در سرشماری‌های یاد شده نشان می‌دهد که کشور ایران در مرحله‌گذار جمعیتی قرار گرفته است. بطوریکه از سطح کشورهای کمتر توسعه یافته فاصله گرفته و به سطح کشورهای توسعه یافته نزدیکتر شده است. برای نمونه، سهم جمعیت ۱۴-۰ ساله در سرشماری‌های قبل از ۱۳۷۵

بالاتر از ۴۰ درصد بوده که در سرشماری ۱۳۷۵ به ۳۹/۵ درصد و در سرشماری ۱۳۹۵ به ۲۴ درصد تنزل پیدا کرده است. در زمینه شاخص‌های نسبت سالخوردگی و نسبت وابستگی نیز این امر صادق است. از لحاظ مطالعه جمعیت‌شناختی می‌توان گفت، این دوره زمانی کشور ایران ایده‌آلترین دوره برای فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. در این دوره زمانی، قسمت اعظمی از جمعیت (بالای ۷۰ درصد) در سنین فعالیت اقتصادی (۶۴- ۱۵ ساله) قرار گرفته و نسبت به دوره‌های قبل نسبت کمتری از جمعیت در سنین خارج از فعالیت اقتصادی (۱۴-۰ ساله و ۶۵ ساله و بیشتر) قرار دارند. روند تغییرات شاخص‌های جمعیتی و نیز مطالعات جمعیتی نشان می‌دهند که در آینده بر نسبت جمعیت ۶۵ ساله و بیشتر افزوده خواهد شد. این امر نسبت‌های سالخوردگی و وابستگی را تحت تأثیر قرار خواهد داد. بنابراین، این وضعیت جمعیتی و یا عبارتی پنجره جمعیتی، فرصتی را در جامعه به وجود آورده که اگر به صورت علمی‌تر و اصولی‌تر برخورد شود، مسلماً باعث رشد و شکوفایی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه خواهد شد. فرصت جمعیتی که الان اکثر کشورهای بیشتر توسعه یافته خواهان رسیدن به آن هستند، ولی سالخورده بودن جمعیت‌شان آنان را از رسیدن به آمال‌هایشان باز می‌دارد. اگر با این فرصت جمعیتی منطقی‌تر برخورد نشود، این فرصت جمعیتی به یک معضل جمعیتی (از جمله افزایش نرخ بیکاری، مدگرایی و غیره) تبدیل خواهد شد.

- میزان شهرنشینی و روستانشینی کشورمان در دهه‌های اخیر دستخوش تغییرات اساسی شده است. در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵، کمتر از یک سوم جمعیت کشور در شهرها و بیش از دو سوم در روستاها زندگی می‌کردند. درحالی‌که در سرشماری ۱۳۹۵ این نسبت‌ها کاملاً معکوس شده، بطوریکه در حدود سه چهارم جمعیت در نقاط شهری و یک چهارم در نقاط روستایی ساکن هستند. گرچه بالا بودن میزان شهرنشینی یکی از ویژگی‌های کشورهای توسعه‌یافته است، ولی باید در نظر داشت که بالا رفتن شهرنشینی نباید در جهت تخریب نقاط روستایی و معضلات محیط زیستی باشد. به عبارت دیگر، شهرنشینی را نباید با شهرگرایی یکسان برشمرد.

- ادغام روستا در شهر، تبدیل روستا به شهر و مهاجرت‌های روستا-شهر از جمله عوامل افزایش میزان شهرنشینی و بالتبع کاهش میزان روستانشینی است. بنابراین، با ارائه تعریف دقیق و جامع‌تر از «شهر» و «روستا» و همچنین تدوین و اجرای سیاست‌های مهاجرت روستا-شهر می‌توان از روند به تجزیه رفتن نقاط روستایی در کشور جلوگیری کرد. لازم به ذکر است که در

تمامی وجوه جمعیتی مورد مطالعه در این تحقیق، تفاوت معنی‌داری بین نقاط شهری و نقاط روستایی وجود دارد. بطوریکه نقاط شهری بیشترین استفاده را از این ویژگی‌های جمعیتی برده و نقاط روستایی متضرر گردیده‌اند. نسبت وابستگی از جمله این ویژگی‌ها است که در نقاط روستایی به مراتب بیشتر از نقاط شهری است. پس، عامل محل سکونت (شهر، روستا) یکی از عوامل تأثیرگذار در ویژگی‌های جمعیتی مورد مطالعه بوده و باید در زمینه تعدیل شکاف نقاط روستایی و شهری در ویژگی‌های یاد شده کوشید.

- بعد خانوار از ویژگی‌های جمعیتی دیگر است که کاهش باروری در دهه‌های اخیر آنرا تحت تأثیر قرار داده است. براساس آمارهای رسمی، کشور ایران بیشترین نسبت در شاخص‌های باروری را در دوره ۶۵-۱۳۵۵ داشته است. در این دوره بعد خانوار کشور ۵/۱ نفر بوده است. با کاهش نسبت شاخص‌های باروری کشور، بعد خانوار نیز روند کاهشی داشته است. بطوریکه در سال ۱۳۹۵ تعداد افراد برای هر خانوار ایرانی حدود ۳/۳ نفر بدست آمده است. این امر و همچنین توزیع نسبی خانوارهای معمولی کشور برحسب تعداد افراد خانوار طی سالهای ۹۵-۱۳۳۵، نشان از گرایش خانوارهای ایرانی به تشکیل خانوارهایی با افراد کمتر می‌باشد. کاهش بعد خانوار می‌تواند پیامدهایی به همراه داشته باشد. از جمله این پیامدها، بالا رفتن تقاضا برای مسکن در سطح جامعه است.

قبلاً خانوارهایی با افراد بیشتر (خانوارهای گسترده) در زیر سقف واحدی به سر می‌بردند. درحالیکه الآن با افزایش گرایش افراد به سوی خانوارهای هسته‌ای، نیاز به واحد مسکونی بیش از گذشته احساس می‌شود. بنابراین، با آگاهی از روند توزیع خانوارها برحسب تعداد افراد خانوار و سایر وجوه خانوار، برنامه‌هایی در زمینه مسکن و سایر اموراتی که مرتبط با خانوار است را می‌توان به مرحله اجرا درآورد.

همچنین این مطالعه، نشان داد که ساختار جمعیتی کشور به آرامش دست نیافته و همچنان در حال تغییر است. این تغییرات را می‌توان در موارد زیر دسته‌بندی کرد:

➤ به‌رغم افزایش مطلق جمعیت، اما نرخ رشد آن روندی کاهنده دارد، که دلیل اصلی آن، کاهش نرخ باروری کل به سطح پایین‌تر از نرخ جانشینی ۲/۱ فرزند است. با توجه به روندهای موجود، حتی اگر نرخ باروری کل از سوی خانوارهای ایرانی افزایش یابد، تحقق نرخ جانشینی، هدفی خوش‌بینانه تلقی می‌شود. که در صورت تحقق، می‌تواند از سقوط نرخ رشد جمعیتی به ارقام زیر صفر جلوگیری کند.

- با وجود روند کاهشی نرخ رشد جمعیت، اما نرخ رشد خانوارها با روند دیگری به رشد خود ادامه می‌دهند. چرا که همواره پتانسیل تولید خانوار با ۳ و ۲ دهه تأخیر نسبت به رشد جمعیتی آشکار می‌شود. از آن جا که موج جمعیتی سال های ۷۰-۱۳۵۵ اکنون در حال گذر از سن تشکیل خانواده و ازدواج هستند، انتظار بر آن است که در سال‌های پیش رو، از میزان ازدواج و تشکیل خانواده آن‌ها کاسته شود. به دلیل تفاوت رشد جمعیت و رشد خانوار، بعد خانوار روند کاهنده خود را کماکان ادامه خواهد داد.
- با توجه به خروج جمعیت جوان از خانوارها، موج شکل‌گیری خانوارهای کم جمعیت، پیش روی جامعه است؛ چه خانوارهای جوان کم جمعیت و چه خانوارهای کهن سال کم جمعیت. همچنین، می‌توان انتظار داشت که تعداد و سهم خانوارهای یک نفره، به‌ویژه از نوع کهن سال افزایش یابد. به دلیل امید زندگی بالای زنان، انتظار بر آن است که تعداد زنان میان‌سال و کهن سال خود سرپرست، به‌طور چشم‌گیری افزایش یابد.
- حاصل مطالعات و برآوردهای جمعیتی در این مطالعه، چشم‌اندازی از تحولات آتی جمعیت و خانوار در کشور با چهار چشم‌انداز متفاوت دو روند ثابت و دو روند افزایشی تا دستیابی به نرخ جانمایی است. که می‌توان از آن در برنامه‌ریزی‌های ملی و همچنین سیاست‌گذاری‌های آتی بخش‌های مختلف اقتصادی کشور بهره گرفت. شایان ذکر است. در هر چهار چشم‌انداز پیش‌بینی شده شاخص امید زندگی یک گزینه افزایشی هم برای مردان و هم برای زنان لحاظ شده است.
- بررسی تحولات آتی جمعیتی و سیاست‌های کلی جمعیتی نظام مبنی بر افزایش نرخ باروری، موجب گردید که چشم‌انداز سوم و چهارم به عنوان محتمل‌تر و محتمل‌ترین چشم‌انداز انتخاب گردد. به این ترتیب پیش‌بینی می‌شود جمعیت کشور در سال ۱۴۳۰ بین رقم ۱۰۹۵۷۶ هزار نفرتا ۱۱۲۲۹۷ هزار نفر خواهد بود.

## نتیجه‌گیری

کالاها و خدماتی که تولید می‌شوند باید بین مصرف‌کنندگان توزیع گردند که این مصرف‌کنندگان در نهایت خانوارها و افراد می‌باشند. بنابراین، تعداد اعضای جامعه و ترکیب آنها در میزان موفقیت تولیدکنندگان جهت فروش محصولات اهمیت به سزایی دارد. هرگونه تغییری در تعداد و ترکیب جمعیت باید به دقت مورد توجه ارایه‌کنندگان کالاها و خدمات قرار گیرد. باید دقت کنیم که تغییرات جمعیتی یک روند درازمدت است و هر چه بیشتر به آینده نظر داشته باشیم جنبه‌های بیشتری از تغییرات جمعیتی را متوجه خواهیم شد. بنابراین، اگر به فکر تغییر در برنامه فروش در کوتاه‌مدت باشیم موضوعات مربوط به جمعیت فایده زیادی نخواهد داشت اما اگر یک برنامه‌ریز استراتژیک با نگاه بلندمدت باشیم و نگران آینده درازمدت و میان‌مدت باشیم باید توجه خاصی بر تغییرات جمعیتی داشته باشیم.

جمعیت‌شناسی مطالعه ویژگی‌های گروه‌های متفاوت برای اهداف بازارهای هدف است. گروه‌ها دربردارنده افرادی از نژادهای مختلف، عقاید سیاسی، یا گروه‌های سنی متفاوت هستند. درک عمیق ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشتریان برای تلاش‌های بازاریابی موفق ضروری می‌باشد چون هیچ محصولی برای تمام افراد مورد درخواست نیست. اگر شما ایده مشخصی در مورد انواع افراد دارید که در مورد تولیدات و خدمات شما مورد استفاده قرار گیرد پس شما می‌توانید پیام بازاریابی‌تان و اندازه آن را به گونه‌ای هدایت کنید که به طور دقیقی آن نوع از مشتریان را به خود جذب نماید.

جمعیت ایران در نیم‌قرن اخیر در بستر گذار جمعیتی تحولات بی‌سابقه‌ای را تجربه کرده است. بر اثر کاهش سریع و پدیده‌ای دو دهه اخیر باروری به دنبال کاهش مستمر مرگ‌ومیر، میزان رشد شتابان جمعیت هرچند تعدیل شده است، اما ابعاد جدید جمعیت و توسعه‌ای، نظیر تغییرات ساختار سنی جمعیت و پیامدهای آن ظهور کرده است. مصرف‌خانوار نیز از مقوله‌هایی است که از این تغییرات تأثیرپذیر گشته و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی در زمینه تأمین نیازمندی‌های مصرفی فعلی و آتی خانوارها را با چالش مواجه ساخته است. بررسی تحولات میزان مصرف در ایران نشان می‌دهد که سهم مصرف از تولید ناخالص داخلی در طول سال‌های گذشته در حال افزایش بوده و در سال ۱۳۸۸ این مقدار تقریباً برابر با ۷۰٪ بوده است (اطلاعات حساب‌های ملی ایران، مرکز آمار ایران).

نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که ساختار جمعیت در ابعاد مختلف آن نظیر ترکیب سنی، بعد و ساختار خانوار و حضور کودکان، نوجوانان و سالمندان در خانواده، محل سکونت، وضعیت اشتغال افراد خانوار و تعداد مرد و زن در خانوار تأثیر معنی‌داری در میزان مصرف خانوار در مقوله‌های مصرفی دارد. علاوه بر این، عواملی همچون درآمد خانوار و سن سرپرست خانوار را در هزینه‌های مصرفی خانوار مهم می‌انگارد. برخی از تحقیقات در کشور نقش پویایی جمعیت در پویایی تقاضای مصرف را عمدتاً در سطح کلان و با تکیه بر تغییرات تابع تقاضای مصرف مورد کنکاش قرار داده‌اند. به عبارتی، از یک سو از توجه به پویایی ویژگی‌های جمعیتی ادوار مختلف و ویژگی‌های اجتماعی- جمعیتی نسل‌ها و ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی خانوار مغفول مانده‌اند و از سوی دیگر تنوع مصرفی را که مهم‌ترین کانون تأثیرپذیری از ساختار سنی و ویژگی‌های جمعیتی است، در کانون توجه خود قرار نداده‌اند. این در حالی است که بررسی اولیه روند تغییرات هزینه‌های مصرفی خانوار در ایران مبین وجود تفاوت‌های دوره‌ای، نسلی و سنی در هزینه‌های مصرفی خانوار بالأخص در مقوله‌های مصرفی بوده و ضرورت بررسی آن را به خوبی نمایان می‌سازد.

نسل‌های مولید به سبب قرار گرفتن در معرض تجربیات مختلف اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی، الگوی مصرفی متفاوتی را دنبال می‌کنند. سرپرستان خانوار به دلیل قرار گرفتن در معرض تجربیات متفاوت جمعیتی همچون تجربه انفجار جمعیتی و به تبع آن تغییر در ساختار خانواده، الگوهای مصرفی متفاوتی را چه از منظر میزان مصرف و چه از منظر تنوع مصرفی دنبال می‌کنند. این تغییرات الگوهای درآمد و هزینه که در مصرف افراد منعکس می‌شود تابعی از روندهای جمعیتی و تغییرات ساخت و ترکیب جمعیت کشور می‌باشد. شناخت این تغییرات و تحولات نشانه مهمی است برای آن دسته از تولیدکنندگانی که به بازارهای بزرگ و فروش همیشگی فکر می‌کنند و به دنبال سرمایه‌گذاری‌های دقیق و هدفمند می‌باشند.

در پایان باید اشاره‌ای هم به روش تحقیق در حوزه جمعیت‌شناسی مصرف و بازار نمود. اغلب تحقیقات به صورت مقطعی به بررسی موضوع پرداخته‌اند و کمتر تحقیقاتی روند طولی آن را مورد تأکید قرار داده است. در صورتی که خواهیم به درک بهتری از روند تغییرات مصرف دست یابیم و آن را در مدیریت آتی به کارگیریم، بررسی پدیده مورد مطالعه به صورت طولی ضروری است و استفاده از روش سن-دوره و کوهورت Age-Period-Cohort مناسب به نظر می‌رسد.



بنابراین، در بررسی هزینه‌های مصرفی خانوار علاوه بر عوامل اقتصادی و اجتماعی خانوار، لزوم توجه به سه عامل اساسی ناگزیر می‌باشد:

- سن
- دوره (دوره‌های تجاری)
- نسل (سال مولید)

در بررسی موضوع، استفاده از منابع آماری همچون داده‌های سرشماری و ثبت احول ضروری به نظر می‌رسد. همچنین داده‌های دیگری مثل داده‌های هزینه-درآمد خانوار به عنوان یکی از منابع اطلاعات مورد استفاده قرار گیرد. درباره کشور ما، این داده‌ها در حال حاضر از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۹۴ در دسترس می‌باشد که می‌توان هر کدام را در جای خود و به صورت متناسب مورد استفاده قرار داد.

از منظر خانوار، نیز این جنبه‌ها باید مد نظر قرار گیرد:

سن و ساختار سنی خانوار: متغیرهای ساختار سنی خانوار شامل میانگین سنی اعضای خانوار، سن سرپرست خانوار، تعداد کودکان، نوجوانان، جوانان و سالمندان خانوار.

بعد خانوار: تعداد افراد موجود در خانوار که تحت سرپرستی سرپرست خانوار بوده‌اند.

ساختار خانوار: با توجه به ماهیت اطلاعات موجود در پرسشنامه هزینه و درآمد خانوار، امکان بررسی ساختار خانوار فراهم می‌گردد. از این رو ساختار خانوار در قالب دو مقوله خانوارهای هسته‌ای (ترکیب والدین و فرزندان) و خانوارهای گسترده (والدین و فرزندان به همراه حداقل یکی از خویشان یا افراد دیگر) تعریف خواهد شد.

محل سکونت، جنس سرپرست خانوار، میزان درآمد خانوار و شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی دیگر از جمله متغیرهای سطح خانوار خواهد بود.

خلاصه اینکه می‌توان با بکارگیری چشم‌انداز ترسیم شده موارد مطرح را به همراه دیگر موارد ضروری از جمله تمرکز جمعیت (مهاجرت) را در نظر گرفت و مسیری از روندهای گذشته و کنونی را در حوزه اقتصادی به همراه پیش‌بینی از آینده ارایه نمود.



## منابع و مآخذ مورد استفاده:

- ۱- امانی، مهدی (۱۳۵۴)، "جمعیت شناسی ایران". تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۲- زارع، بیژن (۱۳۸۴)، "جمعیت شناسی اقتصادی و اجتماعی" تهران، انتشارات سمت
- ۳- زنجانی، حبیب‌اله، نوراللهی، طه و فتوحی، الهام (۱۳۹۵)، "جمعیت شناسی ایران دوجلدی". تهران انتشارات پژوهشکده آمار
- ۴- زنجانی، حبیب اله (۱۳۷۱)، "جمعیت و شهرنشینی در ایران". تهران، چاپ دوم نشر مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- ۵- سازمان ثبت احوال ایران، آمار رویدادهای حیاتی و سالنامه آمارهای جمعیتی.  
[www.sabteahval.ir](http://www.sabteahval.ir)
- ۶- سبکتکین‌ریزی، قربانعلی (۱۳۸۶)، "درآمدی بر جامعه شناسی جمعیت". تهران، نشر اول، چاپ نقشینه پیمان
- ۷- سرایی، حسن (۱۳۸۱)، "روش‌های مقدماتی تحلیل جمعیت با تاکید بر باروری و مرگ و میر". تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۸- شیخی، محمدتقی (۱۳۸۰)، "جمعیت‌شناسی اقتصادی اجتماعی". تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار
- ۹- عینی زیناب، حسن و همکاران (۱۳۹۳)، "مدل‌سازی و پیش‌بینی مرگ و میر در ایران: ۱۴۲۰-۱۳۷۵"، گزارش طرح مطالعاتی، پژوهشکده آمار
- ۱۰- مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری‌های نفوس و مسکن سال‌های ۹۵-۱۳۳۵  
[www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)
- ۱۱- نوراللهی، طه و همکاران (۱۳۹۱). "جدول عمر سالانه ایران ۱۴۰۰-۱۳۵۵". گزارش طرح مطالعاتی، پژوهشکده
- ۱۲- ویکس، جان (۱۳۹۵). "جمعیت؛ مقدمه‌ای بر مفاهیم و موضوعات" ترجمه الهه میرزایی، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- ۱۳- مارتینز، ج، یوسف، فرحت و سوانسون، دیوید، (۱۳۹۳). "جمعیت شناسی مصرف و رفتار مصرف کننده". ترجمه سیدمحمد سیدمیرزایی، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.



۱۴- فوت، دیوید و استافمن، دانیل، (۱۳۸۱). "انفجار جمعیت" ترجمه سیدمصطفی میراسلامی، تهران: انستیتو ایزایران.

۱۵- وبلاگ مطالعات جمعیتی <http://population-studies.blogfa.com>

۱۶- آرتور، هاپت و تامس تی کین (۱۳۹۶). "راهنمای جمعیت". ترجمه طه نوراللهی، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.

۱۷- نوراللهی، طه (۱۳۷۹). "برآورد باروری ایران و استان‌ها با روش فرزندان خود ۱۳۵۱ تا ۱۳۷۵ تهران، انتشارات مرکز آمار ایران

۱۸- نوراللهی، طه (۱۳۷۹). روندها و شاخص‌های مرگ و میر کودکان در ایران ۱۳۳۵ تا ۱۴۰۰ تهران، انتشارات مرکز آمار ایران

۱۹- نوراللهی، طه و میرزاصطفی، سید مهدی (۱۳۸۷). "مهاجرت‌های داخلی ایران ۱۳۵۵ تا ۱۳۸۵". تهران، انتشارات مرکز آمار ایران

۲۰- صادقی، رسول و دیگران (۱۳۹۲). "تحولات جمعیت ایران ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰". تهران، انتشارات پژوهشکده آمار ایران

۲۱- نوراللهی، طه (۱۳۹۳). "جمعیت‌شناسی بازرگانی و نواحی کوچک". تهران، اولین کنفرانس انجمن شرکت‌های پخش کالای ایران

۲۲- قاسمیان، عاطفه (۱۳۹۳). "پنجره جمعیتی و پیامدهای اقتصادی آن". تهران، انتشارات اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

۲۳- قاسمی اردهالی، علی و دیگران (۱۳۹۲). "مهاجرت‌های داخلی در ایران". تهران، انتشارات پژوهشکده آمار ایران

۲۴- نوراللهی، طه و دیگران (۱۳۹۳). "مروری بر پیشینه پیش‌بینی‌های جمعیتی در ایران". تهران، انتشارات پژوهشکده آمار ایران